

محک‌خشن در حرکت تخریبی

این در و دروازه صاحب دارد؟!؟

این روزها همه از مسئولان و افراد عادی در جامعه باور دارند که کشور در شرایط خاص و البته خطر و حساس قرار دارد. مسؤولیت و وظیفهٔ مهمی و دینی ایجاب می‌کند س‌ا در گفته‌ها و اعمال خود نهایت عقلائیست را بکار بندیم و قبل از هر اقدام فردی یا اجتماعی، در انجام وظایف و مسؤولیت‌های مدیریتی کشور و در گفتگوهای عمومی، هنگام رد یا تأیید مطلبی همواره مختصات زمانی، دشمنی‌ها و دوستی‌ها را چنان محک بزیم که نتیجه آن در راستای حل و فصل مشکلات در سطح خُرد و کلان، همچنین ترمیم و افزایش اعتماد عمومی در جامعه و آینده‌نگری بهتر شود.

به ایرانی‌ها خود را ملتی می‌دانند که سابقهٔ سترگ فرهنگی دارند و نگاه و ارزیابی هر پدیده‌ای در مسیر تحولات، مثبت یا منفی، از فرهنگ تاریخی و تجربه‌های ملی و باورهای دینی در مسیر تاریخ کهنس‌ خود بهره‌گیری می‌کنند. در این نوشته به اختصار مباحث آن نیست تا بستر بسیار طولانی از تجربه‌های تلخ و شیرین ایرانی، آن هم براساس فرهنگ ما ایرانی‌ها نقد و بررسی شود. اما این نکته را بسیاری از اندیشمندان در گذر تاریخ گفته و مختصات زمانی، دشمنی‌ها و فرهنگ در جامعه ایران هم‌خوره شده، ضربات سهمگین را نیز تجربه کرده‌ام. بارها به دوستان گاه گفته‌ام برای شناخت واقعی از سبتر تجربه‌های تاریخ پرلذات، کافی است تا به ضرب‌المثل‌های بچای مانده از گذشته‌های دور تا امروز نگاه کرد تا دریابیم در درون همین تاریخ، چگونه بوده‌ام یا هنوز هستیم و چرا از مشروطه تا امروز که همواره خواهان آزادی و عدالت بوده و هستیم، اما در سرودن بیت اول این غزل، هنوز که هنوز است توانایی و در مسیر افراط و تفریط دست و پا می‌زنیم! این مقدمه را آوردم تا به خیر روز بپردازم.

شخصی در تبریز، داعیه دارد که قانون این‌سینا در طب از کتب «صالحه» و انحرافی است و بچای آن باید طب و طبابت اتمه و امامان را جاگیرین کرد و بالاتر از آن همه تکلم علیه پزشکی امروز را به آتش کشید و سوزاند و برای اثبات این ادعا یک کتاب پزشکی مشهور و مرجع علم پزشکی را به آتش می‌دهد و از این اقدام خود فیلم تهیه و منتشر می‌کند. در کمترین فرصتی این فیلم با نام «کتاب‌سوزی» در فضای مجازی و از شبکه‌های رایسان‌زبان برای کشور پخش می‌شود. آیا بی‌انتشار تصویر می‌شود، اعتراض‌ها از خارج و مراکز رسمی و غیررسمی بدلی می‌شود. حوزه علمیه، طب در پیاپی‌ها اعلام کرده است «تعرض به علم پزشکی جاهلانه و محکوم است» و در پیانه دیگر آمده است «وظیفه حاکمیت دفاع از حريم علم و مبارزه با جاهلانی است که با اقدامات ناصواب، زمینه آسیب دیدن دین و سلامت مردم را به وجود می‌آورند.» (ادامه اخبار اعتراضی را در رسانه‌ها می‌توانید ببینید و بخوانید.) اما این خبر بخشی از ماجرای است که امروز و متأسفانه در رسانه رسمی و ملی کشور (صداوسیما) هم دیده می‌شود. یک نمونه آن گفتگوی زنده با یک شورش روحانی است که در اغلب برنامه‌هایش در سیما، با بیان مبین اندرزهای اخلاقی می‌دهد. در یکی از همین برنامه‌ها مجری به پینندگان اطلاع داد، می‌خواهم درباره «چر» گفتگو کنیم. و غیررسمی بدلی می‌شود. این شورش روحانی است که در اغلب برنامه‌هایش در گفتگوی زنده با چند ازدواج کرده؛ پاسخ شیخ روحانی یک کلمه بود: «بله». آیا شرعی است؟ باز جواب «بله»! آیا می‌شود از چن بچه‌دار شد؟ پاسخ «آری و البته از نظر علمی هم ثابت شده است»! این گفتگو یکی از صداسوزهای پخش شده است، اکنون در فضایی مجازی دست به دست می‌شود و در حد بیان حقایق از زبان روحانیون ترسیم تبلیغاتی کرده‌اند!

تجارت «تندرستی» و انتشار شماره تلفن‌های دفتر کار دعائوسیان برای رفع هر مشکلی و دریافت سفارش‌ش‌ها به تلفن‌های همراه و آگهی‌های تبلیغاتی رسمی است! از این نمونه‌ها را بسیار می‌توان شمارش کرد. اما رسید جامعه و به‌ویژه جامعه فرهنگی کشور آشکارا و صریح است: «این در و دروازه صاحب دارد؟ اگر دارد چرا بسته نمی‌شود؟» مجازات نمی‌شود؟! آیا گونه اعمال و رفتارها، هنک حرمت شناسانه فرهنگی ما ایرانیان نیستند؟

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی از بسیج به عنوان مؤلف قدرت و رمز استعمار و ماندگاری انقلاب اسلامی نام برد و با اشاره به تشییع باشکوه و سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفت: این سردار والاقام با اخلاص خود کاری کرد که شهادتش مرگ تدریجی استکبار را سرعت بخشد.

به گزارش سپاه نیوز؛ نماینده ولی فقیه در سپاه در همایش سراسری فرماندهان سازمان بسیج مستضعفین با تسلیت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و اشاره به تشییع باشکوه و یک نفر سرحد شهید حاج قاسم سلیمانی و تاکید بر تقویت روحیه و مکتب این فرمانده دلاور سپاه اسلام، تصریح کرد:حاج قاسم سلیمانی هم زندگی هم شهادت صادق از بسیج به عنوان مؤلفه قدرت و

معانومیت و انتظامی‌وزیر کشور گفت: ۱۵۸۰۰ درصد آسیب‌های داخل کشور دستخست خودمان است هرچند خارجی‌ها هم در این زمینه تأثیر دارند.

به گزارش ایرنا، حسین ذوالفقاری در نشست مسئولان بسیج شهرداری‌ها مراکز استان‌ها که در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برگزار شد، با تأکید بر این که تهدیدهایی از بیرون وجود دارد، بخشی از آسیب‌های داخلی ناشی از عوامل خارجی است. اما بخشی از آن هم دستپخت خودمان است.

وی افزود: مثلث امنیت دارای سه ضلع است که اگر با هر تلافی پیدا کنند ناامنی ایجاد می‌شود. اولین ضلع این مثلث وجود تهدیدهای نسبتاً فعال خارجی است. می‌تواند شامل انواع تهدیدها باشد. ذوالفقاری وجود آسیب‌های داخلی نسبتاً بالا در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کارکردی را دومین ضلع این مثلث دانست و گفت: ضعف در کنترل، سومین ضلع این مثلث محسوب می‌شود.

وی افزود: اگر دو نوع تهدید اولیه وجود داشته باشند و از طرفی جامعه هم تاب‌آوری داشته باشد باز جامعه ناامن نخواهد شد و اگر جامعه ناامن وجود داشته باشد باید در انتظار ناامنی باشیم.

معانوم وزیر کشور با تأکید بر این که در ایران تهدیدات ناامنی بیرونی در رتبه اول قرار دارد گفت: استکبار جهانی این تهدیدها را ایجاد

می‌کند. البته ما فقط بخشی از این تکه یخ را می‌بینیم که لازم است عمیق تر به آن نگاه کنیم و ماهیت استکباری آمریکا را بشناسیم.

معانوم امنیت‌وزیر کشور با بیان این که بنا نداریم برای اداره کشور از نیروی قهریه استفاده کنیم، گفت: باید تلاش کنیم در حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه در حوزه امور روزمره مردم بیشتر تلاش کنیم تا احساس نارضایتی به ناامنی تبدیل نشود.

کنشور بالااست اما امنیت در کشور برای مردم در درجه اول اهمیت قرار دارد. مردم نگران‌ند که خدشهای به کشور و دین وارد شود و هر جا که لازم باشد در هر صحنه ای مانند مراسم تشییع سردار شهید سلیمانی حضور آگاهانه داشته باشند. ناامنی امنیتی است که توسط نیروهای دشمنای ایجاد می‌شود، گفت: نقش بسیج نقش بی‌بدیل است، چرا که همه سیستم‌های دیگر قابل دشمنان قابل محاسبه هستند، اما بسیج قابل محاسبه نیست و نمی‌توانند برنامه‌ای برای آن تهیه کنند.

به گزارش فارس، پایگاه کانادایی «سی‌بی‌سی» خبر داد: به کارند دستور داده شده سازمان مرزی آمریکا-کانادا مشغول مورد بازجویی قرار دهند.

سی‌بی‌سی به ایمنی استاده کرد که مربوط به یک مأمور مرزبان آمریکایی است و بدست این رسانه رسیده است.

پیشتر رسانه‌ها گزارش داده بودند نزدیک به ۲۰۰ نفر از

با حضور رهبر معظم انقلاب

نخستین شب مراسم عزاداری حضرت فاطمه زهرا (س) برگزار شد



نخستین شب مراسم عزاداری حضرت فاطمه‌زهرا(س)

با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی، جمعی از مسئولان و هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی در سخنانی با استناد به آیاتی از قرآن کریم از جمله آیه مودت، معرفت (اهل بیت (ع) از جمله حضرت فاطمه (س) را لازمهٔ معرفت و پیروی از آن بزرگواران دانست و افزود: مهمترین فضیلت آن بانوی بزرگ اسلام، عبودیت محض و ادای حق ولایت با نوحه‌خوانی بر مصائب حضرت صدیقه‌کبری(س) پرداخت.

سردار شریف:عمل‌نمرداری و عمل انقلابی محور اقدامات سپاه است

درباست و منطقی قوی و طرح این گونه ادعاها فاقد وجهات قانونی است.

سردار شریف، عملکرد سپاه نزد افکار عمومی را واضح و روشن و بی نیاز از حمایت با مستمک قرار دادن موضوعات غیر واقعی توصیف و تصریح کرد: هرچند بیان برخی مطالب و تحلیل‌های غیر منطقی توسط کارشناس بدیهه مسبق بود سابقه بوده و سپاه در مرداد ماه سال ۹۵ هم در اصلاح این رویه کین کرده است؛ اما اعلام می‌کنیم این در برخی محافل دیدگاه‌ها و برداشت‌های شخصی و بی پایه و اساس را مطرح کرده که در مواردی از جمله آنچه اخیرا مطرح شده توسط بدخواهان دستنویز کرد نفوذی و جانوس‌های سرپوشی‌ای اطلاعاتی دشمنان در چارچوب وظایف مصرح و قانونی و یکی از تاثیرگذارترین عملکردهای سپاه است.

به گزارش ایسنا به نقل از سپاه نیوز: در پی انتشار ویدئویی در فضای مجازی دیدن آن در کارشناسی به این طعانی درباره «شبه‌تأمین بوجه سپاه» می‌پردازد:

سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه را در ادعاهای این فرد، گفت: ماوریت‌ها و عملکرد سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی و صیانت از امنیت و آسایش ملت ایران کاملا در چارچوب قوانین و مقررات کشور و مبتنی بر عقلایت،

نماینده ولی فقیه در سپاه: شهادت «حاج قاسم» رمز تدریجی استکبار را سرعت بخشد

رمز استعمار و ماندگاری انقلاب اسلامی را برد و افکار داشت: مقام معظم رهبری بسیج را مبدل تهدیدات به فرصت و خشتی کتنده نمود تا هر توصیف کرده‌اند از این رو خاطرنشان کرد: روحیه ای انقلابی بسیج بر مبنای منط و به معنای ایستادگی مقتدرانه و ای با استناره به مولفه های تحول در سازمان بسیج مستضعفین افزود: توجیه منمایی در بسیج به معنای تبیین فرهنگ بسیجی است و واقع بسیج فرهنگ و گفتمان قرانی است که ریشه در فرهنگ قاطمی و مشاورایی دارد و سردار شهید قاسم سلیمانی الگوی فرهنگ بسیجی است.

نماینده ولی فقیه در سپاه یکی از مهمترین اقدامات بسیج برای تقویت بصیرت دینی را طخ صالحین دانست و گفت: بصیرت دینی قدرت تکلیف گراییه به انسان می دهد

معانوم وزیر کشور: ۹۰ درصد آسیب‌های کشور دستپخت خودمان است

می‌کند. البته ما فقط بخشی از این تکه یخ را می‌بینیم که لازم است عمیق تر به آن نگاه کنیم و ماهیت استکباری آمریکا را بشناسیم.

معانوم امنیت‌وزیر کشور با بیان این که بنا نداریم برای اداره کشور از نیروی قهریه استفاده کنیم، گفت: باید تلاش کنیم در حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه در حوزه امور روزمره مردم بیشتر تلاش کنیم تا احساس نارضایتی به ناامنی تبدیل نشود.

کنشور بالااست اما امنیت در کشور برای مردم در درجه اول اهمیت قرار دارد. مردم نگران‌ند که خدشهای به کشور و دین وارد شود و هر جا که لازم باشد در هر صحنه ای مانند مراسم تشییع سردار شهید سلیمانی حضور آگاهانه داشته باشند. ناامنی امنیتی است که توسط نیروهای دشمنای ایجاد می‌شود، گفت: نقش بسیج نقش بی‌بدیل است، چرا که همه سیستم‌های دیگر قابل دشمنان قابل محاسبه هستند، اما بسیج قابل محاسبه نیست و نمی‌توانند برنامه‌ای برای آن تهیه کنند.

مسافرائی که اصالت ایرانی داشته‌اند، ۴،۳۰۰زائویه (۱۴دی) در یک گذرگاه مرزی در منطقه «پلین» در واشنگتن بازداشت شده و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

مسافری در این باره هم گفته بود که این گونه اقدامات کاملا تبعیض آمیز که صرفا به دلیل نژاد و ملیت و احتیانا مذهب افراد صورت می‌گیرد، کاملا از لحاظ قوانین و اصول بین المللی حقوق بشر مورد است و مسئولیت دولت آمریکا را به دنبال دارد.

سخنگوی دستگاه سیاست خارجی، با محکوم کردن شدید آزار و اذیت هموطنان ایرانی از سوی مرزبانان آمریکا، خاطرنشان کرد:قطعا این رفتار دولت آمریکا قابل طرح و پیگرد در مراجع حقوق بشری است.

روایت نیویورک تایمز از برخورد‌های نوهین آمیز با ایرانی‌ها

یک رسانه آمریکایی هم به رفتار تحقیرآمیز مأموران فرودگاه‌های آمریکا با دانشجویان ایرانی اشاره کرده و نوشته است که این افراد با بازجویی‌های سیاسی، نگهداری در سوله‌های سرد و حتی درآوردن کامل لباس از تن برای جستجوی بدنی روبرو شده‌اند.

اسامی تأیید صلاحیت شدگان نهایی انتخابات، ۲۲ بهمن اعلام می‌شود

سخنگوی ستاد انتخابات کشور گفت: شورای نگهبان اسامی نهایی تأیید صلاحیت شدگان را روز ۲۲ بهمن به وزارت کشور اعلام می‌کند و فرمانداران روز ۲۳ بهمن این اسامی را اعلام خواهند کرد.

سیداسماعیل سلیمانی انتخاباتی در انتخابات مجلس مقرر شد که از این پس حداکثر هزینه هر نامزد انتخاباتی در هر دوره انتخابات با پیشنهاد وزارت کشور به تأیید هیات مرکزی نظارت برسد.

در ادامه این جلسه نمایندگان چارچوب هزینه‌های انتخاباتی هر داوطلب را هم تعیین کردند.

مجلس با تصویب ماده ۱۷ طرح در مصوبه‌ای داوطلبان نمایندگی مجلس را موظف کرد حسابی را برای نقل و انتقال وجوه و منابع نقدی مربوط به هزینه‌های انتخاباتی تعیین کنند.

دبیر ستاد انتخابات کشور با تأکید بر این که نظارت مستمر بر تبلیغات زودرس انتخاباتی وجود دارد، گفت: اگر مواردی از تبلیغات زودرس وجود داشته باشد، قوه قضائیه و هیات نظارت ستاد انتخابات به آن رسیدگی می‌کنند.

وی درباره آخرین فعالیت‌های ستاد انتخابات کشور برای برگزاری انتخابات کشور گفت: فرمانداران و بخشداران در حال تعیین شعب حوزه‌های انتخاباتی هستند و پس از آن، اعضای شعبه‌ها توسط فرمانداران و بخشداران تعیین می‌شوند. هنوز تعداد شعب سراسر کشور نهایی نشده است و هرگاه تعیین شعب توسط فرمانداران و بخشداران نهایی شود، تعدادشعب مشخص و اعلام خواهد شد.

موسوی ادامه داد: دوره‌های آموزشی ستاد انتخابات کشور ادامه دارد و برای مربیان انتخابات، دوره آموزش‌های نهایی برگزار می‌شود تا آنها آموزش‌ها را به اعضای هیات‌های اجرایی و شعب انتقال دهند.

همچنین روز شنبه، خط آماده‌سازی نهایی تجهیزات احراز هویت الکترونیکی رای‌دهندگان را حضور رئیس ستاد انتخابات کشور افتتاح شد. به گفته امیر شجاعان، رئیس کمیته فناوری اطلاعات ستاد انتخابات کشور این تجهیزات در حال تست و شهرستانها توزیع خواهند شد و تا روز اخذ رای پلمب خواهند بود. با استفاده از این دستگاه‌ها استفاده از کارت ملی جعلی و یا مربوط به متوفیان و همچنین دو یا چندبار رای دادن هر فرد، غیرممکن خواهد شد.

هزینه‌های نامزدان انتخاباتی باید به تأیید هیات مرکزی نظارت برسد

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی دیروز به ریاست علی لاریجانی برگزار شد و بررسی جزئیات طرح تسلیفیات و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی مجلس در دستور کار نمایندگان قرار گرفت.

دراین جلسه در مصوبه ای امکانات و منابع قانونی تأمین مالی تبلیغات و فعالیت‌های نامزدهای انتخاباتی مجلس تعیین شد.

رایزنی وزرای خارجه ایران و عمان در تهران

یوسف بن علوی وزیر امور خارجه عمان دیروز در راه بازگشت از دابوس در توقفی کوتاه در تهران با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفتگو کرد.
یوسف بن علوی در دیدار دو روز در باره موضوعات دو جانبه و منطقه ای و مهم تحققاتی است.
همچنین به اظهارات امیر شجاعان، رئیس کمیته فناوری اطلاعات ستاد انتخابات کشور گفت: فرمانداران و بخشداران در حال تعیین شعب حوزه‌های انتخاباتی هستند و پس از آن، اعضای شعبه‌ها توسط فرمانداران و بخشداران تعیین می‌شوند. هنوز تعداد شعب سراسر کشور نهایی نشده است و هرگاه تعیین شعب توسط فرمانداران و بخشداران نهایی شود، تعدادشعب مشخص و اعلام خواهد شد.

عیدی کارکنان و بازنستگان دولت و تأمین اجتماعی، ۱۱میلیون ریال تعیین شد

هیات وزیران به دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح، نیروی نظامی و قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های اجرایی متشکل از سازمان‌های خاص اجازه داد به کارمندان خود (اعم از رسمی، ثابت، پیمانی، خرید خدمت، قراردادی و موقت) و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و قضات که به طور تمام وقت اشتغال به کار دارند، مبلغ ثابت ۱۱میلیون ریال به نسبت مدت خدمت تا روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۹۸ را به نامزدان پاداش آخر سال (عیدی) در ماه جاری از محل بوجه مصوب دستگاه‌های اجرایی پرداخت کنند.

به گزارش «پایگاه اطلاع رسانی دفتر هیات دولت»، برنامۀ ۴۰۰ سالانۀ موم بسیج است، گفت: باید تاوانمندی‌ها برای بسیج در تمامی عرصه‌ها ارتقا یابد. بسیجی سنگرشترین انقلاب است و نسبت به توطئه‌ها و وظایف بصیر است. بسیجی قدرت تکلیف شناسی دارد و نسبت به موفقیت‌ها و فرصت‌ها بصیرت دارد.

وزیر کشور: قاجاق سوخت ۹میلیارد لیتر کاهش یافت



فرآورده‌ها توسط مرتزینشان با وزارت نفت همکاری خوبی داشته‌اند. وی گفت: با طرح تکمیلی که وزارت نفت برای خوری کرد در حوزه مرتزینشان ادوایردیم در ماه‌های باقی مانده امسال و سال ۱۳۹۹ کاهش

به گزارش ایرنا، عبدالرضا رحمانی فضلی در جلسهٔ نشست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با بیان این که به‌راورد کلی از ورودی خروجی کالای قاچاق ۱۴میلیارد ۹میلیارد لیتر کاهش یافته‌است، گفت: در حوزه صادرات

به صورت عریان مقابل بایانته است. این دانشجویی برای به تألمات روحی ناشی از اقدامات افسران آمریکایی و ضرر و زیان مادی ههزار دلاری بابت تأمین هزینه سفر به آمریکا اشاره کرد. «حمید» دیگر دانشجوی ایرانی که در ۱۳۰۱زائویه (۲۲دی) از فرودگاه بین‌المللی شینگاو به ایران بازگردانده شد، گفت که پس از ورود به فرودگاه شینگاو در بلو ام ۱۹ساعت یک سئول نگهداری شد. مأموران سپس از عقاید او در باره تحولات ایران سوال کردند و سپس مسئول‌هایی درباره هوایمانی حادثه‌دیده او کراپتی پرسیدند. حمید در ادامه به رفتار پائینسند مأموران آمریکایی و رفتار تحقیرآمیز آنها با خود اشاره کرد.

«ریحانه» دختر ۳۵ساله ایرانی که قصد حضور در دانشکده «هاروارد» را داشت، ۱۵اسپتامبر (۲۹شهریور) به فرودگاه لوگان انتقال داده شد. وی به ستودالات مأموران فرودگاه درباره انفجار در غربستان پاسخخ داد. ریحانه به بازجویی ۸ساعت از خود اشاره کرد. در دانشگاه «نیوهامپشایر» «پگاه»، ۲۸ساله که قصد داشت در دانشگاه «نیوهامپشایر» به تحصیلات خود ادامه دهد در یکم اگوست (شنبه ۱۱مرداد) به صورت عریان مقابل بایانته است. این دانشجویی برای به تألمات روحی ناشی از اقدامات افسران آمریکایی و ضرر و زیان مادی ههزار دلاری بابت تأمین هزینه سفر به آمریکا اشاره کرد. «حمید» دیگر دانشجوی ایرانی که در ۱۳۰۱زائویه (۲۲دی) از فرودگاه بین‌المللی شینگاو به ایران بازگردانده شد، گفت که پس از ورود به فرودگاه شینگاو در بلو ام ۱۹ساعت یک سئول نگهداری شد. مأموران سپس از عقاید او در باره تحولات ایران سوال کردند و سپس مسئول‌هایی درباره هوایمانی حادثه‌دیده او کراپتی پرسیدند. حمید در ادامه به رفتار پائینسند مأموران آمریکایی و رفتار تحقیرآمیز آنها با خود اشاره کرد.

«ریحانه» دختر ۳۵ساله ایرانی که قصد حضور در دانشکده «هاروارد» را داشت، ۱۵اسپتامبر (۲۹شهریور) به فرودگاه لوگان انتقال داده شد. وی به ستودالات مأموران فرودگاه درباره انفجار در غربستان پاسخخ داد. ریحانه به بازجویی ۸ساعت از خود اشاره کرد. در دانشگاه «نیوهامپشایر» «پگاه»، ۲۸ساله که قصد داشت در دانشگاه «نیوهامپشایر» به تحصیلات خود ادامه دهد در یکم اگوست (شنبه ۱۱مرداد) به صورت عریان مقابل بایانته است. این دانشجویی برای به تألمات روحی ناشی از اقدامات افسران آمریکایی و ضرر و زیان مادی ههزار دلاری بابت تأمین هزینه سفر به آمریکا اشاره کرد. «حمید» دیگر دانشجوی ایرانی که در ۱۳۰۱زائویه (۲۲دی) از فرودگاه بین‌المللی شینگاو به ایران بازگردانده شد، گفت که پس از ورود به فرودگاه شینگاو در بلو ام ۱۹ساعت یک سئول نگهداری شد. مأموران سپس از عقاید او در باره تحولات ایران سوال کردند و سپس مسئول‌هایی درباره هوایمانی حادثه‌دیده او کراپتی پرسیدند. حمید در ادامه به رفتار پائینسند مأموران آمریکایی و رفتار تحقیرآمیز آنها با خود اشاره کرد.

همچنین نمایندگان مجلس ساز و کار دریافت و پرداخت کمک مالی نقدی یا غیر نقدی برای تأمین منابع مالی فعالیت‌های انتخاباتی را شفاف کردند.

با تصویب ماده ۵طرح شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس مقرر شد که از این پس حداکثر هزینه هر نامزد انتخاباتی در هر دوره انتخابات با پیشنهاد وزارت کشور به تأیید هیات مرکزی نظارت برسد.

در ادامه این جلسه نمایندگان چارچوب هزینه‌های انتخاباتی هر داوطلب را هم تعیین کردند.

مجلس با تصویب ماده ۱۷ طرح در مصوبه‌ای داوطلبان نمایندگی مجلس را موظف کرد حسابی را برای نقل و انتقال وجوه و منابع نقدی مربوط به هزینه‌های انتخاباتی تعیین کنند.

نمایندگان مجلس در مصوبه‌ای دیگر در همین رابطه مقرر کردند کمک‌های مالی دریافتی داوطلبان نمایندگان مجلس در سامانه‌ای انتخابات ثبت شود. مجلس با تصویب ماده ۱۷ طرح در مصوبه‌ای داوطلبان نمایندگی مجلس را موظف کرد حسابی را برای نقل و انتقال وجوه و منابع نقدی مربوط به هزینه‌های انتخاباتی تعیین کنند.

نمایندگان لایحه قانون ارتقای سلامت نظام اداری خبر دیگر آن که نمایندگان مجلس در استفساریه‌ای دایره شمول افراد بهره‌مند از مزایای شاغلان مناطق عملیاتی دفاع مقدس را گسترش دادند. نمایندگان لایحه قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد را به منظور تأمین نظر شورای نگهبان دائمی کردند. پیشتر این قانون به صورت آزمایشی اجرا می‌شد. نمایندگان، گزارش کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری درباره مسائل مرتبط با فرهنگیان و مدارس خارج از کشور راهم به قوه قضائیه ارجاع دادند.

مجلس همچنین با اولویت بررسی اعمال پیش از یک بار مدرک تحصیلی کارمندان در سوابق شغلی آنان موافقت کرد.

حمیدرضا حاجی بابایی عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در تشریح این اولویت گفت: قبل از سال ۹۳هر کارمندی می‌توانست ادامه تحصیل دهد و طبق قانون مدیریت خدمات کشوری مدرک دریافتی را برای اعمال در سوابق کاری به مجموعه خود ارائه دهد، اما در اقدامی مسئولان وقت تصمیم گرفتند کارمندی فقط یک بار مدرک تحصیلی خود را ارائه دهد و این موضوع در آن زمان توسط نمایندگان مصوب شد.

وی افزود: اکنون طرحی توسط نمایندگان قوه مقننه تهیه شده است تا کارمندی که در سال گذشته با مشکل مواجه بودند بتوانند مدرک تحصیلی خود را برای اعمال در سوابق ای ارائه دهند؛ برای جلوگیری از اعمال این (۷۵) میلیاردی شده است که کمیسیون تلفیق اعتباری را برای این موضوع در نظر گیرد.

و تصمیمات سیاست خارجی خود را بر اساس واقعیت‌ها پایه‌گذاری کند، نه بر اساس عناوین خبری‌های فانی نیوز و یا مترجمان فارسی اسپر ای‌پرای آگاهی به، پتر، او می‌تواند مصاحبه کامل من را (به زبان انگلیسی) بخواند.

رئیس‌جمهوری امریکادربینویی به اظهارات اخیر همدان وزیر امور خارجه کشورمان در گفتگو با خبرنگار واکنش جواد ظریف، در تویییتی با انتشار تصویر بخش‌هایی از مصاحبه خود با اینشتینگال و لیکن این مصاحبه در زبان انگلیسی، نوشت:بهرتر است به دونالد ترامپ توصیه شود که نظرات

علاوه بر این میزان پرداخت پاداش آخر سال (عیدی) بازنگری، مستمری بگیران حقوق وظیفه کارافتادگی، حقوق وظیفه وراث مستحقین متوفای مشمول استخدامی بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی ورویه‌های مسلح و سایر صندوق‌های بازنشستگی و شهدا و جانبازان از کار افتاده کلی به مبلغ ثابت ۱۱میلیون ریال حسب مورد از محل بوجه مصوب صندوق بازنشستگی یا دستگاه اجرایی مربوط قابل پرداخت است.لازم به ذکر است خدمت نیمه وقت بانوان از لحاظ اجرائی این تصویبات، تمام وقت محسوب می‌شود و معاینات خناتدریس نسبت به ساعات تدریس مشمول این تصویبات خواهند بود.

شرکت‌های دولتی موظفتند از پرداخت هر نوع عیلم تحت عنوان عیدی یا عنوانین مشابه علاوه بر مبلغ مذکور به مدیران و اعضای هیات مدیره خوددری کنند و سازمان حسابرسی یا حسابراسن قانونی شرکت‌ها مکلفند نظارت لازم را اعمال کنند.

قایل توجه قاجاق سوخت ۹میلیارد لیتر کاهش یافت. به‌گزارش رحمانی فضلی با اشاره به بررسی چند طرح مبارزه با قاچاق سیگار و لوازم خانگی گفت: با توجه به این کارخانه‌های تولیدی برزگی در کشور در زمینه لوازم خانگی فعالیت می‌کنند و با توجه به این که ورود لوازم خانگی غیراستاندارد آسیب بسیاری دارد، ۸ماه به همه کسبه و فروشندگان و اتحادیه فرصت داده شد تا خود را با ضوابط حاکم بر واردات لوازم خانگی مطابقت کنند و پس از این و با شروع طرح دیگر شاهد واردات کالای غیراستاندارد در بازار نخواهیم بود.

وزیر کشور درباره سامانه‌های نظارتی گفت: اگر بتوانیم سامانه‌ها را با هماهنگی دستگاه های اجرایی از مبدأ تا مقصد اجرا کنیم، بازارهای غیررسمی قابل کنترل است.

حجت الاسلام و المسلمین ربیسی، رئیس محترم قوه قضائیه اعلام‌یکم استعلام اینکه امور مرتبط به ششورای عالی فضای مجازی است.

حجت الاسلام و المسلمین ربیسی، رئیس محترم قوه قضائیه اعلام‌یکم استعلام اینکه امور مرتبط به ششورای عالی فضای مجازی است.

به صورت عریان مقابل بایانته است. این دانشجویی برای به تألمات روحی ناشی از اقدامات افسران آمریکایی و ضرر و زیان مادی ههزار دلاری بابت تأمین هزینه سفر به آمریکا اشاره کرد. «حمید» دیگر دانشجوی ایرانی که در ۱۳۰۱زائویه (۲۲دی) از فرودگاه بین‌المللی شینگاو به ایران بازگردانده شد، گفت که پس از ورود به فرودگاه شینگاو در بلو ام ۱۹ساعت یک سئول نگهداری شد. مأموران سپس از عقاید او در باره تحولات ایران سوال کردند و سپس مسئول‌هایی درباره هوایمانی حادثه‌دیده او کراپتی پرسیدند. حمید در ادامه به رفتار پائینسند مأموران آمریکایی و رفتار تحقیرآمیز آنها با خود اشاره کرد.

«ریحانه» دختر ۳۵ساله ایرانی که قصد حضور در دانشکده «هاروارد» را داشت، ۱۵اسپتامبر (۲۹شهریور) به فرودگاه لوگان انتقال داده شد. وی به ستودالات مأموران فرودگاه درباره انفجار در غربستان پاسخخ داد. ریحانه به بازجویی ۸ساعت از خود اشاره کرد. در دانشگاه «نیوهامپشایر» «پگاه»، ۲۸ساله که قصد داشت در دانشگاه «نیوهامپشایر» به تحصیلات خود ادامه دهد در یکم اگوست (شنبه ۱۱مرداد) به صورت عریان مقابل بایانته است. این دانشجویی برای به تألمات روحی ناشی از اقدامات افسران آمریکایی و ضرر و زیان مادی ههزار دلاری بابت تأمین هزینه سفر به آمریکا اشاره کرد. «حمید» دیگر دانشجوی ایرانی که در ۱۳۰۱زائویه (۲۲دی) از فرودگاه بین‌المللی شینگاو به ایران بازگردانده شد، گفت که پس از ورود به فرودگاه شینگاو در بلو ام ۱۹ساعت یک سئول نگهداری شد. مأموران سپس از عقاید او در باره تحولات ایران سوال کردند و سپس مسئول‌هایی درباره هوایمانی حادثه‌دیده او کراپتی پرسیدند. حمید در ادامه به رفتار پائینسند مأموران آمریکایی و رفتار تحقیرآمیز آنها با خود اشاره کرد.

انتخابات ۱-

رابطه مردم و حکومت‌ها را هیچ‌کس نمی‌توان با دقتی که رضایت و اتفاق نظر همگان را در انگیزه‌دهی و تعریف کرد. حکمای تاریخ‌نامه نویس و صدوری که سیاست نامه می‌نوشته‌اند، از قدیم الایام در باب طریقت حکمرانی و سلوک و رعیت سخن گفته‌اند. تاکنون ما سلطان‌ها را حکما مطلق‌النمان بر جان و مال و نوامیس مردم می‌پنداشتند و زمامدار مردم کسی بود که گاهی دماغه دادخواهی و نالهٔ رعیت را می‌شنید و مدلت را نیز سرلوحهٔ حومت قرار می‌داد.

چنین فرمانروایی، چنان مبسوط‌البد بوده‌است که با نصیحت و عبرت باید ا مظلوم‌را هم بشنود و تنها به نازیانه و مششیر تکیه نداشته باشد. چنین نظامی و شیخ سمسندی در این زمینه داستانها و حکایات معروف و خواندنی در هفت پیکر و بوستان دارند.

اما زمانه در حدود صد و پنجاه سال قبل عوض شد. تعریف تازه‌ای از مردم و خلقت و ملت وارد اندیشه و حکمت سیاسی جهان گردید و «میزان ارای ملت» شد و «مردم ولی نعمت زمامداران» انتخاب اهمیت یافت و نظر اکثریت به کرسی نشست تا نمایندگان مردم جمع شوند و مجلس تشکیل شود که «در رأس امور مملکت باشد.

این تفاوت تاریخی بقول زین العابدین فارغ‌الله چنین بیان شده است: «مردمان را رعیت نباشد و نامتخار و قاضی‌القضاة اولیه و ثانویه، با فرزندان حکومت‌ند که ذوی الحقوق و صاحب رأیت بر جان و مال و نوامیس خود، و ایضا واجد اختیار بر مملکت و حکومت خود...». یعنی از نظر سیاسی قدیم «رعایا» را می‌توان به حساب نابورد و فقط باید ترسانند و شلاق زد و عقوبت کرد و از ایشان کار و بهره کشید اما «مردسان» صاحب رای را خیر، حتی برعکس، حکومت و دولتمدار، خود مردم و یک‌ان را در امور سیاست و تمشیت معاش و تأمین کتنده امنیت حدود و نفوذند و پس.

جمهوری اسلامی هم بر همین اساس شکل گرفت. یعنی خواست مردم در چارچوب قوانین اسلامی که محدودهٔ مشخص آن در قانون اساسی روشن شده است.

اما چرا قانون اساسی؟ زیرا به عدهٔ نمایندگان و صاحبان اعتقاد، می‌توان تسخیر از اسلام و تصرف سواد این کرد و این ممکن است، مخاطرات و تفرقهٔ عظیم ایجاد کرده و مملکت و نظام را دچار صدمه و اضطراب نماید. مثلا مجتهدی ممکن است اصل رای گیری را خلاف نص یا بسنت بداند یا دیگری به حکومت در صغر عیبت باور نداشته باشد و یا مجتهدی دیگر به کشف به جای انتخاب اصیل باور داشته و یا اجماع سیاسی را در امای اکثریت فاقد مشروعیت بپندارد یا قوانین موضوعه را مغل اثناء بداند و رای ذکال.

اما آخر عیبتی و تفسیر عقلی و انتباهی در اساس مصالح مرسله، جز این است که سیاسی این نوع کشندوز نوادرمی‌تواند اذراق‌توان و

مجری در عرصهٔ عمل سیاسی باشد. زیرا نتیجه‌ای جز استبداد در عمل و غلبهٔ زور و اتراف در اجتماع و تشدید تضاد میان ملت و دولت نخواهد داشت.

خلاصهٔ کنیم، در ادوار قدیم که دولت علیه و استبداد و نظام سلطانی متمرکز یا ملوک الطوائفی و تئودلاری حاکم بود، مردم به هیچ‌کس نمی‌آمدند و باید خود را با خواست و مانع حاکم و شاه و خان و سلطان اطراق می‌دادند. در عصر جمهوری اسلامی، به نص قانون اساسی و سخنان و وعده‌های بزرگان بیانگذار انقلاب اسلامی، مردمسالاری دینی به محتوای نظام سیاسی بدل شده و حکومت لاجرم باید خود را بر اساس موازین اسلامی و قانون اساسی با مردم و مانع ملت تطبیق داده و امنیت و معیشت و آزادی‌های مشروع و مصرح در قانون را تأمین یابد.

متأسفانه رفتار برخی از صاحب‌منصبان با این تلقی متفاوت است و به رهنمایی‌ها یا حتی به مردم و جلب رضایت آنان، به رعباب و تهدید روی آورده و شان مردم و حکومت را در دو جانب خدشه‌دار می‌کنند. باید در همین ایام اخیر خود‌های از همدندان تصمیم گرفته‌اند که جشنواره‌ها را برخی اجتماعات هنر شرکت کنند. چنین رفتاری از این که «ما عمل آنها موافق یا مخالف باشیم، این از لحاظ قانونی به هیچ عنوان حرج نیست، حتی اگر به صلاح و مفصلت، هم بر اساس اصل برائت نظر کنیم، نقدی بر برخی اهمدال‌ها و مصلحت‌ها و علایق این رویکرد ویران‌کننده سستتر است. اما متأسفانه، عده‌ای به زبان مایل مردمسالاری، از بگیر و ببند و حذف و تحریم و حتی پرورنده‌سازی قضایی سخن می‌

تاریخ برای چیست؟

مایکل لمون ترجمه **محمدحسین وقار بخش پنجم** تاریخ‌نویس مانند هر کس دیگری که چیزی را به خاطر نفسِ آن مطالعه می‌کند، در قبال چیزی که مطالعه می‌کند، «بی‌طرف» است، و این مستلزم آن است که به تفکر خود بیندیشد تا نه تنها آن را از خطا بری سازد، که از آن در برابر انحراف در جهت‌گیری ناشی از انگیزه‌های خارجی محافظت نماید. با این معنی که تاریخ‌نویس در قبال تعالیل کار تاریخی‌سی، ادای حق می‌کند؛ چون با انجام آن به‌ خاطر نفسِ آن تا حدودی در حکم نظریه‌پرداز است؛ زیرا نشانه‌های اصلی تفکر نظری

ولیا آن است که انگیزه‌های خودخواهانه ندارد و ژرف‌اندیش است؛ یعنی به روی آن تأمل می‌کند تا کفایتش را حفظ نماید. پس آنجا که تاریخ‌نویس در جنبه‌ای از گذشته به خاطر نفسِ آن به تحقیق می‌پردازد، جستجو برای عینیت و حقیقت از کار او تفکیک‌ناپذیر است، و بدین دلیل ممکن است برخی اظهار دارند که تنها وقتی رشتسته تاریخ با آن روح برعهده گرفته می‌شود، به راستی تاریخ است. خلاصه کار تاریخی عینی و درست است (باید باشد). در حقیقت این موضع برای بسیاری خوشایند است و مادام که کسی این‌گونه تلویح کند که در واقع رشتسته تاریخ به‌مثابه الگوی وری ما وجود دارد که از تاریخ‌نویس‌بان باید آرزوی آن را داشته باشند و در برابرش تسلیم شوند، ظاهراً اشکالی در آن نیست. اما عینیت و حقیقت معیارهای خداداده کار تاریخی نیستند؛ آنها فقط چیزهایی هستند که بیشتر مردم از تاریخ انتظار دارند و منظور از کلمه تاریخ است، و برخلاف آنان که ادعا می‌کنند که این‌گونه تاریخ آرمانی ناممکن است، دقیقاً بدان دلیل که عینیت و حقیقت ناممکن‌اند (مثلاً به دلیل مداخله باورشناسی)، این‌گونه کار تاریخی، در حدی که مانند هر فعالیت دیگری، به خاطر نفسِ آن قابل انجام باشد، کاری شدنی است. خواص عینیت و حقیقت از قضا نتایج جنبی لازم و نه مطالبه‌ای اضافی است؛ که به نام آرمان‌گرایی علی‌الظاهر مایوسانه افزوده شده باشد.

انتقال تاریخ: «کتاب» تاریخ

دیگر جنبهٔ کار تاریخ‌نویس عامل، انتقال نتایج آن کار است. این وظیفه بیشتر با کتاب‌ها و مقالات و نیز سخنرانی و ه‌گاه فیلم‌های «مستند» انجام می‌شود. اگرچه این رسانه‌های مختلف تا حدودی به مقاصد متفاوت می‌پردازند (مثلا درسامه‌های مقدماتی، مقاله تفصیلی، مجموعه‌های مستند موق)، اما برای منظور بحث در اینجا، اجازه دهید آنها را ذیل کلمه عام کتاب تلقیف نمایم. و سؤال این است: کتاب‌های تاریخ به چه درد می‌خورند؟ یعنی باید به چه دردی بخورند؟ تاریخ‌نویس به این تحقیق ورود نموده است؛ حالا پیشنهاد می‌کند که نتایج آن را انتقال دهد. تاریخ‌نویس بدین عنوان باید بگوید چه به دست آورد؟ فایده کتاب تاریخ چه است؟

جواب بدیهی این است: انتقال شناخت درباره جنبه‌ای از گذشته؛ اما این پاسخی ساده‌لوحانه است؛ زیرا انتقال شناخت گذشته در ذات کتاب‌های تاریخ است. ممکن است این فایده، دلیل نوشتن آنها نباشد. بنابراین سؤال ما باید این نیز باشد: فایده انتقال شناخت درباره گذشته چیست؟ و در این شکل، می‌توان به‌وضوح دید که سؤال دو جنبه دارد: چرا «شناخت» درباره گذشته را انتقال دهیم؟ و چرا شناخت درباره گذشته را «انتقال دهیم»؟

در این بررسی، این امر را مسلم می‌انگاریم که کتاب نماینده طرز تفکر تاریخ‌نویس نیست، آن‌طور که گویی شبیه یا سابقه همهٔ فکری است که در مسیر این تحقیق اندیشیده است، بلکه کتاب محصول آن تفکر است (با دقت تهیه شده است) و بدین لحاظ می‌توان آن را شاهد چیزی دانستد که در ذهن تاریخ‌نویس انجام می‌گیرد. و این به ما امکان می‌دهد که همان رویکردی را در قبال نوشتن کتاب تاریخ اتخاذ نماییم که درباره فعالیت تحقیق تاریخ‌نویس داریم؛ یعنی بدراختن به موضوع انگیزهٔ تاریخ‌نویس از منظر تفاوت میان دانششن هدفی عملی و انجام نفسِ آن.

نوشته‌های تاریخی یا انگیزه عملی

پس منظور من از نوشته‌های تاریخی‌سی یا «انگیزه عملی»، آن نوشته‌های است که به مثابه وسیله‌ای برای یک هدف تولید شده است. همان‌طور که پیشتر توضیح دادم، بررسی اهداف عینی متنوعی که افراد احتمالاً دارند، برای انجام کارها به مثابه وسیله‌ای در خدمت یک هدف موضوعیت ندارد (و بعداً است‌انکار داشته باشند)، و در همین حد، در مورد نوشتن کتاب‌های تاریخی مصداق دارد. اما چیزی که می‌توانیم بگوییم، این است که در حدی که متضمن انتقال شناخت درباره گذشته است، عملاً ممکن است این مقاصد مختلف ارتباط نزدیکی با امکاناتی معمولی داشته باشند که تعالیه‌ها ارائه می‌نمایند، مثلاً ممکن است سربوس خوردن به خاطر خود خوردن انجام شود؛ اما وقتی به عنوان وسیله‌ای برای یک هدف انجام می‌شود، معمولاً انتظار داریم که این هدف یا مقصود ارتباط مستقیم‌تری با امکانات آشکاری داشته باشد که فعالیت ارائه می‌نماید. در این مورد، معلوم می‌شود که هدفها آشکارا محدود است؛ یعنی برای آنکه خودرو را سریعتر، اقتصادی‌تر و یا ایمن‌تر بسازیم و یا برای نگهداری ارزش بازار آن و یا طولانی‌تر ساختن عمر کاری آن، ممکن است هدف دورتر، جلوتر گیزی از در خانه ماندن همسر و هدفهای فراوان دیگری باشد که هر کس می‌تواند تصور نماید!

اما مابیت ذات فعالیت (یعنی انتقال شناخت درباره گذشته) – در صورت اعمال بر نوشتن کتاب تاریخ – مجموعه‌ای بسیار وسیع از اهداف ممکن و دارای ارتباط مستقیم با آن را ارائه می‌نماید (اگرچه تصور این‌گونه اهداف عاریتی ممکن است، ممکن است فعالیت برای سسگرایی خواننده نوشته شود؛ مثلاً برای ایجاد اشتیاق، انگیزه، ترس یا سرگرمی. مایکولی شکایت می‌کند که حتی اگر تاریخ است که بسیاری چنین هدفی در ذهن نوشته شده باشد، این چیزی است که بسیاری از خوانندگان نمی‌خواهند، و روشن است که «شناخت درباره گذشته» حوزه‌ای است که فرصت‌های فراوانی را برای کسبای فراهم می‌آورد که آرزو دارند تاریخ را برای آن هدف بنویسند و بدین منظور نیز نوشته شده‌اند. زندگینامه‌نویسی عامه‌پسند اغلب مثالی از این مورد است. همچنین ممکن است تاریخ را به‌سه منظور ایجاد اختلاف نظر از طریق مختل ساختن برداشت‌های درازمدت مردم درباره دوره‌ها یا سلسراط مهم گذشته نوشت، احتمالاً به عنوان وسیله‌ای برای تاریخ‌نویس بلندپرواز تا اثری از خود بر جا گذارد. گونهٔ دیگری از نوشته‌های تاریخی، گونهٔ «تجدیدنظرطلب» است که در آن قضاوت در این باره مهم است که آیا گزارش‌های بدیشنان عمدا در انزوا تهیه شده، یعنی دارای انگیزه عملی‌اند، یا در قضا دارای همان دقایق هستند که تاریخ‌نویس بی‌طرف چیزها را می‌پندد؟

راه دیگری که در آن تاریخ آشکارتر خود را به مثابه وسیله‌ای معرفی می‌کند که برای یک هدف نوشته شده، شیوه متقاعدسازی تاریخی است که در آن تاریخ‌نویس گزارش‌ش خود را به گونه‌ای تدوین می‌نماید که خواننده را به سوی این تعهد سیاسی جلب می‌کند که مثلاً تاریخ رسمی، به منظور پرورش حس اعتماد ملی یا حتی پیروزی، از جانب دولت تأیید، بررسی و تأمین نامی شده است؛ اما سواى اینها، تاریخ‌هایی هستند که به منظور توجیه اهداف جنبش‌های انقلابی یا ملی‌گرایانه و با تلاش برای نشان دادن حقانیت شکایات تاریخی و تلویحا تدوام انعکاس ارزشمندان نوشته شده است. بدین لحاظ این تاریخ‌ها (مانند هر چیزی که به مثابه وسیله‌ای برای یک هدف نوشته شده است) در عین حال همان‌قدر در حال ورود می‌کند که در گذشته، و برداشت از طاهرنشان به عنوان تاریخ ساده‌لوحانه است. تا حدودی اطلاعات و قضاوت‌هایی که در در دارند، به دلایلی، مورد ظن‌اند، اگرچه لزوماً نادرست نیستند.

این گونهٔ اهداف سیاسی را می‌توان ذیل گونهٔ موسع‌تری گنجانید، یعنی نوشتن تاریخ به منظور انتقال پیامی که می‌توان آن را عموماً اخلاقی خواند؛ مثلاً ممکن است نویسنده‌ای بخواهد محرومیت اجتماعی، تبعیض نژادی یا جایگاه زنان را به مثابه موضوعات دارای ریشه در گذشته و تلویحا به عنوان موضوعاتی برجسته سازد که هنوز باید مورد توجه قرار گیرند. تاریخ زنان، تاریخ سیاهان و تاریخ میراث و فرهنگ اقلیت‌ها، نمونه‌هایی هستند که در آنها این پرسش معقول است، آیا برای دستیابی به هدفی اخلاقی نوشته شده‌اند، یا همان‌طور که کاملاً امکان دارد، به خاطر نفسِ آن؟ در همه این مثال‌ها که ممکن است انتقال شناخت گذشته با هدفی خارجی مرتبط باشد که آن فعالیت با موضوع بیشتری مشوق آن است (یعنی متمایز از اهداف «تجربی»)، این مشاهدات را بر این اساس می‌توانیم در دو دسته از دیدگاه‌ها تقسیم کنیم: آیا لزوماً نباید چنین باشد؛ زیرا بسیاری استدلال کرده‌اند که ممکن است نوشته‌های تاریخی را کسانیی تولید کنند که اعتقاد دارند تنها به خاطر نفسِ آن می‌نویسند، اما نوعی یک‌سویگی از خود بروز می‌دهند و بدین ترتیب یک پیام اخلاقی را تلویح می‌کند که نویسنده از آن ناآگاه است.

اما در

- اخلاق و عرف**

حوزه عرف بسیار شبیه اخلاق است. یکی از مشکلاتی که فیلسوفان اخلاق دارند، تفکیک اخلاق از عرف است. عرف بسیار شبیه اخلاق است. از این جهت که عرف هم به نیت‌ها است و کسی آن را وضع نکرده است. به اصطلاح علما وضع عرف تعینی است نه تعینی. این اصطلاح را در اصول فقه به کار می‌برند؛ می‌گویند قانون به دو شیوه وضع می‌شود: تعینی و تعتبی. وضع «تعینی» به این معنا که در یک فرآیند ناخودآگاهانه وضع شده و کسی نمی‌داند چه کسی و در چه زمانی آن را وضع کرده است. «تعینی» به این معنا که وقتی به عقب برگردیم، می‌توانیم واضع مشخص و زمان مشخصی برای آن تعیین کنیم. عرف و اخلاق از این جهت شبیه هم‌اند که هر دو وضعشان وضع تعینی است.

یکسی از مباحثی که در خصوص فرهنگ مردم بین جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که به طور کلی فرهنگ و عرفیات از چه زمانی در میان مردم رایج شده‌اند؟ باید توجه کسرد که زمان وضع عرف به طور قطعی مشخص نیست، چرا که مکتوب نشده و از این نظر با اخلاق مشابه است. درباره وضع قوانین اخلاقی نیز این‌گونه است که هیچ‌کس به لحاظ تاریخی نمی‌تواند مشخص کند که این قوانین اخلاقی از چه زمانی و به دست چه کسی وضع شده‌اند.

شباهت دیگر اخلاق به عرف این است که ضمانت اجرای اخلاق، اجرای فیزیکی نیست. قانون ضمانت اجرای فیزیکی دارد؛ اما اخلاق و عرف ضمانت اجرای فیزیکی ندارند.

در عین حال، اخلاق با عرف متفاوت است. اخلاق علاوه بر ضمانت اجرای بیرونی، ضمانت اجرای درونی نیز دارد که همان «عذاب وجدان» است. اگر کسی عارف عرف رفتار کند، دچار عذاب وجدان نمی‌شود چون وقتی ما خلاف عرف رفتار کنیم، احساس نمی‌کنیم حق کسی را ضایع کرده‌ایم و به کسی ظلم کرده‌ایم. در درونمان پشیمان و ناراحت نیستیم؛ ولی از بیرون در ممکن است رفتار و برخورد دیگران ما را بشیمان کند. اما در اخلاق حتی اگر در بیرون هم کسی کاری به من نداشته باشد و نگاه بدی نکند، حتی کسی متوجه نشود که من کاری خلاف اخلاق کرده‌ام، مجازات درونی را در خودم احساس می‌کنم.

تفاوت دیگری که اخلاق با عرف دارد، این است که غایت اخلاق استقلال شخصیت انسان است؛ یعنی ما از طریق فرآیند عمل اخلاقی می‌خواهیم به استقلال برسیم. پیش از این گفته شد که هدف اخلاق این است که زندگی ما سنجیده و آموده باشد. به تعبیری، یکی از غایات اخلاق خودراهبری است. به نوعی اخلاق منادی کمال‌بخشی و اکمال شخصیت است. در صورتی که در مورد عرف این‌گونه نیست.

- اخلاق و دینداری**

اخلاق یا حرم یا احتیاط به معنی خوش‌گشایی یا مصیلت‌شخصی است. احتیاط به این‌معنا که هر انسانی در زندگی‌اش اصولی دارد که آن‌ها را بر مبنای مصحلت‌های خودش تشخیص می‌دهد. فلسوفانی مثل پاسکال می‌گویند اعتقاد به دین بر اساس همین دینداری، معقول است. پاسکال برهان معروفی برای اثبات وجود خدا دارد به اسم «برهان شش‌پرشتی» که متشکل همین مصیلت‌ها است. یکی از نهادهایی که هر کدام از ما آن سرر و کار داریم، نهادی است که مصیلت ما را تعیین می‌کند. مصیلت که نام از ما را تشخیص می‌دهد و ما را ملزم می‌کند که آن انجام دهیم.

بعضی گفته‌اند که اخلاق همین نهاد است. اصطلاح self-interest به معنی خوش‌گشایی یا مصیلت‌شخصی این است که من مصالحی دارم و عقلم حکم می‌کند که طبق آن مصالح رفتار کنم. فیلسوفانی مثل هابز می‌گویند اصلاً اخلاق چیزی جز همین مصیلت شخصی نیست. مصیلت اگر روش‌ربنانه و دقیق معنا شود و ما مصیلت حقمان را تشخیص دهیم در آن صورت مصیلت حقیقی یک فرد با مصیلت تمام افراد مصیلت است؛ بنابراین اخلاق را همین معنا می‌کنند.

«عرف جنبه عمومی دارد و در آن نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود. به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

پس مصیلت شخصی (یا حزم و احتیاط)، شبیه اخلاق است، از این جهت که واضعی برایشان سراغ نداریم؛ ولی مصیلت شخصی همیشه فقط بُعد فردی دارد، در صورتی که اخلاق بعد اجتماعی دارد. من اگر با منظر مصیلت شخصی عرف بزنم، کسی نمی‌تواند برپرسد: آیا این کار تو به نفع دیگران تمام می‌شود یا نه؟ نه‌اینجا می‌تواند بگوید: این کار تو نباید به دیگران آسیب بزند؛ ولی اگر کاری انجام دادم که به نفع خودم بود و به ضرر دیگران تمام نشد، مصیلت من حکم می‌کند که باید آن را انجام می‌دادم. همین کارهایی که همه ما در جهت مصیلت شخصی خودمان انجام می‌دهیم؛ ولی اخلاق فقط بعد فردی ندارد، بلکه بعد اجتماعی هم دارد. به این معنا که اگر من مصیلت

معرفی کتاب

یکپارچگی دانش ادوارد ویلسون

ترجمه: محمدابراهیم محبوب

چاپ اول: ۱۳۹۸

۳۳۳ ص – ۵۶ هزار تومان

دانشگاه هاروارد، در برجسته‌ترین دانشمندان علوم طبیعی و زیست‌شناسی به شمار می‌آید. او تاکنون بیش از بیست کتاب نوشته و به دلیل زبان گیرفنی و قلم روانی کسه در بیان مطالب پیچیده علمی برای مخاطبان غیرمتخصص به کار می‌گیرد، تاکنون ده‌ها مورد موفق به دریافت جایزه پولیتز شده است. ویلسون عقیده دارد از عصر

روشنگرگی به این طرف، تقسیم علم به شاخه‌های تخصصی گوناگون، هرچند مزایایی در جهت سازماندهی امر پژوهش به همراه داشته، یعنی حایل جریان‌ناپذیری هم در بین بشریت به بار آورده است. او در این کتاب ضمن بررسی این موضوع از نظر علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی، اقتصاد، هنر، فلسفه و مذهب، نکات مهمی در جهت یکپارچه‌سازی علوم بیان می‌دارد.

این کتاب حاوی عناوین زیر است: افسون‌ نویی‌ها، شاخه‌های پربار معرفت، روشنگری، علوم، تاریخ، آریزانه، هنر، از طیفی، شایستگی سرشت انسان، علوم اجتماعی، هنر و تفسیر و در نوع خودشان بی‌هتا بودند و

خودم را پیش بردم و به مصیلت دیگران بی‌اعتنا بودم، فعل من مطابق اخلاق نیست.

اخلاق آنجایی وارد می‌شود که مشکل دیگران مشکل ما می‌شود. در اخلاق هرگز نمی‌توانیم بگوییم: «مشکل خودت است!» اگر کسی نیازی به کمک دارد، نباید به او بگوییم مشکل خودت است. عبارت «مشکل خودت است»، بر خویش‌کامی‌با شده است. اگر من وارد دایره مشکل شوم، دیگران مشکل من هم خواهد بود. پس اخلاق بُعد اجتماعی دارد، در صورتی که حزم و احتیاط بُعد اجتماعی ندارد و فردی است.

۱. اخلاق و قانون

حوزه دیگری که شبیه اخلاق است، حوزه قانون است، به نحوی که غالباً در نظر نخست تفکیکی بین اخلاق و اخلاق قابل نمی‌شویم؛ برای مثال گاهی وقتی وضع تعینی است، یکسی از مباحثی که در خصوص فرهنگ مردم بین جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که به طور کلی فرهنگ و عرفیات از چه زمانی در میان مردم رایج شده‌اند؟ باید توجه کسرد که زمان وضع عرف به طور قطعی مشخص نیست، چرا که مکتوب نشده و از این نظر با اخلاق مشابه است. درباره وضع قوانین اخلاقی نیز این‌گونه است که هیچ‌کس به لحاظ تاریخی نمی‌تواند مشخص کند که این قوانین اخلاقی از چه زمانی و به دست چه کسی وضع شده‌اند.

شباهت دیگر اخلاق به عرف این است که ضمانت اجرای اخلاق، اجرای فیزیکی نیست. قانون ضمانت اجرای فیزیکی دارد؛ اما اخلاق و عرف ضمانت اجرای فیزیکی ندارند.

در عین حال، اخلاق با عرف متفاوت است. اخلاق علاوه بر ضمانت اجرای بیرونی، ضمانت اجرای درونی نیز دارد که همان «عذاب وجدان» است. اگر کسی عارف عرف رفتار کند، دچار عذاب وجدان نمی‌شود چون وقتی ما خلاف عرف رفتار کنیم، احساس نمی‌کنیم حق کسی را ضایع کرده‌ایم و به کسی ظلم کرده‌ایم. در درونمان پشیمان و ناراحت نیستیم؛ ولی از بیرون در ممکن است رفتار و برخورد دیگران ما را بشیمان کند. اما در اخلاق حتی اگر در بیرون هم کسی کاری به من نداشته باشد و نگاه بدی نکند، حتی کسی متوجه نشود که من کاری خلاف اخلاق کرده‌ام، مجازات درونی را در خودم احساس می‌کنم.

تفاوت دیگری که اخلاق با عرف دارد، این است که غایت اخلاق استقلال شخصیت انسان است؛ یعنی ما از طریق فرآیند عمل اخلاقی می‌خواهیم به استقلال برسیم. پیش از این گفته شد که هدف اخلاق این است که زندگی ما سنجیده و آموده باشد. به تعبیری، یکی از غایات اخلاق خودراهبری است. به نوعی اخلاق منادی کمال‌بخشی و اکمال شخصیت است. در صورتی که در مورد عرف این‌گونه نیست.

۲. اخلاق و دینداری
اخلاق یا حرم یا احتیاط به معنی خوش‌گشایی یا مصیلت‌شخصی این است که هر انسانی در زندگی‌اش اصولی دارد که آن‌ها را بر مبنای مصحلت‌های خودش تشخیص می‌دهد. فلسوفانی مثل پاسکال می‌گویند اعتقاد به دین بر اساس همین دینداری، معقول است. پاسکال برهان معروفی برای اثبات وجود خدا دارد به اسم «برهان شش‌پرشتی» که متشکل همین مصیلت‌ها است. یکی از نهادهایی که هر کدام از ما آن سرر و کار داریم، نهادی است که مصیلت ما را تعیین می‌کند. مصیلت که نام از ما را تشخیص می‌دهد و ما را ملزم می‌کند که آن انجام دهیم.

بعضی گفته‌اند که اخلاق همین نهاد است. اصطلاح self-interest به معنی خوش‌گشایی یا مصیلت‌شخصی این است که من مصالحی دارم و عقلم حکم می‌کند که طبق آن مصالح رفتار کنم. فیلسوفانی مثل هابز می‌گویند اصلاً اخلاق چیزی جز همین مصیلت شخصی نیست. مصیلت اگر روش‌ربنانه و دقیق معنا شود و ما مصیلت حقمان را تشخیص دهیم در آن صورت مصیلت حقیقی یک فرد با مصیلت تمام افراد مصیلت است؛ بنابراین اخلاق را همین معنا می‌کنند.

۳. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست.

تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود، به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

۴. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست. تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود، به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

۴. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

نظرها و اندیشه‌ها

تعریف اخلاق

بدین‌ترتیب می‌توان اخلاقی یا نهاد اخلاقی را دارای ویژگی‌های زیر دانست و بر همین اساس به تعریفی از آن رسید:

۱- از وضعی تعینی است و واضع مشخص ندارد.
۲- فرآیندش هم درونی است و هم بیرونی؛ به این معنا که هم در درون ما فعال است و هم بیرون ما. «بیرونی» به این معنا که اگر اخلاقی نباشیم، جامعه به مهران می‌کند و «درونی» هم به این معنا که اگر اخلاقی نباشیم، خویش را مهار می‌کنیم.

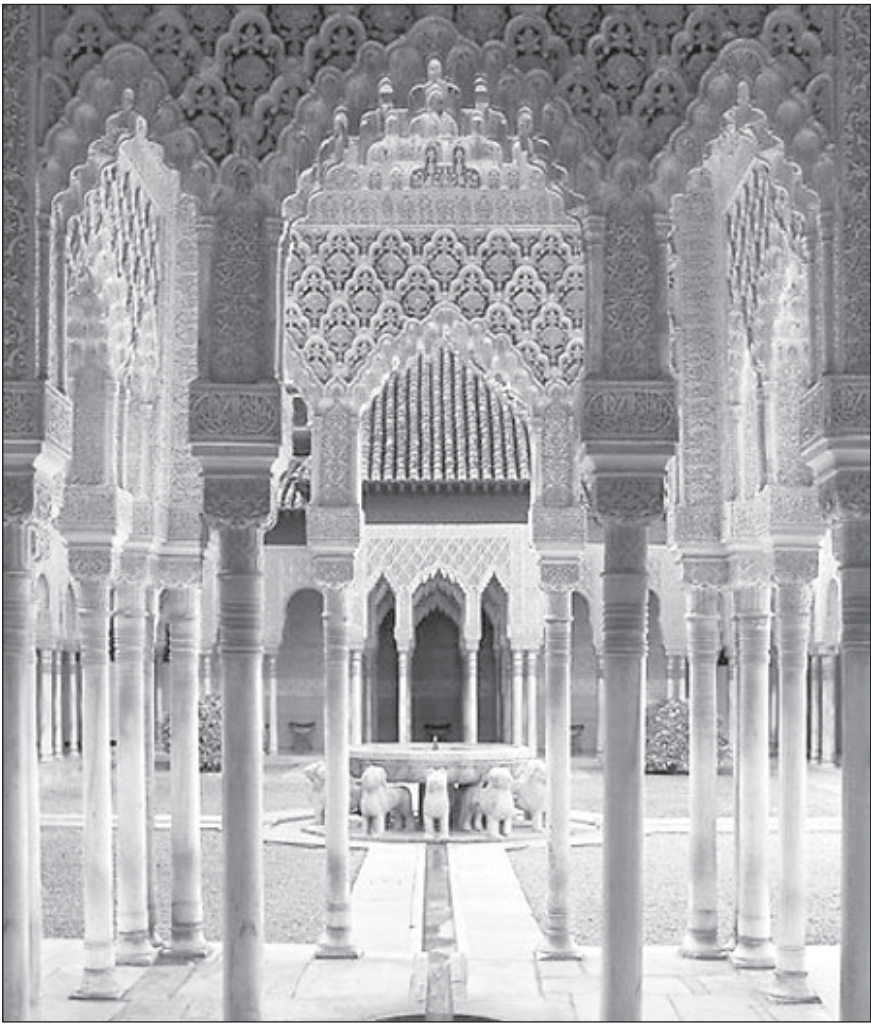
۳- ویژگی سوم این است که اخلاق مروج استقلال شخصیت است. اخلاق ما را مستقل بار می‌آورد، ما خودمان تصمیم می‌گیریم و کسی نمی‌گوید چه کار کنیم، در حوزه عرف یا قانون، دیگران القا می‌کنند، اما

فلسفه اخلاق

نهاد اخلاق

دکتر انشاءالله رحمتی

بخش دوم



در حوزه اخلاقی خودمان تصمیم می‌گیریم.
۴- ویژگی چهارم این است که قوانین یا احکام اخلاقی جهان‌شموس هستند. به این معنا که اختصاصی نیستند؛ بلکه برای همه انسان‌ها، فرض بر این است که در میان همه بشر مشترکند. به همین دلیل وقتی ما وارد بحث اخلاقی می‌شویم، اولین کاری که باید بکنیم، این است که اثبات کنیم ارزش‌های اخلاقی مطلق‌اند و نسبی نیستند. اخلاق به امور مطلق و به بایدها و نبایدهایی که مطلق هستند می‌پردازد.

بعد از اینکه دریافتیم اخلاق چیست، به این می‌پردازیم که بایده اخلاق برای زندگی ما چیست؟ به نظر می‌رسد که اخلاق می‌تواند زندگی بشر را آیین‌تر کند و امنیت بیشتری به زندگی بدهد. ما در زندگی‌مان اگر اخلاق نداشته باشیم، احساس امنیت کمتری خواهیم کرد. زمانی که در کنار افراد زندگی می‌کنیم، هیچ تضمینی وجود ندارد که افراد به ما آسیب نزنند و از ما سوءاستفاده نکنند. حتی ممکن است که نزدیک‌ترین ما هم، با در افای مصالح خود کنند. تنها و نزدیک‌ترین وسیله‌ای که می‌تواند امنیت ایجاد کند، اخلاق است.

اخلاقی می‌تواند زندگی را آیین‌تر کند. ولی ما در زندگی فقط دنبال امنیت نیستیم. امروزه شاهد این هستیم که گاهی مطالبات ما در حد امنیت تنزل پیدا می‌کند و می‌گویند: به نفع نیست، امنیت کم است. به نفع شهرت و اعتبار می‌همی است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «در نعمت مجهول وجود دارد: سلامت و امنیت». تا وقتی هستند، متوجه آنها نمی‌شویم؛ ولی اینها با همه اهمیت که دارند، گویی کف زندگی هستند. ما به‌خواهیم امنیت و سلامت داشته باشیم تا زندگی کنیم نه اینکه زندگی کنیم تا سلامت و امنیت داشته باشیم. ما خود را در زندگی برخوردار می‌شویم. به نفع خود می‌تواند زندگی را آیین‌تر کند. زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، از مواهب دنیا و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم،

هدف محسوب نمی‌شوند. چطور می‌توان ازادی را که عموماً با حقوق بشر همراه است و با پدر و مادر یا همسر مرتبط است در مورد آنچه از دنیا می‌خواهیم و دنیا می‌تواند به ما بدهد استفاده کرد؟

مردن است و برای این که به پیشگاه راه‌های بدی درمان این درد، در بخشی از این کتاب آمده است: «درباره» «دیده‌های که ما را وادار به کسب جایگاه اجتماعی می‌کند، فرصت‌ها، متداولی وجود دارد که از میان آنها می‌توان آرزوی ثروتمند شدن، ثروت و شهرت و اعتبار گویی کف زندگی هستند. به نفع و به نفع شهرت و اعتبار می‌همی است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «در نعمت مجهول وجود دارد: سلامت و امنیت». تا وقتی هستند، متوجه آنها نمی‌شویم؛ ولی اینها با همه اهمیت که دارند، گویی کف زندگی هستند. ما به‌خواهیم امنیت و سلامت داشته باشیم تا زندگی کنیم نه اینکه زندگی کنیم تا سلامت و امنیت داشته باشیم. ما خود را در زندگی برخوردار می‌شویم. به نفع خود می‌تواند زندگی را آیین‌تر کند. زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، از مواهب دنیا و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم،

برخوردار شویم. فایده دیگر اخلاقی این است که بهره ما را از مواهب زندگی بیش‌تر می‌کند. در یک جامعه اخلاقی مواهب و منابع بهتر توزیع می‌شوند و ما از آنها برخوردارتر خواهیم شد.

فایده سوم اخلاقی این است که زندگی را برای ما دلپذیرتر می‌کند. ممکن استست ما در جامعه‌ای زندگی کنیم که چندان هم احساس امنیت نکنیم و چندان هم برخوردار نباشیم، ولی وقتی خودمان را در میان انسان‌هایی می‌بینیم که حاضرند بدون هیچ چشم‌اندشی به ما کمک کنند، آرامش خواهیم داشت، معمولاً روابط ما با همدیگر، از نوع تجارت است. حتی در اعمالی هم که ظاهراً منافع دنیوی بر آن مترتب نیست، این تجارت‌پیشگی مشاهد می‌شود؛ برای مثال وقتی به مراسم ختم پدر کسی می‌رویم، به این دلیل می‌رویم که یک روزی هم او به مراسم ختم پدر ما بیاید. در حالی که در اخلاق و عرف، این

انسانی‌مان است که به دلیل دلجویی از افراد به مراسم‌شان برویم. مثلاً وقتی که ما به هموطنان سبیل‌زده کمک می‌کنیم، به خاطر چشم‌اندش جبران و تلافی از سوی آنها نیست که کمک می‌کنیم، بلکه وقتی پای اخلاق در میان می‌آید به‌به خاطر حسن‌هموندوستی این‌سان کار را می‌کنیم، نه به این دلیل که روزی هم که ما گرفتار شدیم، آنها کار ما را جبران کنند.

زمانی که نیت‌مان از کمک کردن اخلاقی باشد، به عایدات و درآمدها از این کمک فکر نمی‌کنیم. پس وقتی ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که روابط افراد با ما روابط اخلاقی و انسانی است، نه روابط بدله و بستان و معامله‌گرانه، زندگی در این جامعه برای ما دلپذیرتر می‌شود. من در میان افرادی هستم که آنها در صورت نیاز، به‌هیچ چشم‌اندشی به من کمک می‌کنند، این زندگی را برای من دلپذیرتر می‌کند. اتفاقاً یکی از مشکلات بی‌اخلاقی که در جامعه‌مان داریم، این است که احساس می‌کنیم کسی به فکرم‌ان نیست و این بیشتر ما را رنج می‌دهد.

اقامه دلیل در اخلاق

وقتی وارد حوزه اخلاقی می‌شویم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست.

تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود، به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد.

«غایت اخلاق استقلال شخصیت انسان است. هدف اخلاق این است که زندگی ما سنجیده و آموده باشد. به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

۴. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست.

تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود، به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

۴. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست. تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد، بلکه باید به سلیقهٔ عموم پایبند بود، به این معنا عرف و سلیقهٔ مقابل هم هستند؛ اما هر دو در این ویژگی مشترکند که علم نیستند. در مسائل عرفی نمی‌شود دلیل اقامه کرد

۴. اخلاق و عرف
حوزه اخلاق می‌شوسیم، بحثی پیش می‌آید تحت عنوان: به این معنی که می‌خواهیم زندگی اخلاقی‌مان را در دلالیل پیش ببریم، همان‌طور که گفته شد، ethics علم است. تفاوت علم با مثلاً عرف این است که برای عرف چندان قاعده و ضابطه نداریم، علوم همیشه یک منظمه دارند، مقدمه و مؤخره‌ای دارند، اصول موضوعه دارند و براساس آن اصول موضوعه بنا می‌شوند و اخلاق هم چنین چیزی است. منتها اولین بحثی که پیرامون حوزه اخلاق پیش می‌شود، این است که: آیا اخلاق یک دانش عینی است یا ذهنی؟

فلسفه اخلاق را علم در نظر می‌گیریم و علم همیشه به دنبال اصول کلی است. فرق «فلسفه اخلاق» با چیزی مثل «عرف» این است که فلسفه اخلاق به عنوان علم، اصولش مطلق‌اند و نسبی نیستند. اگر نسبی باشند، علم نیست. در زندگی ما غیر از حوزه فلسفه اخلاق، خیلی از «بایدها و نبایدها»یمان سلیقه‌ای است. وقتی سلیقه‌ورزی می‌کنیم و سلیقه‌مان را بیان می‌کنیم، به نوبه ما مطالبه دلیل نمی‌کند. اخلاق از حوزه سلیقه جداست. اخلاق نه تنها از سلیقه جداست، بلکه از عرف هم مجزاست. تفاوتی که عرف و سلیقه، این است که عرف همگانی است. درست است که در عرف با علم کلی سر و کار نداریم، اما عرف جنبه عمومی دارد؛ یعنی در عرف نمی‌توان مطابق سلیقه خود عمل کرد،

اخبار کوتاه داخلی

دختران فوتسالبست ایران ترکمستان را هم گلباران کردند



تیم ملی فوتسال دختران زیر ۲۰ سال ایران در تورنمنت کافا مقابل ترکمنستان پیروز شد.

به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از سایت رسمی فدراسیون فوتبال، در دیدار تیم های فوتسال زیر ۲۰ سال دختران ایران با ترکمنستان، شاگردان اردلان با ۱۲ گل به پیروزی رسیدند.

رقیه صومعه ۶ گل، مارال ترکمان ۲ گل، فهیمه ازرانی ۲ گل، نسرين قمی یک گل و نگار یعقوبی یک گل برای ایران به ثمر رساندند.دختران فوتسالبست کشورمان در بازی قبلی خود تیم افغانستان را ۱۶ بر یک شکست دادند و در بازی اول هم با ۱۵ بر صفر پیروز شدند.

ملی پوشان کشورمان فردا به مصاف ازبکستان می روند و در آخرین بازی هم روز چهارشنبه قزاقستان را پیش رو خواهند داشت.این رقابت‌ها به میزبانی تاجیکستان در حال برگزاری است.

جزئیات پیشنهاد فدراسیون فوتبال ایران به دیبایس

یک سایت ایتالیایی اعلام کرد پیشنهاد سرمربیگری تیم ملی فوتبال ایران «دیبایس» سرمربی ایتالیایی ۱۰ روز پیش به وی صورت گرفت است.

به گزارش خبرنگار مهر، این رسانه های ایتالیایی همچنان به بحث حضور دیبایس روی نیمکت تیم ملی ایران می‌پردازند و در تازه ترین مطلب، اعلام شده که این مربی فقط یک امضا تا نخستین روی نیمکت ایران می‌شود.

فاصله دارد!سایت «tribunatreviso» ایتالیا در گزارشی تیت زده است: «دیبایس» مربی ایران شش: او جام جهانی قطر را می‌خواهد، در بخشی از این گزارش آمده است: «احتمال انتخاب دیبایس به عنوان سرمربی ایران بالا است. این پیشنهاد تا پایان جام جهانی قطر (فرارداد ۳۰ ماهه) ارائه شده است و به حدود ۱۰ روز پیش بر می گردد که اکنون در مرحله بسیار پیشرفته ای قرار دارد»

ویلموتس مربی احتمالی بیرانوند در بلژیک

به احتمال زیاد علیرضا بیرانوند و مارک ویلموتس در تیم آنتورپ بلژیک با هم کار خواهند کرد.

به گزارش اسپسنا و به نقل از سایت dhnet، بلژیکس، علیرضا بیرانوند دروازه بان پرسپولیس و تیم ملی مورد توجه چند تیم

بلژیکی قرار دارد و فصل آینده احتمالا در تیم آنتورپ بازی خواهد کرد. بیرانوند البته پیشنهادهایی از چند تیم دیگر دارد ولی به عنوان اولین تجربه اروپایی خود به تیم آنتورپ خواهد رفت. او در این تیم ممکن است شاگرد مارک ویلموتس سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران شوداین سایت بلژیکی نوشته است که «احتمال دارد ویلموتس با بیرانوند در ارتباط بوده و به او گفته است که در تیم آنتورپ با همدیگر دیدار خواهند کرد.» گفته می شود بر اساس توافق انجام‌شده میان بیرانوند و دو باشگاه پرسپولیس و آنتورپ، این دروازه‌بان آخر فصل با قراردادی سه‌ساله ایلی بلژیکی می‌شود.

پیروزی پرسپولیس بر تراکتور در هفته ۱۷ لیگ برتر

تیم فوتبال پرسپولیس تهران با پیروزی برابر تراکتورسازری تبریز علاوه بر اینکه به تداوم صدرنشینی ادامه داد بلکه فاصله خود را به تیم دوم جدول ۵ امتیازی کرد. پرسپولیس موفق شد این بازی را ۲ بر صفر به نفع خود به پایان برود و ۵ امتیازی شود.

در دیگر بازی هم نفت مسجدحیدر سلیمان موفق شد صنعت نفت آبادان را ۲ بر صفر از پیش رو بردارد.

آمادگی یونسکو برای ارائه

آموزش های تخصصی محیط زیستی

دیبرکل کمیسیون ملی یونسکو ضمن تأکید بر آمادگی این سازمان برای همکاری با دانشگاه پیامنور برای ارائه آموزش های تخصصی محیطزیستی، گفت: با توجه به اینکه یکی از ۱۷ کرسی یونسکو با عنوان محیطزیست در دانشگاه پیامنور قرار دارد، ارائه آموزش های تخصصی در این زمینه می تواند در همگانی کردن فرهنگ حفظ محیطزیست در سطح کشور تأثیرگذار باشد.
به گزارش اسپسنا، دکتر حجت‌الله ابویی در جشنواره ملی محیط زیست در دانشگاه پیامنور در سخنانی ضمن تأکید بر اهمیت توجه به فرهنگ حفظ محیط زیست در کشور، گفت: مردم ایران مردمانی با تمدن بسیار غنی و چندین هزار ساله هستند و اگر قرار باشد ما حداقل در یک عرصه پیشرو باشیم چه بهتر که آن عرصه، عرصه محیط زیست باشد. به هر حال الگو شدن در عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و ... کار بسیار دشواری است چرا که رقابت در این عرصه‌ها بسیار گسترده است اما ما با توجه به فرهنگ و پیشینه غنی خود و مردمان این سرزمین که زندگی میز و پاکی دارند می‌توانیم در عرصه محیط‌زیست پیشرو و الگو قرار بگیریم.

وی در ادامه تصریح کرد: مردم ایران در خانه‌های خود ترمیزترین مردمان روی کره زمین هستند و شور و شوق تمیزی و نظافت در خانه‌های ما با یازنداد است و حتی در فقه ما نیز بر پاکیزگی و همچنین جلوگیری از آلوده‌کردن آب‌ها تأکیدات زیادی شده و نمونه‌هایی آن در اشعار پارسای نظیر شعر صدای پای آب، سهراب سپهری دیده می‌شود. همه این موارد نشان می‌دهند که ما ملتی هستیم که محیط زیست را می‌فهمیم و پاس می‌داریم. بنابراین اگر تلاش کنیم در این عرصه به عنوان یکی از بهترین‌های دنیا باشیم هزینه‌ای بر ما تحمیل نخواهد شد.

شرکت مجتمع فولاد زاگرس اندیشک (سهامی خاص)

تکرار و تمدید آگهی فراخوان شناسایی و ارزیابی پیمانکار شماره 003AZASOOOOCE

موضوع فراخوان:شرکت مجتمع فولاد زاگرس اندیشک (سهامی خاص)
در نظر دارد از طریق فراخوان عمومی نسبت به شناسایی پیمانکار دارای صلاحیت و دارای دانش فنی و تجربیات مفید مرتبط جهت پروژه زیر:
«احداث یک کارخانه فولادسازی به روش کاترگی با ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار تن همراه با واحدهای جانبی به روش ریخته گری مذاب» بر اساس یکی از تکنولوژی کارآمد و شناخته شده اروپایی به صورت (EPC) شامل عملیات طراحی و نصب، تقصیلی، تأمین وساخت تجهیزات و احداث کارخانه در استان خوزستان شهر شتان اندیشک با ظرفیت تمام اقدام نماید.
دستگاه مناقصه کار:شرکت مجتمع فولاد زاگرس اندیشک
شرایط انتخاب پیمانکار:
۱- کلیه گروه های همکاری متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی که دارای صلاحیت لازم برای اجرای پروژه به روش (EPC) در چارچوب یک شخصیت حقوقی باشند، جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کفیی دعوت به عمل می آید.
۲- لازم به ذکر است گروه های همکاری طراحی و ساخت متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی می توانند به شرط ارائه نفاهم نامه همکاری و تعیین رهبر (Leader) با نماینده مشارکت از طرف مازنرین مسئولیت های تخصصی و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مشارکت در برابر کارفرما در این ارزیابی شرکت نمایند.
۳- شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه معتبر صلاحیت از سازمان مدیریت و برنامه ریزی (ز به یک با حداقل زمان دوره اجرای پروژه) را داشته باشد. بدینوسی است شرکت هایی که به صورت توانا بر تمل و وساخت (EPC) ارائه اند می توانند به نحو مشارکت با کترسیوم که آنها هم می بایست بصورت مجزا دارای مجوزهای معتبر لازم (ز به یک) باشند طی نفاهم نامه ای قانونی مراتب آمادگی خود را اعلام نمایند. شایان ذکر است پس از ارزیابی و تأیید صلاحیت پیمانکار، جهت دریافت اسناد و فرم های مربوط به مناقصه دعوت به عمل می آید.
۴- شرکت های ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه صلاحیت پیمانکار را در تاریخ درج آگهی حاکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به ارائه نفاهم نامه همکاری و ارائه مازنرین مسئولیت های تخصصی به همراه موارد خواسته شده در ذیل اقدام نمایند:
۱- اسامیه شرکت.
۲- ارائه تجربیات موفق در خصوص اجرای انواع موضوع مناقصه از نظر گستردگی و پیچیدگی فنی و حجم ریالی طی ۱۰ سال اخیر به شرح ذیل و ارائه رزومه ثابت از کارفرمایان مربوطه برای نام و شماره تلفن کارفرما و موارد ذیل.
الف- توضیحات مربوط به پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
ب- محل اجرای پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
پ- هزینه پروژه مشابه و مرتبط
ت- مدت زمان پروژه مشابه و مرتبط
ث- نفاهم نامه همکاری و مازنرین مسئولیت های تخصصی در گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی.
۳- رزومه رسمی آگهی ثبت شرکت و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مدیریت و برنامه ریزی و نیز صاحبان اضافی مجاز.
۴- گزارش آخرین وضعیت سهام و مستحقات سایر کرسی های یک از اعضا مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایرانی و خارجی.
۵- ارائه کلیه برابر اصل گواهی نامه صلاحیت پیمانکار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۶- مستندات در خصوص بار بودن ظرفیت ارائه مناقصه از در رشته های اعلامی توسط شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۷- اسامی مسئولان مسئولیت و مازنرین مسئولیت های تخصصی برای انجام کار کارکنان اصلی و کلیدی شامل نام و نام خانوادگی، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تاریخ اخذ مدرک تحصیلی، سوابق کاری کارکنان، تاریخ ورود به شرکت، سابقه کار خارج از شرکت محل خدمات، عنوان مسئول شغلی، و اضافی مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایران و خارجی.
۸- و ۹- توضیحات مستندات از طرف شرکت به بویان ناخبر هرچاز به اتمام رسیده است نظیر صورتحسبه تحویل صورت گرفته، اسامی کارکنان و سایر موارد.
۱۰- ارائه گزارش هایی که بکایتر توانایی بای توان تأمین جانی جهت اجرای پروژه به روش (EPC)مشارکت مدنی با کترسیوم باشد.
۱۱- ارائه تصویر(HSE-Plan) از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها با همراه گزارش از ساله حوادث حاد کار پرسنل و ماشین آلات در قرار داد منعقد.
۱۲- عملکرد گذشته در پروژه مشابه و یا سایر پروژه های مرتبط به صنایع فولاد.
۱۳- گزارش عملکرد از خرابی و تعمیرات سه سال اول پس از بهره برداری و قطعات بدکی صفری از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۴- گزارش میزان تولید مشابه از رویع بهره برداری تا حصول به ظرفیت اسمی از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۵- برنامه های فنی که نشان دهنده صلاحیت مدیران کلیدی، پرسنل حرفه ای و فنی مرتبط را برای پروژه و با تأکید خاص بر مهارت و تجربه در زمینه های فنی باشد، با ذکر مشخصات ذیل:
الف- نام
ب- تحصیلات
پ- تخصص فنی

۱۶- سیستم های مدیریت پروژه
الف- سیستم مدیریت کیفیت و سیستم آموزش بر اساس استاندارد ایزو ۹۰۰۱(سازیه ایس) به رویه ها و دستورالعمل ها.
ب- سیستم مدیریت پروژه بر اساس استاندارد معتبر به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.
پ- الزامات HSE-Plan از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.

۱۷- لیست نرم افزارهای اصلی و عمومی استفاده شده.
۱۸- منابع و تجهیزات: از جمله امکانات و ماشینت عمودی، که شامل موارد زیر باشد:
الف- تجهیزات تخصصی
ب- امکانات محاسباتی

۱۸- سایر مدارک مفید به تشخیص شرکت کنندگان در فراخوان ارزیابی متقاضیانی که دارای شرایط مذکور بوده پس از بررسی و آگاهی کامل و پذیرش تعهد اجرا و مسئولیت، مطالب و مستندات و مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی تعیین می گردید.
۱۹- شرکت های پیمانکاری از مدارک یک به سسته و مهیور نمودن کلیه مستندات به همراه امضاء مجاز مدیر و نماینده مشارکت گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ایی جداگانه حاکثر مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی، آمادگی خود را برای اجرای شرکت در فراخوان ارزیابی اعلام می نماید.
۲۰- کلیه مدارک و اسناد و فرم های مربوط به مناقصه دعوت به عمل می آید.
۲۱- شرکت های ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه صلاحیت پیمانکار را در تاریخ درج آگهی حاکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به ارائه نفاهم نامه همکاری و ارائه مازنرین مسئولیت های تخصصی به همراه موارد خواسته شده در ذیل اقدام نمایند:
۱- اسامیه شرکت.
۲- ارائه تجربیات موفق در خصوص اجرای انواع موضوع مناقصه از نظر گستردگی و پیچیدگی فنی و حجم ریالی طی ۱۰ سال اخیر به شرح ذیل و ارائه رزومه ثابت از کارفرمایان مربوطه برای نام و شماره تلفن کارفرما و موارد ذیل.
الف- توضیحات مربوط به پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
ب- محل اجرای پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
پ- هزینه پروژه مشابه و مرتبط
ت- مدت زمان پروژه مشابه و مرتبط
ث- نفاهم نامه همکاری و مازنرین مسئولیت های تخصصی در گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی.
۳- رزومه رسمی آگهی ثبت شرکت و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مدیریت و برنامه ریزی و نیز صاحبان اضافی مجاز.
۴- گزارش آخرین وضعیت سهام و مستحقات سایر کرسی های یک از اعضا مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایرانی و خارجی.
۵- ارائه کلیه برابر اصل گواهی نامه صلاحیت پیمانکار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۶- مستندات در خصوص بار بودن ظرفیت ارائه مناقصه از در رشته های اعلامی توسط شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۷- اسامی مسئولان مسئولیت و مازنرین مسئولیت های تخصصی برای انجام کار کارکنان اصلی و کلیدی شامل نام و نام خانوادگی، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تاریخ اخذ مدرک تحصیلی، سوابق کاری کارکنان، تاریخ ورود به شرکت، سابقه کار خارج از شرکت محل خدمات، عنوان مسئول شغلی، و اضافی مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایران و خارجی.
۸- و ۹- توضیحات مستندات از طرف شرکت به بویان ناخبر هرچاز به اتمام رسیده است نظیر صورتحسبه تحویل صورت گرفته، اسامی کارکنان و سایر موارد.
۱۰- ارائه گزارش هایی که بکایتر توانایی بای توان تأمین جانی جهت اجرای پروژه به روش (EPC)مشارکت مدنی با کترسیوم باشد.
۱۱- ارائه تصویر(HSE-Plan) از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها با همراه گزارش از ساله حوادث حاد کار پرسنل و ماشین آلات در قرار داد منعقد.
۱۲- عملکرد گذشته در پروژه مشابه و یا سایر پروژه های مرتبط به صنایع فولاد.
۱۳- گزارش عملکرد از خرابی و تعمیرات سه سال اول پس از بهره برداری و قطعات بدکی صفری از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۴- گزارش میزان تولید مشابه از رویع بهره برداری تا حصول به ظرفیت اسمی از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۵- برنامه های فنی که نشان دهنده صلاحیت مدیران کلیدی، پرسنل حرفه ای و فنی مرتبط را برای پروژه و با تأکید خاص بر مهارت و تجربه در زمینه های فنی باشد، با ذکر مشخصات ذیل:
الف- نام
ب- تحصیلات
پ- تخصص فنی

۱۶- سیستم های مدیریت پروژه
الف- سیستم مدیریت کیفیت و سیستم آموزش بر اساس استاندارد ایزو ۹۰۰۱(سازیه ایس) به رویه ها و دستورالعمل ها.
ب- سیستم مدیریت پروژه بر اساس استاندارد معتبر به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.
پ- الزامات HSE-Plan از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.

۱۷- لیست نرم افزارهای اصلی و عمومی استفاده شده.
۱۸- منابع و تجهیزات: از جمله امکانات و ماشینت عمودی، که شامل موارد زیر باشد:
الف- تجهیزات تخصصی
ب- امکانات محاسباتی

۱۸- سایر مدارک مفید به تشخیص شرکت کنندگان در فراخوان ارزیابی متقاضیانی که دارای شرایط مذکور بوده پس از بررسی و آگاهی کامل و پذیرش تعهد اجرا و مسئولیت، مطالب و مستندات و مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی تعیین می گردید.
۱۹- شرکت های پیمانکاری از مدارک یک به سسته و مهیور نمودن کلیه مستندات به همراه امضاء مجاز مدیر و نماینده مشارکت گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ایی جداگانه حاکثر مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی، آمادگی خود را برای اجرای شرکت در فراخوان ارزیابی اعلام می نماید.
۲۰- کلیه مدارک و اسناد و فرم های مربوط به مناقصه دعوت به عمل می آید.
۲۱- شرکت های ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه صلاحیت پیمانکار را در تاریخ درج آگهی حاکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به ارائه نفاهم نامه همکاری و ارائه مازنرین مسئولیت های تخصصی به همراه موارد خواسته شده در ذیل اقدام نمایند:
۱- اسامیه شرکت.
۲- ارائه تجربیات موفق در خصوص اجرای انواع موضوع مناقصه از نظر گستردگی و پیچیدگی فنی و حجم ریالی طی ۱۰ سال اخیر به شرح ذیل و ارائه رزومه ثابت از کارفرمایان مربوطه برای نام و شماره تلفن کارفرما و موارد ذیل.
الف- توضیحات مربوط به پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
ب- محل اجرای پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
پ- هزینه پروژه مشابه و مرتبط
ت- مدت زمان پروژه مشابه و مرتبط
ث- نفاهم نامه همکاری و مازنرین مسئولیت های تخصصی در گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی.
۳- رزومه رسمی آگهی ثبت شرکت و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مدیریت و برنامه ریزی و نیز صاحبان اضافی مجاز.
۴- گزارش آخرین وضعیت سهام و مستحقات سایر کرسی های یک از اعضا مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایرانی و خارجی.
۵- ارائه کلیه برابر اصل گواهی نامه صلاحیت پیمانکار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۶- مستندات در خصوص بار بودن ظرفیت ارائه مناقصه از در رشته های اعلامی توسط شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۷- اسامی مسئولان مسئولیت و مازنرین مسئولیت های تخصصی برای انجام کار کارکنان اصلی و کلیدی شامل نام و نام خانوادگی، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تاریخ اخذ مدرک تحصیلی، سوابق کاری کارکنان، تاریخ ورود به شرکت، سابقه کار خارج از شرکت محل خدمات، عنوان مسئول شغلی، و اضافی مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایران و خارجی.
۸- و ۹- توضیحات مستندات از طرف شرکت به بویان ناخبر هرچاز به اتمام رسیده است نظیر صورتحسبه تحویل صورت گرفته، اسامی کارکنان و سایر موارد.
۱۰- ارائه گزارش هایی که بکایتر توانایی بای توان تأمین جانی جهت اجرای پروژه به روش (EPC)مشارکت مدنی با کترسیوم باشد.
۱۱- ارائه تصویر(HSE-Plan) از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها با همراه گزارش از ساله حوادث حاد کار پرسنل و ماشین آلات در قرار داد منعقد.
۱۲- عملکرد گذشته در پروژه مشابه و یا سایر پروژه های مرتبط به صنایع فولاد.
۱۳- گزارش عملکرد از خرابی و تعمیرات سه سال اول پس از بهره برداری و قطعات بدکی صفری از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۴- گزارش میزان تولید مشابه از رویع بهره برداری تا حصول به ظرفیت اسمی از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۵- برنامه های فنی که نشان دهنده صلاحیت مدیران کلیدی، پرسنل حرفه ای و فنی مرتبط را برای پروژه و با تأکید خاص بر مهارت و تجربه در زمینه های فنی باشد، با ذکر مشخصات ذیل:
الف- نام
ب- تحصیلات
پ- تخصص فنی

۱۶- سیستم های مدیریت پروژه
الف- سیستم مدیریت کیفیت و سیستم آموزش بر اساس استاندارد ایزو ۹۰۰۱(سازیه ایس) به رویه ها و دستورالعمل ها.
ب- سیستم مدیریت پروژه بر اساس استاندارد معتبر به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.
پ- الزامات HSE-Plan از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.

۱۷- لیست نرم افزارهای اصلی و عمومی استفاده شده.
۱۸- منابع و تجهیزات: از جمله امکانات و ماشینت عمودی، که شامل موارد زیر باشد:
الف- تجهیزات تخصصی
ب- امکانات محاسباتی

۱۸- سایر مدارک مفید به تشخیص شرکت کنندگان در فراخوان ارزیابی متقاضیانی که دارای شرایط مذکور بوده پس از بررسی و آگاهی کامل و پذیرش تعهد اجرا و مسئولیت، مطالب و مستندات و مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی تعیین می گردید.
۱۹- شرکت های پیمانکاری از مدارک یک به سسته و مهیور نمودن کلیه مستندات به همراه امضاء مجاز مدیر و نماینده مشارکت گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ایی جداگانه حاکثر مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی، آمادگی خود را برای اجرای شرکت در فراخوان ارزیابی اعلام می نماید.
۲۰- کلیه مدارک و اسناد و فرم های مربوط به مناقصه دعوت به عمل می آید.
۲۱- شرکت های ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه صلاحیت پیمانکار را در تاریخ درج آگهی حاکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به ارائه نفاهم نامه همکاری و ارائه مازنرین مسئولیت های تخصصی به همراه موارد خواسته شده در ذیل اقدام نمایند:
۱- اسامیه شرکت.
۲- ارائه تجربیات موفق در خصوص اجرای انواع موضوع مناقصه از نظر گستردگی و پیچیدگی فنی و حجم ریالی طی ۱۰ سال اخیر به شرح ذیل و ارائه رزومه ثابت از کارفرمایان مربوطه برای نام و شماره تلفن کارفرما و موارد ذیل.
الف- توضیحات مربوط به پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
ب- محل اجرای پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
پ- هزینه پروژه مشابه و مرتبط
ت- مدت زمان پروژه مشابه و مرتبط
ث- نفاهم نامه همکاری و مازنرین مسئولیت های تخصصی در گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی.
۳- رزومه رسمی آگهی ثبت شرکت و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مدیریت و برنامه ریزی و نیز صاحبان اضافی مجاز.
۴- گزارش آخرین وضعیت سهام و مستحقات سایر کرسی های یک از اعضا مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایرانی و خارجی.
۵- ارائه کلیه برابر اصل گواهی نامه صلاحیت پیمانکار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۶- مستندات در خصوص بار بودن ظرفیت ارائه مناقصه از در رشته های اعلامی توسط شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۷- اسامی مسئولان مسئولیت و مازنرین مسئولیت های تخصصی برای انجام کار کارکنان اصلی و کلیدی شامل نام و نام خانوادگی، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تاریخ اخذ مدرک تحصیلی، سوابق کاری کارکنان، تاریخ ورود به شرکت، سابقه کار خارج از شرکت محل خدمات، عنوان مسئول شغلی، و اضافی مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایران و خارجی.
۸- و ۹- توضیحات مستندات از طرف شرکت به بویان ناخبر هرچاز به اتمام رسیده است نظیر صورتحسبه تحویل صورت گرفته، اسامی کارکنان و سایر موارد.
۱۰- ارائه گزارش هایی که بکایتر توانایی بای توان تأمین جانی جهت اجرای پروژه به روش (EPC)مشارکت مدنی با کترسیوم باشد.
۱۱- ارائه تصویر(HSE-Plan) از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها با همراه گزارش از ساله حوادث حاد کار پرسنل و ماشین آلات در قرار داد منعقد.
۱۲- عملکرد گذشته در پروژه مشابه و یا سایر پروژه های مرتبط به صنایع فولاد.
۱۳- گزارش عملکرد از خرابی و تعمیرات سه سال اول پس از بهره برداری و قطعات بدکی صفری از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۴- گزارش میزان تولید مشابه از رویع بهره برداری تا حصول به ظرفیت اسمی از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۵- برنامه های فنی که نشان دهنده صلاحیت مدیران کلیدی، پرسنل حرفه ای و فنی مرتبط را برای پروژه و با تأکید خاص بر مهارت و تجربه در زمینه های فنی باشد، با ذکر مشخصات ذیل:
الف- نام
ب- تحصیلات
پ- تخصص فنی

۱۶- سیستم های مدیریت پروژه
الف- سیستم مدیریت کیفیت و سیستم آموزش بر اساس استاندارد ایزو ۹۰۰۱(سازیه ایس) به رویه ها و دستورالعمل ها.
ب- سیستم مدیریت پروژه بر اساس استاندارد معتبر به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.
پ- الزامات HSE-Plan از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها.

۱۷- لیست نرم افزارهای اصلی و عمومی استفاده شده.
۱۸- منابع و تجهیزات: از جمله امکانات و ماشینت عمودی، که شامل موارد زیر باشد:
الف- تجهیزات تخصصی
ب- امکانات محاسباتی

۱۸- سایر مدارک مفید به تشخیص شرکت کنندگان در فراخوان ارزیابی متقاضیانی که دارای شرایط مذکور بوده پس از بررسی و آگاهی کامل و پذیرش تعهد اجرا و مسئولیت، مطالب و مستندات و مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی تعیین می گردید.
۱۹- شرکت های پیمانکاری از مدارک یک به سسته و مهیور نمودن کلیه مستندات به همراه امضاء مجاز مدیر و نماینده مشارکت گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ایی جداگانه حاکثر مدت ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی، آمادگی خود را برای اجرای شرکت در فراخوان ارزیابی اعلام می نماید.
۲۰- کلیه مدارک و اسناد و فرم های مربوط به مناقصه دعوت به عمل می آید.
۲۱- شرکت های ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم باید گواهی نامه صلاحیت پیمانکار را در تاریخ درج آگهی حاکثر ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به ارائه نفاهم نامه همکاری و ارائه مازنرین مسئولیت های تخصصی به همراه موارد خواسته شده در ذیل اقدام نمایند:
۱- اسامیه شرکت.
۲- ارائه تجربیات موفق در خصوص اجرای انواع موضوع مناقصه از نظر گستردگی و پیچیدگی فنی و حجم ریالی طی ۱۰ سال اخیر به شرح ذیل و ارائه رزومه ثابت از کارفرمایان مربوطه برای نام و شماره تلفن کارفرما و موارد ذیل.
الف- توضیحات مربوط به پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
ب- محل اجرای پروژه مناقصه مشابه و مرتبط
پ- هزینه پروژه مشابه و مرتبط
ت- مدت زمان پروژه مشابه و مرتبط
ث- نفاهم نامه همکاری و مازنرین مسئولیت های تخصصی در گروه های همکاری طراحی وساخت (EPC) متشکل از مشارکت مدنی با کترسیوم ود شرکت ایرانی و خارجی.
۳- رزومه رسمی آگهی ثبت شرکت و ارائه توضیحات و تمهیدات فنی و طراحی اشتراکی و تضمینی مدیریت و برنامه ریزی و نیز صاحبان اضافی مجاز.
۴- گزارش آخرین وضعیت سهام و مستحقات سایر کرسی های یک از اعضا مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایرانی و خارجی.
۵- ارائه کلیه برابر اصل گواهی نامه صلاحیت پیمانکار از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۶- مستندات در خصوص بار بودن ظرفیت ارائه مناقصه از در رشته های اعلامی توسط شرکت ایرانی عضو مشارکت مدنی با کترسیوم.
۷- اسامی مسئولان مسئولیت و مازنرین مسئولیت های تخصصی برای انجام کار کارکنان اصلی و کلیدی شامل نام و نام خانوادگی، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، تاریخ اخذ مدرک تحصیلی، سوابق کاری کارکنان، تاریخ ورود به شرکت، سابقه کار خارج از شرکت محل خدمات، عنوان مسئول شغلی، و اضافی مشارکت مدنی با کترسیوم شرکت ایران و خارجی.
۸- و ۹- توضیحات مستندات از طرف شرکت به بویان ناخبر هرچاز به اتمام رسیده است نظیر صورتحسبه تحویل صورت گرفته، اسامی کارکنان و سایر موارد.
۱۰- ارائه گزارش هایی که بکایتر توانایی بای توان تأمین جانی جهت اجرای پروژه به روش (EPC)مشارکت مدنی با کترسیوم باشد.
۱۱- ارائه تصویر(HSE-Plan) از پروژه های مشابه به همراه رویه ها و دستورالعمل ها با همراه گزارش از ساله حوادث حاد کار پرسنل و ماشین آلات در قرار داد منعقد.
۱۲- عملکرد گذشته در پروژه مشابه و یا سایر پروژه های مرتبط به صنایع فولاد.
۱۳- گزارش عملکرد از خرابی و تعمیرات سه سال اول پس از بهره برداری و قطعات بدکی صفری از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۴- گزارش میزان تولید مشابه از رویع بهره برداری تا حصول به ظرفیت اسمی از پروژه های مشابه قبلی که به تأیید کارفرما رسیده باشد.
۱۵- برنامه های فنی که نشان دهنده صلاحیت مدیران کلیدی، پرسنل حرفه ای و فنی مرتبط را برای پروژه و با تأکید خاص بر مهارت و تجربه در زمینه های فنی باشد، با ذکر مشخصات ذیل:
الف- نام
ب- تحصیلات
پ- تخصص فنی

شرکت مجتمع فولاد زاگرس اندیشک(سهامی خاص)



ورزشی



پس لرزه های ناکامی هندبال ایران در صعود به جام جهانی



به مسابقات جهانی بود. شاگردان علیرضا حبیبی امسال از اقصی نقاط جهان خود را به ایران رساندند تا برای بالا بردن پرچم خوش‌رنگ کشورمان بچنگند و جنگندگی آنها هم قابل ستایش بود، اما واقعیت این است که بازمهم زورمان به حریفان آسیایی نرسید.

در اواسط رقابت‌ها و در دیدار مقابل کویت، سجاد استسکی دچار مصدومیت شد؛ مصلومیتی که حضور در ادامه مسابقات را سخت کرد. سجاد فقط در دیدار مقابل کرجنبوی برای لحظاتی وارد میدان شد که نتوانست چندان تأثیرگذار باشد. دیگر استسکی حاضر در تیم یعنی الله‌اکرم استسکی که کاپیتان تیم ملی هم بود بعد از عدم صعود ایران به رقابت‌های قهرمانی جهان اعلام خداحافظی کرد و با وجود اینکه به عقیده برخی از کارشناسان او همچنان توانایی حضور در تیم ملی را دارد.

تیم ملی هندبال ایران در چند مسابقه خود در این پیکارها نیمه اول را با پیروزی پشت سر گذاشت، اما در نهایت نتوانست با پیروزی از زمین خارج شود، قطر، کرجنبوی و امارات تیم‌هایی بودند که ایران در نیمه اول

کولاکوویچ: در المپیک، فشار زیادی برای کسب مدال وجود ندارد

سرمربی تیم ملی والیبال ایران گفت: تیم ایران، شاید تاپاسیل کسب مدال المپیک را ندانشسته باشد. ولی تاپاسیل مبارزه با هر تیمی را دارد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، ایگور کولاکوویچ، سرمربی تیم ملی در تیم آنتورپ بلژیک با هم عادت دارد. او چندی قبل به همراه تیم ملی ایران، حضور در المپیک ۲۰۲۰ را در چین، جشن گرفت تا برای چهارمین بار در این بازی‌ها حاضر باشد.

کولاکوویچ در این مورد گفت: به راسیدن به المپیک، بسیار سخت است. بار اولی که به المپیک رسیدیم، دستیار ترویتسا در سال ۲۰۰۴ بود که البته بهترین زیادی روی من بود. من در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ در تیم به المپیک رسیدیم و البته سرمربی بودم. حضور در المپیک، فشار زیادی روی ما داشت. چون تیم ملی مرستان، بخت کسب مدال بود. در تیم ملی ایران نیز اگرچه فشار زیادی برای کسب مدال وجود ندارد ولی همچنان پراسترس خواهیم بود. من در تیم ۶ بار پیروزی داشتیم در حالی که باید سهمیه المپیک ۲۰۲۰ را کسب می‌کردیم.

کولاکوویچ در گفت‌وگو با یک سایت صربستانی گفت: حضور

و مسابقات جوانان آسیا و ... بود. اما پیش‌بینی می‌شود به عنوان پس‌لرزه‌های این ناکامی تغییراتی در کادر فنی و برخی کمیته‌های فدراسیون ایجاد شود. بلافاصله بعد از اتمام مسابقات ایران در کویت گزینه‌هایی مطرح شد تا جایگزین علیرضا حبیبی شوند. چندی پیش کیوان صادقی به عنوان سرمربی تیم ملی نونهالان انتخاب شد؛ تیمی که اصلا وجود خارجی ندارد و حالا از گوشه و کنار شنیده می‌شود که او گزینه اصلی جایگزینی حبیبی است. از سوی دیگر محمدرضا رحبی، دبیر فدراسیون و برخی کمیته‌های فدراسیون هم ظاهرا قرار است دستخوش تغییرات شوند که اهالی هندبال امیدوارند تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها در نهایت به سود این رشته باشد تا شاید چراغ خاموش شده هندبال، بازهم روشن شود.

محسن طاهری، کارشناس هندبال ایران در گفت‌وگو با خبرنگارگزاری فارس، مخصوص عملکرد تیم ملی در رقابت‌های قهرمانی آسیا و انتخابی قهرمانی جهان گفت: ما توجه به شرایط تیم ملی و شروع خوبی که در رقابت‌ها داشت توقع می‌رفت که بتواند سهمیه جهانی را کسب کند، اما این موضوع محقق نشد. کمیته فنی باید شرایط را بررسی و سپس فردمرد آینده هندبال ایران تصمیم‌گیری کند. تیم ملی حتی اگر در یک سال آینده هیچ رویدادی هم نداشته نباید رها شود. از همین حالا باید برنامه ۴ ساله ریخت و به فکر کادر فنی و بازیکنان تیم ملی بود. تیم ملی در لحظاتی در بازی‌ها تمرکز خود را از دست می‌داد و به همین دلیل نتوانست به هدف خود برسد.

وی ادامه داد: دلایل این اتفاق باید مجدداً بررسی و بررسی قرار بگیرد تا در آینده شاهد اتفاقات خوبی در هندبال باشیم. در بازی پایانی هم ملی‌پوشان انگیزه نداشتند؛ گویا آنها فراموش کردند که عنوان پنجمی بهتر از ششمی است و به راحتی مغلوب امارات شدند. امیدوارم تصمیماتی برای آینده هندبال گرفته شود که موجب پیشرفت این رشته در ایران و آسیا شود.

سرمربی تنیس روی میز: می توانستیم اسلوونی را شکست دهیم



طاهر خانی را به یکی دو تور جهانی بفرستیم شاید الان نتایج فرق می کرد.

سرمربی تیم ملی تنیس روی میز در پاسخ به این پرسش که پیش‌بینی می‌کردید نتوانید از سد اسلوونی عبور کنید، تصریح کرد: اسلوونی روی کاغذ ۱۰ پله از ما جلوتر است و پیش‌بینی شکست را داشتیم. اما برای پیروزی هم بسیار امیدوار بودیم. ملی پوشان در بازی نشتالند دادند می توانستیم پیروز باشیم اما نشد و نیاز به برنامه ریزی بهتر و کار بیشتر است تا نتایج نزدیک را به نفع خودمان تمام کنیم.

او در مورد برنامه تیم ملی برای رسیدن به سهمیه های انفرادی نیز گفت: ما دو مرحله مسابقات در تایبند و قطر داریم. مسابقات تایبند، رقابت های آسیای میانه است که یک سهمیه می توانیم بگیریم و شانس زیادی داریم چون در غرب از حریف قزاق و ازبکستان بقیه زیاد مطرح نیستند. مسابقات قطر آخرین مرحله مسابقه کسب سهمیه انفرادی است. این آنجا توانیم سهمیه بگیریم از طریق رنکینگ جهانی هم شانس داریم در المپیک حضور پیدا کنیم.

اخبار کوتاه خارجی

پیروزی یاران عبادی‌پور در لیگ والیبال لهستان
هفته هفدهم لیگ والیبال لهستان با اولین آغاز شد.
پیروزی تیم اسکرکا بلهاتوف و شکست اسکرکا بلهاتوف که روزهای خوبی سپری می‌کند، در خانه خود با نتیجه ۳ بر صفر مقابل ویسوا پیروز شد که میلاد عبادی‌پور بازیکن ایرانی اسکرکا در این بازی ۴ امتیاز با اسپک، یک امتیاز با دفاع و در مجموع ۵ امتیاز گرفت. این بازیکن در دریافت توپ هم ۴۶/۱۵ درصد موفقیت را ثبت کرد.در دیگر مسابقه هفته هفدهم، اولشتین که تازه سرمربی خود را تغییر داده است با نتیجه ۳ بر ۲ مقابل کراویوس باخت. سیدمحمد موسوی در این مسابقه ۳ امتیاز از دفاع دوری و ۱۰ امتیاز با اسپک گرفت و در مجموع ۱۳ امتیاز به حساب تیشش درآید کرد. گفتنی است که اسکرکا با این پیروزی ۴۰ امتیازی شد و با یک بازی بیشتر نسبت به وورا ورشو، به رده دوم جدول ردهبندی صعود کرد. اولشتین هم اگرچه با ۱۹ امتیاز در رده هشتم باقی ماند اما در خطر سقوط تا رده دهمی قرار دارد.

عبور لبرون جیمز از رکورد کوبی براينت

فوق ستاره تیم بسکتبال لس آنجلس لیکرز، با کسب ۳۱ امتیاز در مقابل فالدلیفا به رتبه سوم امتیاز آورتترین بازیکنان تاریخ NBAصعود کرد. به گزارش اسپسنا، تیم لس آنجلس لیکرز در بازی مقابل تیم فیلادلیفا با حساب ۱۰۸ - ۹۱ تن به شکست داد که لبرون جیمز ستاره تیم لیکرز، با کسب ۲۹ امتیاز در این بسازی، با عبور از کوبی برایانت

افسانه‌ای، سومین بازیکن امتیاز آور تاریخ مسابقات NBAشده. این ترتیب، کریم خدابلیات با ۳۸۳۷ امتیاز در رتبه نخست امتیاز آورتترین بازیکنان قرار دارد. کارل مالون با ۳۶۹۸ امتیاز دوم است و لبرون جیمز هم با ۳۳۶۴۴ امتیاز در رتبه سوم امتیاز آورتترین بازیکنان تاریخ NBAقرار گرفت. کوبی برانت نیز در این ردهبندی با مجموع ۳۳۶۳ امتیاز چهارم است و مایکل جردن هم با ۳۲۹۲۹ امتیاز رده پنجم قرار دارد.

نکته قابل توجه دراین اقدام «لبرت براون» سرمربی تیم فیلادلیفا بود. او بعد از رکوردکوبی جیمز بلافاصله تقاضای وقت استراحت کرد تا هواداران حاضر در سالن برای لحظاتی به صورت ایستاده فوق ستاره خود لیکرز در تشویق بپردازند.



۶۳۰
شماره اجتماعی روزنامه اطلاعات
پنجمین ۱۳۸۸ - سال شصت و چهارم - شماره ۲۷۴۸۷

گفتگو با پروفیسور داریوش فرهود

فرار مغررها، رفتن میوه است فرار ژن ها، رفتن پدر



زیرگذر اینترنت

چرخش مغزها!

«پایگاه خبری بهار نیوز» با اشاره به این که یکی از مجریان رسانه ملی گفته بود هر کسی مثل ما فکر نمی کند، جمع کند و از ایران برود، این پاسخ را منتشر کرده: «خدایا! اش مگر غیر از این است؟! مگر خیلی ها از ایران نرفته اند؟! مگر غیر از این است که مثل این جماعت فکر نمی کردند و رفتند؟!»

«سیدحمید حسینی»، عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، فرازی از حکمت ۴۶۷ نهج البلاغه را درباره عامل فرار مغزها و شورش توده ها به اشتراک گذاشته: «امام علی (ع) هنگام نصب زیاد به عنوان فرماندار فارس به او فرمودند عدالت را به کار بند و از سخت گیری و بیداد پرهیز که سخت گیری مردم را به ترک وطن وایم دارد و ستم آنها را به شورش می کشاند.»

«پری سیما» با اشاره به یکی از سخنان «سورنا ستاری»، معاون علمی و فناوری رییس جمهوری، نوشته: «در حالی که مهاجرت از ایران به سطح دانش آموزان هم رسیده، معاون رییس جمهور مدعی شده فرار مغزها نداریم، چرخش مغزها داریم!»

سورنا ستاری در سخنان خود گفته است: «مثل تمام جوامع دیگر ما هم خروج نخبگان را داریم. مهاجرت یک پدیده جهانی است. برخی مثلا از قول صندوق بین المللی پول می گویند که کشور ما رتبه اول فرار مغزها را دارد، در حالی که اصلا چنین گزارشی وجود خارجی ندارد.

پایش اخیر ما نشان می دهد که آمار مهاجرت به طور قابل توجهی رو به کاهش است. البته نه به آن معنی که کل مهاجرت دارد کم می شود، بلکه نوع مهاجرت دارد به سمت سرمایه گذاری و مهاجرت شغلی می رود و از حالت علمی بیرون می آید. کل آمار مهاجرت ما بین ۳۲ تا ۴۰ هزار نفر در سال است و ما در بنیاد کاملا رصد می کنیم که آن ها کجاها می روند و وضعیت ویزاها چگونه است.»

فرار زن ها هنوز در شبکه های اجتماعی چندان شناخته شده نیست و مورد بحث قرار نگرفته است. اغلب کاربران به بحث گسترده تر فرار مغزها پرداخته اند.

زمانی که مریم میرزاخانی، نابغه ریاضیات، استاد دانشگاهی در آمریکا بود، یکی از کاربران نوشت: «امروز ما مریم میرزاخانی نداریم اما آمریکایی ها دارند! سال هاست معتقدم فرار مغزها نداریم، اکنون زمان فرار زن هاست و بی توجهیم به این مهم که زن دانشمند ما به غرب می رود و پس از ازدواج، میدل به فرزند یک آمریکایی و با برداشتن های ژنتیکی ذخیره می شود و ما همچنان به ذخایرمان می بالیم!»

کاربری با نام مستعار «امیرکبیر» در واکنش به این مطلب گفته: «خیلی خوب است که فرد دیگری هم به این مشکل فکر می کند، زیرا فرار زن ها در درازمدت سبب فقر ژنتیکی و به تبع آن موجب فقر نیروی انسانی - مالی خواهد شد.»

«فرهاد کهندانی» با استفاده از هشتک «ژن خوب»، متنی از «رولف دوبلی»، رمان نویس و کارآفرین سویسی را نقل کرده است: «کسانی که بی پروا و شجاع بودند، پیش از آن که بتوانند زن خود را به نسل بعدی منتقل کنند کشته شدند. باقی افراد یعنی ترسوها و ملاحظه کارها زنده ماندند و ما نوادگان آن ها ایم!»

«رضا» نوشته: «یکی از دوستان می گفت این همه فرار مغزها اتفاق افتاد چه شد؟ همه چیز که آرام است و مملکت کار خودش را انجام می دهد. این رفقا غافل هستند که روغن ماشین وقتی کثیف می شود فوراً برای ماشین اتفاقی رخ نمی دهد بلکه خرابی به تدریج عمل می کند.»

برخی کاربران از جمله «راشدی منش» یک مطلب واحد را به اشتراک گذاشته اند: «درناک ترین بخش فرار مغزها، قدرت گرفتن فرومایگان است!»



تماشاخانه



ای کاش آدمی وطنش را
مثل بنفشه ها
در جعبه های خاک
یک روز می توانست
همراه خویشین ببرد هر کجا که خواست
در روشنائی باران
در آفتاب پاک!

محمدرضا شفیعی کدکنی

میدان مشق

مثل بال زدن یک پروانه



ارمان زمان فشمی

شاید شما هم فیلم کوتاهی را که درباره انجام یک آزمایش ژنتیکی روی گروهی از افراد با نژادهای مختلف تهیه شده است دیده باشید. به آن افراد گفته می شود با این آزمایش می توانند دریابند ریشه و اصالت ژنتیکی آن ها به کدام سرزمین برمی گردد.

اکثریت قریب به اتفاقشان مطمئن بودند اجدادشان هم در همان کشور خودشان زندگی کرده و ریشه در همان خاکی داشته اند که امروز آن ها به عنوان وطن می شناسند و درباره اش تعصب دارند. آن که آلمانی است با غرور می گوید من صدرصد آلمانی خالص هستم و آن که نیوزیلندی است از مردم کشورش به عنوان نژاد برتر نام می برد.

از آن افراد پرسیده می شود آیا قومیتی در جهان وجود دارد که تصور ناخوشایندی نسبت به آن داشته باشند و به اصطلاح از آن ها بدشان بیاید؟ بعضی هایشان از مردم برخی کشورها نام می برند.

ژن های آن افراد برای آزمایش فرستاده می شود و دوهفته بعد نتایج را در پاکت هایی سر بسته به آن ها می دهند. هر کدامشان پاکت را روبه روی دوربین باز می کند و از دیدن نتیجه، شگفت زده می شود.

آن که فکر می کرد آلمانی اصل است، بیست درصد فرانسوی و ده درصد انگلیسی است! آن که خیال می کرد نژاد برتر دارد، درمی یابد که ریشه اش مربوط به کشور دیگری است، جایی که او از مردم آن چندان هم خوشش نمی آید. آن که از مردم یکی از کشورها بدش می آمد، متوجه می شود یکی از اجدادش متعلق به همان کشور بوده و عجیب تر از همه این که به آن ها می گویند آزمایش ها نشان داده دونفرشان باهم نسبت خانوادگی دارند و درواقع ریشه ژنتیکی اجدادشان به هم می رسد!

به همین سادگی و فقط با یک آزمایش، مفاهیمی مانند نژادپرستی زیر سؤال می رود. چگونه می توانیم ادعا کنیم دارای نژاد برتر و زن برتر هستیم وقتی ممکن است با تفاوت دوسه نسل به هر انسان دیگری در دنیا مرتبط باشیم؟ دولت ها چگونه می توانند با همدیگر دشمنی کنند و بجنگند، درحالی که ممکن است ملت هایشان ریشه های مشترک عمیقی داشته باشند؟

از طرف دیگر با پیشرفت تکنولوژی و آسان تر شدن ارتباط مردم کشورهای مختلف با یکدیگر، دنیا به دهکده ای شبیه شده است که هر اتفاقی در هر نقطه از آن می تواند به سرعت به اطلاع همه برسد. کشورها دیگر به جزیره های جدا مانده از هم شباهتی ندارند، بلکه هر اتفاقی می تواند روی مناسبات آن ها با یکدیگر اثر بگذارد یا روند صلح و آرامش جهانی را به هم بزند.

فقط چند دهه از زمانی که درباره اثر پروانه ای سخن گفته شده است می گذرد؛ دیدگاهی که اعتقاد دارد ایجاد تغییری کوچک (مثلا بال زدن پروانه) در یک سیستم آشوبناک مانند جو سیاره زمین، می تواند باعث ایجاد تغییرات شدید (مثل وقوع توفان در کشوری دیگر) در آینده شود. یعنی در تمامی پدیده ها، نقاطی وجود دارند که تغییری اندک در آن ها باعث ایجاد تغییرات عظیم خواهد شد و تحلیلگران جهان باید با آگاهی از این نکته به تحلیل و تنظیم مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بپردازند. با توجه به اثر پروانه ای در حوزه سیاست می توان نتیجه گرفت که اوضاع داخلی یک کشور می تواند روی شرایط کلی دنیا نیز اثر بگذارد و هیچ کشوری نمی تواند بی توجه به منافع کشورهای دیگر هر کاری دلش می خواهد بکند.

در این میان برخی کشورها به خیال آن که ابر قدرت هستند برای کشورهای دیگر شاخ و شانه می کشند و آرامش دنیا را به هم می زنند، غافل از این که دود این شیطنت ها به چشم خودشان هم می رود و ماجراجویی هایشان، ملت هایی را که ممکن است ریشه های مشترک بسیاری داشته باشند گرفتار می کند.

بنابراین در هر جای دنیا هر کس با هر توانایی و استعدادی که دارد، باید بکوشد تا کره زمین را به جای بهتری برای زندگی بدل کند. فقط در این صورت است که همه مردم جهان می توانند در صلح و آرامش زندگی کنند.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می کنیم.
Email: jameetelaat@gmail.com
تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰



● مرزیه سلیمانی

تورا کوچیدن از این خاک، دل برکندن از جان است...

اشتیاقی به افسر و رفت و آمدهایش نگاه می‌کنم، گفت برو و به افسر بگو امروز ناهار درست نکند و به خانه ما بیاید.

از خوشحالی شلنگ تخته انداختم و مثل تیری که از کمان رها شده باشم، به سمت در دویدم. بعد مثل قرقی برگشتم تا در برگزاری ضیافت آن روز به مادر کمک کنم. وقتی سخاوتمندانه به مادر پیشنهاد کمک دادم، خندید و گفت مهمانی در کار نیست. ناهار هم آب‌دوغ خیار داریم. راستش اولش کمی دماغ شدم اما بعد از فرصت استفاده کردم و سؤال‌هایی را که قرار بود از افسر بپرسم با خودم مرور کردم که یادم نرود.

طرف‌های ظهر وقتی زنگ

در به صدا درآمد، همه می‌دانستند که من با لباس‌های مرتب و موهای بافته شده در را باز خواهم کرد. افسر آمد. ساده و خودمانی، با چشمانی درخشان و لبریز از هوش، با وقار و خوش‌لباس. یک جعبه کوچک شکلات به‌دست داشت که به‌محض ورود آن را به‌من داد. اولش نشستن روی زمین کمی‌برایش سخت بود. اما بعد از کمی جابه‌جا شدن، انگار قلقلش را پیدا کرد و آرام گرفت. آب‌دوغ‌خیارش را برخلاف ما در بشقاب خورد و گفت در خانواده‌ی مادرش به آن «سوپ سرد» می‌گویند.

بعد از ناهار، وقتی همه‌ی ما استکان‌های چای خود را به‌دست گرفته بودیم تا با توت‌های آفتاب-خشک باغ مهندس نوش جان کنیم، افسر به‌مادر گفت دلش می‌خواهد سری به شاه‌عبدالعظیم بزند. ملتسمانه به مادر نگاه کردم و او فوراً گفت اتفاقاً من هم مدتی است هوای زیارت کرده‌ام. با هم می‌رویم، اما با اتوبوس.

افسر خندید و گفت این طوری خیلی بهتر است، چون دلش می‌خواهد با مردم کوچه و خیابان بیشتر آشنا شود. بعد مادرم بقچه‌ی ترمه‌ای را از گنجینه درآورد و محتویاتش را روی زمین پهن کرد. پارچه‌ای با گل‌های درشت برداشت، و جب کرد و روی سر افسر انداخت. کمی‌بالا و پایینش کرد و بُرش زد و گذاشت کنار تا سر فرصت بدوزد.

آن روز یکی از بهترین روزهای زندگی من بود. تمام بازارچه را گشتیم. خرید کردیم. بستنی خوردیم و در راه حرف زدیم و حرف زدیم. همان روز بود که فهمیدم ذاتِ افسر با ما فرق دارد. پدرش گرجی بود و مادرش ایرانی. پدر بزرگ و مادر بزرگِ پدری‌اش، هر کدام به‌جایی تعلق داشتند، یکی به آلمان و دیگری به فرانسه. پدر بزرگ و

مادر بزرگِ مادری‌اش هم از دو جای مختلف بودند. در خانه همه به همه زبان‌ها حرف می‌زدند. اما خودش معتقد بود که زن اصلی‌اش ایرانی است، و گرنه چرا از بین این همه کشور، دلش فقط برای ایران و خانواده‌ی مادری‌اش پر می‌کشید؟ و چرا به شیوه‌ی ایرانی زندگی می‌کرد؟ اما سؤالی که همان روز برای من پیش آمد و نتوانستم از او بپرسم، همانی بود که بعدها جوابش را گرفتم و آن این که اگر آن‌قدر عاشق ایران و فرهنگ و رسوم آن بود، چرا در ایران زندگی نمی‌کرد؟

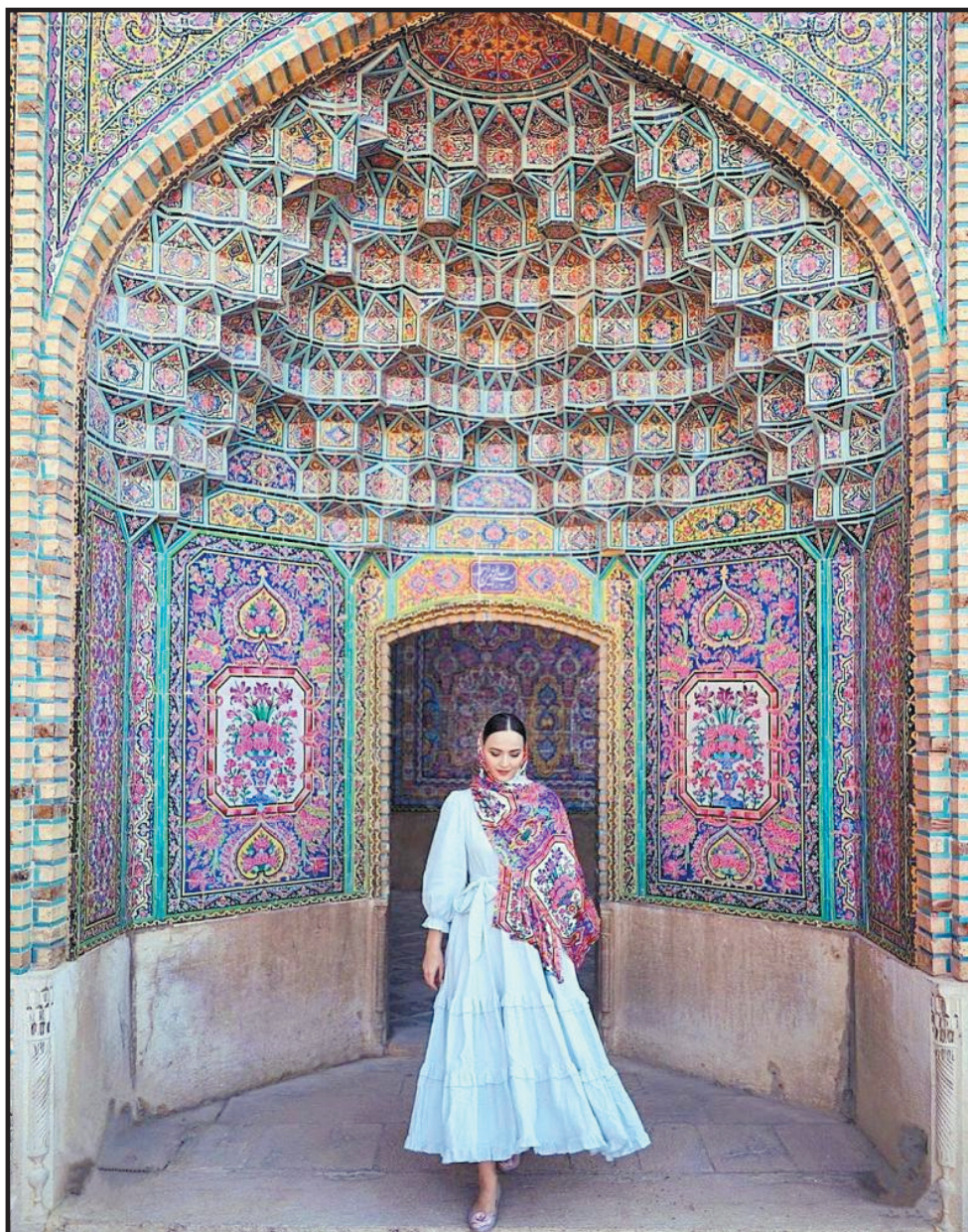
* تیتراژ این مطلب مصرعی از شعر زنده‌یاد فریدون مشیری است:

تو را کوچیدن از این خاک، دل برکندن از جان است!...

تو را با برگ‌برگِ این چمن پیوندِ پنهان است...

اجزای صورتش با هم تناسب داشتند. من دائم دنبال فرصت مناسبی می‌گشتم تا آفتی را بیشتر ببینم و اگر شد با او حرف بزنم. فکر می‌کردم همه‌ی خوبی‌ها را باهم یک‌جا دارد. دلم می‌خواست مثل او باشم.

چند روزی از آمدن افسر می‌گذشت. طی این مدت، مادرم با تشویق‌ها و اصرارهای مکرر من، با افسر رفیق شد. هر از گاهی، شربت به‌لیمویی، لواشکی یا نان سنگکی به‌دست می‌گرفت و به‌دیدنش می‌رفت. من هم مثل دنباله‌ی لباس عروس به‌مادر می‌چسبیدم و همراهش به‌محضر اخی چون شرفیاب می‌شدم.



عکس از مجموعه «قم تریب» هدی رستمی با موضوع سفر اینفلونسرهای خارجی به ایران

طی این رفت و آمدها فهمیدم اخی تقریباً به همه‌جای دنیا سفر کرده. به چند زبان صحبت می‌کند. پزشکی خوانده. کتاب می‌نویسد. بازیگر است و در چند رشته‌ی ورزشی مدال گرفته. باورم نمی‌شد، یک آدم و این همه محاسن! اما موضوعی که بیشتر از همه باعث تعجب من و مادرم شد، سن و سال افسر بود. ما فکر می‌کردیم حداکثر سی و پنج-شش سال داشته باشد اما یک روز بین صحبت‌هایش اشاره کرد که حدوداً پنجاه‌ساله است.

آن روز مهندس در باغ نبود. جیمی را هم برده بود. از پنجره‌ی اتاقم افسر را می‌دیدم که یک‌جا بند نمی‌شد. در رویاهایم خودم را جای او می‌گذاشتم. او همه‌چیز تمام بود. انگار خدا موقع تقسیم کردن نعمت‌هایش، بین او و بقیه- از جمله خود من- تبعیض قائل شده بود. مادرم که می‌دید با چه

دروازه‌ی بزرگ باغ مهندس رو به‌خانه‌ی ما باز می‌شد. مهندس، مردی کوتاه‌قامت و توپ‌رود با موهای جوگندمی و سرو وضع مرتب که با سنگ کوچک سیاهش -جیمی- در آن باغ درندشت زندگی می‌کرد. آن روزها سنگ‌ها همه بزرگ بودند. کسی سنگ کوچک- از انواع مینیاتوری و امروزی‌اش- نداشت. جیمی را هم مهندس با خودش از آمریکا آورده بود و با وجودی که بسیار عصبانی و پرسروصدا بود، هیچ‌کس از او نمی‌ترسید.

مهندس انگار خانواده و فامیلی نداشت. انگار به همه مشکوک بود. یک روز در میان، رأس ساعت ده سوار فیاتش می‌شد و می‌رفت و یکی دو ساعت بعد با کلی خرید و پاکت‌های جورواجور برمی‌گشت. اما آن بسته‌ای که از همه بزرگ‌تر و احتمالاً مهم‌تر بود، بسته‌ی گوشت و کالباس‌های جیمی بود که ما فکر می‌کردیم به‌اتفاق هم، دخلش را می‌آورند.

مادرم گه‌گاه، غذای گرم خانگی برای مهندس می‌برد. او هم متقابلاً فصل توت که می‌شد درخت‌های توتش را در اختیار مادرم می‌گذاشت. مادر هر بار چوب‌بلندی به‌دست می‌گرفت، چند چادر شب شسته‌ی بزرگ و چند سطل کوچک و متوسط هم بار من می‌کرد و راه می‌افتادیم. اما دائماً به من یادآوری می‌کرد که بدجنسی را کنار گذاشته و مهندس را مهندس صدا کنم و نه بابای جیمی.

آن روز عصر وقتی کار تکاندن درخت‌های توت تمام شد و ما از باغ بیرون آمدیم، مهندس دروازه را باز کرد. فیاتش را سوار شد و رفت. جیمی را هم با خود برد. اما چراغ‌سردر باغ روشن بود. نیمه‌های شب، از صدای باز و بسته شدن در و شلوغ‌کاری جیمی، دانستیم که مهندس برگشته. فردای آن شب، حول و حوش نه صبح، همراه مادر از خرید روزانه برمی‌گشتیم که با صحنه‌ای ناآشنا روبه‌رو شدیم. دروازه‌ی باغ چهارتاق باز بود. جیمی را به‌درختی بسته بودند و او تمام محل را روی سرش گذاشته بود. رمضان- رفتگر محل- با جاروی بلندش به‌جان برگ‌های کف باغ افتاده بود و همسرش، شیشه‌های عمارت را پاک می‌کرد. یک خانم خوش‌لباس هم درحالی‌که عینک آفتابی بزرگی به چشم داشت، صاف و کشیده، لب‌بالکن ایستاده بود و فرمان می‌داد. بعد، با دیدن

مادرم دستی تکان داد و با ایما و اشاره ما را به داخل باغ فراخواند. گفت اسمش افسر است اما همه‌آفتی صدایش می‌کنند. گفت خاله ایرج است (وما تا آن روز نمی‌دانستیم اسم همسایه‌مان ایرج است و نه مهندس). گفت دیشب از فرانسه آمده و قرار است یکی‌دو ماه این‌جا بماند. گفت که او و ایرج تنها بازماندگان یک فامیل بزرگ و ثروتمندند و او آمده که به مال و میراثشان سر و سامانی بدهد و بعد از آن، عازم مراکش می‌شود.

در یک لحظه تاریخی، ناگهان مرغ روحم پر کشید و صاف رفت روی شانه‌ی آفتی نشست. از او خوشم می‌آمد. زیبا و قوی بود. چشم‌های فیروزه‌ای پررنگ داشت اما ابروها و مژه‌هایش مشکی بودند. موهایش بلند و فرفری و پوستش روشن و شفاف بود. هیچ آرایشی نداشت اما تمام



•منوچهر دین پرست

د کتر داریوش فرهودرابه‌عنوان پدر علم ژنتیک در ایران می‌شناسند. ایشان معتقد است که به‌جای اصطلاح «فرار مغزها» باید از «فرار ژن‌ها» استفاده کرد و خطری که یک جامعه را تهدید می‌کند، از دست رفتن ژن‌های هوشمند آن جامعه‌است. پروفسور فرهود، در فروردین ماه سال ۱۳۷۷ در تهران متولد شده است. دکتری پزشکی خود را در سال ۱۹۶۹ در شهر اور لانتگن آلمان و دکتری علوم طبیعی در زمینهٔ ژنتیک و PhDانسان‌شناسی را از دانشگاه ماینس آلمان دریافت کرده و در ژنتیک پزشکی از دانشگاه مونیخ درجهٔ پروفسوری دارد.

ایشان بنیانگذار، استادو مدیر گروه ژنتیک انسانی دانشکدهٔ بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۸۲–۱۳۵۲) است. دکتر فرهود غیر از زمینهٔ تخصصی خود در زمینهٔ اخلاق نیز آثار و فعالیت‌های فراوانی داشته و عضو کمیته «اخلاق در ژنتیک پزشکی» سازمان جهانی بهداشت است. ایشان همچنین نگارش آثاری در زمینهٔ فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران را در کارنامه دارد.

*** وقتی که از دانشی به نام ژنتیک صحبت می‌کنیم اساسا دربارهٔ چه‌چیزی صحبت می‌کنیم؟**

ما تخمین می‌زنیم که کل عالم و آسمان و زمین از حدود سیزده و نیم میلیارد سال پیش به‌وجود آمده است، البته خورشید حدود پنج یا شش میلیارد سال و کره زمین بین سه تا چهار میلیارد سال پیش به‌وجود آمده‌اند. در آن زمان، مدت زیادی صرف سرد شدن کرهٔ زمین شده است. در این پروسه، زمین به گدازه یا گلوله آتشی بدل شد که در طول زمان توسط باران‌هایی که بر آن می‌ریخت سرد می‌شد. حداقل یک میلیارد سال صرف سرد شدن کره زمین شد و از آن پس آب بر روی کرهٔ زمین باقی ماند.

به‌تدریج با سرد شدن کرهٔ زمین، شمع آن دو برابر شد و دریاها و دریاچه‌ها بدل به اقیانوس شدند. تخمین زده می‌شود حدود یک میلیارد سال پیش، اولین موجود زنده و تک‌یاخته‌ای روی زمین به‌وجود آمد. تمام اسیدآمینه‌ها می‌توانند بر اساس قانون احتمالات دور هم قرار بگیرند و بالاخره آن اسیدآمینه‌هایی دور هم قرار گرفتند که قابلیت زندگی داشتند. وقتی این‌ها دور هم به‌شکل صحیحی قرار گرفتند، در یک لحظه خاص، ساعت زندگی شروع به کار کرد و سلول (یاخته) اولیه به‌وجود آمد.

براساس قانون احتمالات شاید یاخته‌های بسیاری به‌وجود آمدند، اما چون نتوانستند ادامه حیات بدهند از بین رفتند. بالاخره یاخته‌ای به‌وجود آمد که توانایی دوقسمت شدن را داشت، هر قسمت به یاخته‌های دیگر بدل شد و از این‌جا ژنتیک به‌وجود آمد.

- فرار ژن‌ها، عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم را تشدید می‌کند**
- زبانی که از طریق جنگ به عراق و ایران وارد آمد باعث شد تعداد بسیاری از ژن‌های نخبه به اروپا و آمریکا بروند و نمی‌توان چنین زبانی را به راحتی جبران کرد**
- برخی آقایان، زن خوب دارند نه ژن خوب!**
- بهارث بردن صفات، یک امر ژنتیکی است و افراد باهوش هم ژن هوش را به فرزندان خود منتقل می‌کنند**

ما می‌گوییم اگر از علوم صحت می‌کنیم اساسا از اولین اتفاق، یعنی ژنتیک صحبت می‌کنیم، اگر ژنتیک نبود قابلیت تقسیم سلولی (زایش) هم نبود. آن سلول اولیه نتوانست رشد کند و ژنتیک حاکم شد. بعدا با موتاسیون(جهش)های مختلف که به‌وجود آمد این تک سلولی‌ها چند سلولی شدند و از آن‌جا موجودات آبری مانند ماهی و کوسه و کروکودیل به‌وجود آمدند.

دوزیستی‌ها از آب بیرون آمدند و در خشکی زندگی کردند. موجودات مختلفی از یکدیگر تکامل پیدا کردند و در نهایت انواع میمون‌ها و انسان به‌وجود آمدند.

*** انسان آخرین موجودی است که به‌لحاظ ژنتیکی به‌وجود آمد؟**

بله، نمی‌خواهم بگویم این آخری است اما تا امروز آخرین آن‌هاست.

*** از لحاظ دانش ژنتیکی ما الان در ایران و جهان در چه‌مرتب‌های قرار داریم؟**

در ایران متأسفانه بسیاری از سرمایه‌ها به دلیل محدودیت‌ها و محرومیت‌ها هدر می‌روند و در علوم پایه سرمایه‌گذاری نمی‌شود. هر کشوری قصد پیشرفت داشته باشد باید در علوم پایه سرمایه‌گذاری کند. تمامی جوایز نوبل در علوم پایه داده می‌شود ولی افراد در علوم بالینی (متخصصان قلب و چشم و مغز) شهرت پیدا می‌کنند و ثروتمند می‌شوند.

علوم پایه بسیار پرخرجند و متأسفانه ما نیز در این زمینه بسیار ضعیف هستیم؛ درحالی‌که در اروپا و آمریکا و حتی در چین بسیار در حوزهٔ علوم پایه فعال هستند و سرمایه‌گذاری علمی و اقتصادی می‌کنند.

در دانش ژنتیک گیاهی بسیار کم کار شده است. گفته می‌شود که مثلاً برنجی پیدا کردند که آب کمتری مصرف می‌کند ولی کار ژنتیکی عمیقی صورت نگرفته است یا مثلاً زیتونی که دو میلیون سال در رودبار ایران بوده همچنان محصول می‌دهد و کار ژنتیکی روی آن صورت نگرفته است. در ژنتیک حیوانی نیز روی موش و خرگوش کار چندانی صورت نگرفته است.

ژنتیک انسانی در اصل انسان‌شناسی ژنتیکی است که کسی روی آن کار نمی‌کند؛ چون نه بودجه دارد و نه هدف مشخص. تنها چیزی که بیشتر دربارهٔ آن کار می‌شود ژنتیک پزشکی است. برای این که بیماری وجود دارد و بیمار هزینه می‌پردازد و دربرابر آن هزینه، آزمایشات ژنتیکی صورت می‌گیرد.

در تحقیقات جهانی در هر سه حوزه و در تمامی موارد گیاهی و جانوری و انسانی و پزشکی کار می‌شود. در اروپا و آمریکا تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام می‌دهند. در چین هم به همین شکل است. در هندوستان ما چندان کار باکیفیتی نمی‌بینیم اما در کره جنوبی و ژاپن هم خوب فعالیت می‌شود.

*** مهم‌ترین دستاورد این سال‌های کشورهای جهان در چه زمینه‌ای بوده است؟**

مراکز پژوهشی جهان در بحث درمانی و پزشکی بسیار فعال هستند. در تشخیص، درمان و مدیریت بیماری‌ها بسیار کار می‌شود. تا حدود دویست سال پیش، تشخیص‌ها بالینی بود. از حدود صد و پنجاه سال پیش فعالیت آزمایشگاهی بیشتر موردتوجه قرار گرفت و در همین آزمایشگاه‌های تشخیص طبی اکنون در حدود ششصد دشتاد تنوع آزمایش انجام می‌شود که بسیار هدفمند به‌کمک تشخیص بیماری‌ها آمده‌اند.

گفتگو با پروفسور داریوش فرهود بنیانگذار گروه ژنتیک انسانی دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران

فرار مغزها، رفتن میوه است

فرار ژن‌ها، رفتن بذر



*** هنوز انجام نمی‌دهند یا این‌که می‌توانند و انجام نمی‌دهند؟**

درمورد جانوران و گیاهان دستکاری بسیاری انجام می‌شود، چرا که ملاحظات اخلاقی شدیدی ندارد. اگرچه در این موارد هم باید به اخلاق توجه کرد. در جانوران دستکاری‌شده، دیدند که آن موجودات دستکاری‌شده عمر کوتاه‌تری داشته و به بیماری‌های دیگری مبتلا شده‌اند. در مورد انسان هم می‌توانند کارهایی انجام دهند اما اجازه داده نمی‌شود و بسیار هم محتاط هستند.

من در سال ۱۳۷۴ عضو کمیته ژنتیک سازمان بهداشت جهانی بودم. مدتی پیش از آن یک دانشمند کراهی ادعا کرده بود که جنینی را از یک سلول (بدون پدر و مادر) به‌وجود آورده‌است که البته فقط در حد حرف بود. سازمان بهداشت جهانی و یونسکو بسیار از این‌مورد نگران شده و کمیته اخلاقی را در سال ۱۳۷۳ برای ملاحظات اخلاقی شکل داده بودند. البته ادعای آن دانشمند کراهی هم هیچ‌وقت اتفاق نیفتاد.

*** یعنی آن کار امکان‌پذیر هست اما به لحاظ اخلاقی انجام نمی‌شود؟**

بله، البته مشکلاتی نیز در سه‌را قرار دارند. نوزادی که از این راه به‌دنیا بیاید عمر کوتاه‌تری داشته و بر اثر برخی بیماری‌ها از جمله سرطان خواهد مُرد. یعنی هنوز به‌طور قطعی بچه دستکاری‌شده ژنتیکی در عالم وجود ندارد.

*** در میان بحث به موضوع بیمارها اشاره کردید. بیماری‌هایی به‌صورت وراثتی وجود دارند، مانند آلزایمر و سرطان. آیا درمان این‌ها از نظر ژنتیکی به جای رسیده یا همچنان دارد در این زمینه کار می‌شود؟**

وقتی می‌گوییم بیماری ژنتیکی یا صفات ژنتیکی، چند حالت دارد. یکی این‌که بیماری‌ها کروموزومی هستند. یعنی یک نقص



دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸- سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۸۷

و هانا آرنت (فیلسوف آلمانی).

زبانی که از طریق جنگ به عراق و ایران وارد آمد باعث شد تعداد بسیاری از ژن‌های نخبه به اروپا و آمریکا بروند و نمی‌توان چنین زبانی را به راحتی جبران کرد و برای جبران و ایجاد توازن، دست‌کم یک نسل (۲۵ سال) زمان را از دست داده‌ایم.

کسی که از منطقهٔ سکونتش می‌رود، ژن هوش را هم با خودش می‌برد و در آن‌جا ازدواج کرده و این‌ژن را به فرد دیگری منتقل می‌کند. پس از گذشت چندین سال ما شاهد خواهیم بود که بسیاری از ژن‌های باهوش از کشور رفته‌اند. کشورهای توسعه‌یافته، افراد باهوش، هنرمند، ورزشکار و حتی ثروتمند را می‌پذیرند و افراد کم‌هزینه و عادی را نمی‌پذیرند. آمریکا بیشترین منفعت را از طریق جذب افراد باهوش و نخبه بعد از جنگ جهانی دوم به‌دست آورده است.

مقصود من از فرار ژن‌ها این است که شما بذر را از دست می‌دهید، نه میوه را. وقتی که بذری را از منطقه صادر می‌کنیم، فقط میوهٔ آن را صادر کرده‌ایم، اما اگر هستهٔ هلو را بدهیم و آن‌ها همان هسته را بارور و تکثیر کنند، قطعا میوه‌های مرغوبی به‌دست می‌آورند. فرار ژن‌ها یعنی همین صادرات هسته هلو. کاشت بسیاری از میوه‌های ایرانی در نقاط دیگر جهان رواج پیدا کرده‌است، ولی بذر یک‌بار مصرف خیابار گلخانه‌ای از خارج به ایران می‌رسد و امکان تکرار آن نیست، یعنی هربار باید بذر خرید.

*** شما به عنوان متخصص ژنتیک چه دلیل علمی برای بحث فرار ژن‌ها دارید؟ آیا تلاش و کوشش، باعث نخبه شدن افراد در هر کشور نمی‌شود؟**

باید یادآوری کنم که ما تلاش و کوشش و محیط زندگی فرد را برای بروز نخیکی انکار نمی‌کنیم ولی یک نخبه به‌طور قطع دارای ژنتیکی هست که صفات باهوشی در آن وجود دارد. آن صفات باید در محیط مناسب و با پرورش صحیح به نتیجه درستی برسد تا فرد نخبه بتواند هوش خود را به ظهور برساند. در صورتی که محیط و فضا نامناسب باشد آن ژنتیک باهوشی هم از بین می‌رود.

من هم به کشورهای مختلفی که چنین ژن‌هایی را می‌دزدند

ایراد می‌گیرم و هم به کشورهایی که چنین ژن‌هایی را نگهداری

نمی‌کنند و به سادگی از دست می‌دهند.

ما قانونی داریم که کسی حق ندارد محتوای ژنی و فرآورده‌های خونی (DNA) را به خارج از کشور منتقل کند، اما قانونی برای جلوگیری از خروج افراد باهوش نداریم. اگر شما تعدادی دی‌ان‌ای تهیه کنید، اجازه خروج ندارید؛ چرا که این محموله جز ذخیرهٔ ژنتیکی کشور محسوب می‌شود. تعجب می‌کنم که ذخیرهٔ ژنتیکی را نمی‌توان به خارج فرستاد اما خود فردی که حامل ژن‌های باهوشی و نخبگی به خارج فرستاده‌اند

بنابراین فرار یا حتی دزدیدن مغزها امری است که در طول تاریخ جریان داشته اما زیرکی ما کجاست که نتوانستیم نخبگان و جوانان برجستهٔ خود را در کشور نگه داریم و چرا باید شرایط کار و محیط اجتماعی، آن‌ها را متواری کند؟ می‌خواهم بگویم در بسیاری از موارد، فرار مغزها نیست بلکه پرتاب مغزهاست.

*** شما معتقدید که فرار ژن‌ها یک آسیب است و آن را به‌صورت یک آسیب می‌بینید؟**

بله، پس از هر اتفاق ناخوشایندی که در هر سزمینی رخ بدهد، معمولاً دو دسته از آن سرزمین فرار می‌کنند، یکی سرمایه‌دارها و دیگری دانشمندان و متفکران. هر دو این افسرد نیازمند آرامش و امنیت هستند.

*** البته سرمایه‌دار الزاما ژن خوب نداشته است. چرا، او هم اگر از رانت و دزدی استفاده نکرده باشد، ژن خوبی داشته که نتوانسته سرمایه جمع کند. به‌هرحال این دو گروه ژن‌هایی دارند که قابلیت تکثیر دارد.**

*** آیا افرادی که از آن‌ها نام می‌برد به ذاته دارای ژن‌های خوبی هستند یا زمینه و بستر مناسب و آموزش باعث شده که دانشمند شوند؟ مثلا خانم میرزاخانی هم در این دسته قرار می‌گیرد.**

زنده‌یاد پروفسور میرزاخانی واقعا دارای ژن خوبی بود ولی می‌بایست محیط و شرایط اجتماعی هم فراهم می‌بود و گر نه آن چنان نمی‌درخشید. من باور دارم باران که در لطافت طبعش خلاف نیست/ در دشت لاله روید و در شورزار خس.

یعنی ژن‌های خوبی وجود دارند که می‌پسوند و از بین می‌روند یا حتی برخی افراد ژن‌های خوبی دارند که آن‌ها را در تیهکاری و دزدی و فساد به‌کار می‌برند. برخی از سارقان و فاسدان بسیار افراد باهوشی هستند. حدود شصت سال پیش در آلمان تحقیقی انجام داده بودیم که نشان می‌داد دزدی با هوش ارتباط مستقیمی دارد. آن‌هایی که فعالیت‌های حرفه‌ای در این موارد دارند بسیار افراد باهوشی هستند اما هوششان را در زمینهٔ بدی به‌کار برانده‌اند.

*** در چند سال اخیر یکی از آقا‌زاده‌ها قضیه ژن خوب را مطرح کرد. شما چه نقدی به این حرف دارید؟**

من درمورد شخص خاصی حرف نمی‌زنم اما بعضی از این آقا‌زاده‌ها می‌توانند دارای ژن خوب باشند یا زن خوبی گرفته باشند. برخی آقایان، زن خوب دارند نه ژن خوب. دو تا نقطه آن کم است!

- در اداره‌های مهاجرت کشورهای توسعه‌یافته، مجموعه‌ای از افراد روان‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان و متخصصان ژنتیک وجود دارند که تشخیص می‌دهند به چه کسانی باید ویزا داده شود**

*** چرا باید شرایط کار و محیط اجتماعی، نخبگان کشور را متواری کند؟**

*** نگران نسل آتی با همه‌گیری خسونت و ویرانگری هشتم**

است را به‌راحتی می‌توان به خارج فراری داد.

مهاجرت تمامی کسانی که از کشورهای مختلف خاورمیانه و آسیا به خارج رفتند از طریق لنج و قایق نبوده بلکه برای خیلی از آن‌ها به راحتی ویزایشان را صادر کردند تا از کشور خارج شوند. متفکران و نخبگان، نامهنگاری می‌کنند و درخواست پذیرش می‌دهند و رزومهٔ خود را می‌فرستند تا بتوانند مهاجرت کنند.

از یک مزرعهٔ بسیار بزرگ می‌توان میوه خوب و مناسب را چید

و کسی جلوی شما را نمی‌گیرد. شما اگر در همین مزرعه، هسته و بذر خوب و مناسب داشته باشید می‌توانید میوه خوب به‌عمل آورید. ژن هم همین‌گونه است و ژن‌های خوب و باهوش فرزندان باهوش تولید می‌کنند.در اداره‌های مهاجرت کشورهای توسعه‌یافته، مجموعه‌ای از افراد روان‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان و متخصصان ژنتیک وجود دارند که تشخیص می‌دهند به چه کسانی باید ویزا داده شود. مگر ما در تاریخمان دانشتیم که این‌سینا را می‌خواستند بدزدند و به دربار خود ببرند؟

آن‌ها زنی با ژن خوب گرفته‌اند و می‌گویند ما ژن خوب داریم.

*** به این موضوع از منظر تاریخی و سیاسی هم می‌توان نگاه کرد؟**

بله، وقتی داروین نظریات خودش را بیان کرد، شاخه‌ای از داروینیسم به‌وجود آمد به‌نام داروینیسم اجتماعی. در این حوزه گفته می‌شود که چه کسی در چه‌محیطی رشد می‌کند. جمله‌ای که داروین گفت «ماندگاری اصلح» نام دارد.

این که سیاستمداران می‌گویند شایسته‌سالاری و—درست هم می‌گویند، زیرا هر سیستمی باید شایسته‌سالاری داشته باشد، حتی در گروه‌های مقایسه‌ی هم شایسته‌سالاری هست—این سؤال را به‌وجود می‌آورد که شرایط و ضوابط آن شایستگی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد. در بستکتال، شایسته‌سالاری این است که بازیکن، قد بلندی داشته باشد و گل بزند. زور گریها باید گردن کلفت باشند. یعنی محیط کار و اجتماعی تعیین می‌کند که شرایط برای آن شایسته‌سالاری چه باشد.

ادامه در صفحه ۶



•منوچهر دین پرست

د کتر داریوش فرهودرابه‌عنوان پدر علم ژنتیک در ایران می‌شناسند. ایشان معتقد است که به‌جای اصطلاح «فرار مغزها» باید از «فرار ژن‌ها» استفاده کرد و خطری که یک جامعه را تهدید می‌کند، از دست رفتن ژن‌های هوشمند آن جامعه‌است. پروفسور فرهود، در فروردین ماه سال ۱۳۷۷ در تهران متولد شده است. دکتری پزشکی خود را در سال ۱۹۶۹ در شهر اور لانتگن آلمان و دکتری علوم طبیعی در زمینهٔ ژنتیک و PhDانسان‌شناسی را از دانشگاه ماینس آلمان دریافت کرده و در ژنتیک پزشکی از دانشگاه مونیخ درجهٔ پروفسوری دارد.

ایشان بنیانگذار، استادو مدیر گروه ژنتیک انسانی دانشکدهٔ بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۸۲–۱۳۵۲) است. دکتر فرهود غیر از زمینهٔ تخصصی خود در زمینهٔ اخلاق نیز آثار و فعالیت‌های فراوانی داشته و عضو کمیته «اخلاق در ژنتیک پزشکی» سازمان جهانی بهداشت است. ایشان همچنین نگارش آثاری در زمینهٔ فرهنگ، ادبیات و تاریخ ایران را در کارنامه دارد.

*** وقتی که از دانشی به نام ژنتیک صحبت می‌کنیم اساسا دربارهٔ چه‌چیزی صحبت می‌کنیم؟**

ما تخمین می‌زنیم که کل عالم و آسمان و زمین از حدود سیزده و نیم میلیارد سال پیش به‌وجود آمده است، البته خورشید حدود پنج یا شش میلیارد سال و کره زمین بین سه تا چهار میلیارد سال پیش به‌وجود آمده‌اند. در آن زمان، مدت زیادی صرف سرد شدن کرهٔ زمین شده است. در این پروسه، زمین به گدازه یا گلوله آتشی بدل شد که در طول زمان توسط باران‌هایی که بر آن می‌ریخت سرد می‌شد. حداقل یک میلیارد سال صرف سرد شدن کره زمین شد و از آن پس آب بر روی کرهٔ زمین باقی ماند.

به‌تدریج با سرد شدن کرهٔ زمین، شمع آن دو برابر شد و دریاها و دریاچه‌ها بدل به اقیانوس شدند. تخمین زده می‌شود حدود یک میلیارد سال پیش، اولین موجود زنده و تک‌یاخته‌ای روی زمین به‌وجود آمد. تمام اسیدآمینه‌ها می‌توانند بر اساس قانون احتمالات دور هم قرار بگیرند و بالاخره آن اسیدآمینه‌هایی دور هم قرار گرفتند که قابلیت زندگی داشتند. وقتی این‌ها دور هم به‌شکل صحیحی قرار گرفتند، در یک لحظه خاص، ساعت زندگی شروع به کار کرد و سلول (یاخته) اولیه به‌وجود آمد.

براساس قانون احتمالات شاید یاخته‌های بسیاری به‌وجود آمدند، اما چون نتوانستند ادامه حیات بدهند از بین رفتند. بالاخره یاخته‌ای به‌وجود آمد که توانایی دوقسمت شدن را داشت، هر قسمت به یاخته‌های دیگر بدل شد و از این‌جا ژنتیک به‌وجود آمد.

- فرار ژن‌ها، عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم را تشدید می‌کند**
- زبانی که از طریق جنگ به عراق و ایران وارد آمد باعث شد تعداد بسیاری از ژن‌های نخبه به اروپا و آمریکا بروند و نمی‌توان چنین زبانی را به راحتی جبران کرد**
- برخی آقایان، زن خوب دارند نه ژن خوب!**
- بهارث بردن صفات، یک امر ژنتیکی است و افراد باهوش هم ژن هوش را به فرزندان خود منتقل می‌کنند**

ما می‌گوییم اگر از علوم صحت می‌کنیم اساسا از اولین اتفاق، یعنی ژنتیک صحبت می‌کنیم، اگر ژنتیک نبود قابلیت تقسیم سلولی (زایش) هم نبود. آن سلول اولیه نتوانست رشد کند و ژنتیک حاکم شد. بعدا با موتاسیون(جهش)های مختلف که به‌وجود آمد این تک سلولی‌ها چند سلولی شدند و از آن‌جا موجودات آبری مانند ما‌هی و کوسه و کروکودیل به‌وجود آمدند.

دوزیستی‌ها از آب بیرون آمدند و در خشکی زندگی کردند. موجودات مختلفی از یکدیگر تکامل پیدا کردند و در نهایت انواع میمون‌ها و انسان به‌وجود آمدند.

*** انسان آخرین موجودی است که به‌لحاظ ژنتیکی به‌وجود آمد؟**

بله، نمی‌خواهم بگویم این آخری است اما تا امروز آخرین آن‌هاست.

*** از لحاظ دانش ژنتیکی ما الان در ایران و جهان در چه‌مرتب‌های قرار داریم؟**

در ایران متأسفانه بسیاری از سرمایه‌ها به دلیل محدودیت‌ها و محرومیت‌ها هدر می‌روند و در علوم پایه سرمایه‌گذاری نمی‌شود. هر کشوری قصد پیشرفت داشته باشد باید در علوم پایه سرمایه‌گذاری کند. تمامی جوایز نوبل در علوم پایه داده می‌شود ولی افراد در علوم بالینی (متخصصان قلب و چشم و مغز) شهرت پیدا می‌کنند و ثروتمند می‌شوند.

علوم پایه بسیار پرخرجند و متأسفانه ما نیز در این زمینه بسیار ضعیف هستیم؛ درحالی‌که در اروپا و آمریکا و حتی در چین بسیار در حوزهٔ علوم پایه فعال هستند و سرمایه‌گذاری علمی و اقتصادی می‌کنند.

در دانش ژنتیک گیاهی بسیار کم کار شده است. گفته می‌شود که مثلاً برنجی پیدا کردند که آب کمتری مصرف می‌کند ولی کار ژنتیکی عمیقی صورت نگرفته است یا مثلاً زیتونی که دو میلیون سال در رودبار ایران بوده همچنان محصول می‌دهد و کار ژنتیکی روی آن صورت نگرفته است. در ژنتیک حیوانی نیز روی موش و خرگوش کار چندانی صورت نگرفته است.

ژنتیک انسانی در اصل انسان‌شناسی ژنتیکی است که کسی روی آن کار نمی‌کند؛ چون نه بودجه دارد و نه هدف مشخص. تنها چیزی که بیشتر دربارهٔ آن کار می‌شود ژنتیک پزشکی است. برای این که بیماری وجود دارد و بیمار هزینه می‌پردازد و دربرابر آن هزینه، آزمایشات ژنتیکی صورت می‌گیرد.

در تحقیقات جهانی در هر سه حوزه و در تمامی موارد گیاهی و جانوری و انسانی و پزشکی کار می‌شود. در اروپا و آمریکا تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام می‌دهند. در چین هم به همین شکل است. در هندوستان ما چندان کار باکیفیتی نمی‌بینیم اما در کره جنوبی و ژاپن هم خوب فعالیت می‌شود.

*** مهم‌ترین دستاورد این سال‌های کشورهای جهان در چه زمینه‌ای بوده است؟**

مراکز پژوهشی جهان در بحث درمانی و پزشکی بسیار فعال هستند. در تشخیص، درمان و مدیریت بیماری‌ها بسیار کار می‌شود. تا حدود دویست سال پیش، تشخیص‌ها بالینی بود. از حدود صد و پنجاه سال پیش فعالیت آزمایشگاهی بیشتر موردتوجه قرار گرفت و در همین آزمایشگاه‌های تشخیص طبی اکنون در حدود ششصد و هشتصد نوع آزمایش انجام می‌شود که بسیار هدفمند به‌کمک تشخیص بیماری‌ها آمده‌اند.

*** هنوز انجام نمی‌دهند یا این‌که می‌توانند و انجام نمی‌دهند؟**

درمورد جانوران و گیاهان دستکاری بسیاری انجام می‌شود، چرا که ملاحظات اخلاقی شدیدی ندارد. اگرچه در این موارد هم باید به اخلاق توجه کرد. در جانوران دستکاری‌شده، دیدند که آن موجودات دستکاری‌شده عمر کوتاه‌تری داشته و به بیماری‌های دیگری مبتلا شده‌اند. در مورد انسان هم می‌توانند کارهایی انجام دهند اما اجازه داده نمی‌شود و بسیار هم محتاط هستند.

من در سال ۱۳۷۴ عضو کمیته ژنتیک سازمان بهداشت جهانی بودم. مدتی پیش از آن یک دانشمند کره‌ای ادعا کرده بود که جنینی را از یک سلول (بدون پدر و مادر) به‌وجود آورده‌است که البته فقط در حد حرف بود. سازمان بهداشت جهانی و یونسکو بسیار از این‌مورد نگران شده و کمیته اخلاقی را در سال ۱۳۷۳ برای ملاحظات اخلاقی شکل داده بودند. البته ادعای آن دانشمند کره‌ای هم هیچ‌وقت اتفاق نیفتاد.

*** یعنی آن کار امکان‌پذیر هست اما به لحاظ اخلاقی انجام نمی‌شود؟**

بله، البته مشکلاتی نیز در سه‌را قرار دارند. نوزادی که از این راه به‌دنیا بیاید عمر کوتاه‌تری داشته و بر اثر برخی بیماری‌ها از جمله سرطان خواهد مُرد. یعنی هنوز به‌طور قطعی بچه دستکاری‌شده ژنتیکی در عالم وجود ندارد.

*** در میان بحث به موضوع بیمارها اشاره کردید. بیماری‌هایی به‌صورت وراثتی وجود دارند، مانند آلزایمر و سرطان. آیا درمان این‌ها از نظر ژنتیکی به جای رسیده یا همچنان دارد در این زمینه کار می‌شود؟**
وقتی می‌گوییم بیماری ژنتیکی یا صفات ژنتیکی، چند حالت دارد. یکی این که بیماری‌ها کروموزومی هستند. یعنی یک نقص



دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸- سال نود و چهارم - شماره ۲۷۴۸۷

گفتگو با پروفسور داریوش فرهود بنیانگذار گروه ژنتیک انسانی دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران

فرار مغزها، رفتن میوه است

فرار ژن‌ها، رفتن بذر



کروموزومی وجود دارد و تعدادی از آن‌ها کم یا زیاد می‌شوند. گروه دیگر بیماری‌های تک ژنی هستند، مانند تالاسمی و هموفیلی و غیره. گروه سوم ویژگی‌های چند ژنی هستند، مانند صفات و روحیات و خلقیات. بسیاری از ژن‌ها زمینه‌ساز بیماری‌ها هستند؛ یعنی بیماری هنوز وجود ندارد و شاید هم ظاهر نشود. ممکن است با سبک زندگی ناسالم این بیماری ظاهر شود. این‌ها پیش‌آگهی هستند که نباید بالقوه بشنوند. گروهی از بیماری‌ها نیز ممکن است در دوران بارداری اتفاق بیفتند که به‌صورت مادرزادی ظاهر می‌شوند، درحالی‌که ژنتیکی نیستند.

*** یکی از موضوعاتی که شما به‌عنوان متخصص ژنتیک طرح کردید، بحث فرار ژن‌ها بود. از نظر علمی این بحث یعنی چه؟**

این‌موضوع را بنده گفته بودم و عده‌ای آن را به جای فرار مغزها طرح کردند. فرار مغزها یعنی این که افراد نخبه و باهوش از منطقه یا کشوری به منطقه یا کشور دیگری، برای دستیابی به کار و رفاه بیشتر کوچ کنند.

قبل از این که وارد بحث شویم، به‌عنوان یک متخصص ژنتیک باید بگویم مقصود از مغزها این است که از نظر ما افراد باهوش از پدر و مادر باهوش به‌دنیا می‌آیند و افراد قبل‌دند از پدر و مادر قبل‌دند متولد می‌شوند. اگرچه محیط هم تأثیرگذار است، اما قطعاً تأثیر ژنتیکی بسیار جدی و مهم است.

این موارد به‌لحاظ ژنتیکی اثبات شده‌اند که افراد، صفات کثی را به‌ارث می‌برند. در نتیجه به‌ارث بردن صفات، یک امر ژنتیکی است و افراد باهوش هم این صفات را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. به‌طور مثال در خانواده «باخ»، همگی موسیقیدان بودند، «چارلز داروین» و «سرفرانسیس گالton» را هم خوشایوند بودند که دو شخصیت تأثیرگذار بر حوزه ژنتیک در جهان هستند.

به‌عبارتی دیگر فرار مغزها یعنی اگر شخصی پس از سن باروری

و هانا آرنت (فیلسوف آلمانی).

زبانی که از طریق جنگ به عراق و ایران وارد آمد باعث شد تعداد بسیاری از ژن‌های نخبه به اروپا و آمریکا بروند و نمی‌توان چنین زبانی را به راحتی جبران کرد و برای جبران و ایجاد توازن، دست‌کم یک نسل (۲۵ سال) زمان را از دست داده‌ایم.

کسی که از منطقهٔ سکونتش می‌رود، ژن هوش را هم با خودش می‌برد و در آن‌جا ازدواج کرده و این‌ژن را به فرد دیگری منتقل می‌کند. پس از گذشت چندین سال ما شاهد خواهیم بود که بسیاری از ژن‌های باهوش از کشور رفته‌اند. کشورهای توسعه‌یافته، افراد باهوش، هنرمند، ورزشکار و حتی ثروتمند را می‌پذیرند و افراد کم‌هزینه و عادی را نمی‌پذیرند. آمریکا بیشترین منفعت را از طریق جذب افراد باهوش و نخبه بعد از جنگ جهانی دوم به‌دست آورده است.

مقصود من از فرار ژن‌ها این است که شما بذر را از دست می‌دهید، نه میوه را. وقتی که بذری را از منطقه صادر می‌کنیم، فقط میوهٔ آن را صادر کرده‌ایم، اما اگر هستهٔ هلو را بدهیم و آن‌ها همان هسته را بارور و تکثیر کنند، قطعاً میوه‌های مرغوبی به‌دست می‌آورند. فرار ژن‌ها یعنی همین صادرات هسته هلو. کاشت بسیاری از میوه‌های ایرانی در نقاط دیگر جهان رواج پیدا کرده‌است، ولی بذر یک‌بار مصرف خیابار گلخانه‌ای از خارج به ایران می‌رسد و امکان تکرار آن نیست، یعنی هر بار باید بذر خرید.

*** شما به‌عنوان متخصص ژنتیک چه دلیل علمی برای بحث فرار ژن‌ها دارید؟ آیا تلاش و کوشش، باعث نخبه شدن افراد در هر کشور نمی‌شود؟**

باید یادآوری کنم که ما تلاش و کوشش و محیط زندگی فرد را برای بروز نخبگی انکار نمی‌کنیم ولی یک نخبه به‌طور قطع دارای ژنتیکی هست که صفات باهوشی در آن وجود دارد. آن صفات باید در محیط مناسب و با پرورش صحیح به نتیجه درستی برسد تا فرد نخبه بتواند هوش خود را به ظهور برساند. در صورتی که محیط و فضا نامناسب باشد آن ژنتیک باهوشی هم از بین می‌رود.

من هم به کشورهای مختلفی که چنین ژن‌هایی را می‌دزدند

ایراد می‌گیرم و هم به کشورهایی که چنین ژن‌هایی را نگهداری

نمی‌کنند و به سادگی از دست می‌دهند.

ما قانونی داریم که کسی حق ندارد محتوای ژنی و فرآورده‌های خونی (DNA) را به خارج از کشور منتقل کند، اما قانونی برای جلوگیری از خروج افراد باهوش نداریم. اگر شما تعدادی دی‌ان‌ای تهیه کنید، اجازه خروج ندارید؛ چرا که این محموله جز ذخیرهٔ ژنتیکی کشور محسوب می‌شود. تعجب می‌کنم که ذخیرهٔ ژنتیکی را نمی‌توان به خارج فرستاد اما خود فردی که حامل ژن‌های باهوشی و نخبگی

بنابراین فرار یا حتی دزدیدن مغزها امری است که در طول تاریخ جریان داشته اما زیرکی ما کجاست که نتوانستیم نخبگان و جوانان برجستهٔ خود را در کشور نگه داریم و چرا باید شرایط کار و محیط اجتماعی، آن‌ها را متواری کند؟ می‌خواهم بگویم در بسیاری از موارد، فرار مغزها نیست بلکه پرتاب مغزهاست.

*** شما معتقدید که فرار ژن‌ها یک آسیب است و آن را به‌صورت یک آسیب می‌بینید؟**

بله، پس از هر اتفاق ناخوشایندی که در هر سرزمینی رخ بدهد، معمولاً دو دسته از آن سرزمین فرار می‌کنند، یکی سرمایه‌دارها و دیگری دانشمندان و متفکران. هر دو این افسرد نیازمند آرامش و امنیت هستند.

*** البته سرمایه‌دار الزاماً ژن خوب نداشته است. چرا، او هم اگر از رانت و دزدی استفاده نکرده باشد، ژن خوبی داشته که نتوانسته سرمایه جمع کند. به‌هرحال این دو گروه ژن‌هایی دارند که قابلیت تکثیر دارد.**

*** آیا افرادی که از آن‌ها نام می‌برید به‌ذاته دارای ژن‌های خوبی هستند یا زمینه و بستر مناسب و آموزش باعث شده که دانشمند شوند؟ مثلاً خانم میرزاخانی هم در این دسته قرار می‌گیرد.**

زنده‌یاد پروفسور میرزاخانی واقعاً دارای ژن خوبی بود ولی می‌بایست محیط و شرایط اجتماعی هم فراهم می‌بود و گرنه آن چنان نمی‌درخشید. من باور دارم باران که در لطافت طبعش خلاف نیست/ در دشت لاله روید و در شور‌زار خس.

یعنی ژن‌های خوبی وجود دارند که می‌پسوند و از بین می‌روند یا حتی برخی افراد ژن‌های خوبی دارند که آن‌ها را در تیهکاری و دزدی و فساد به‌کار می‌برند. برخی از سارقان و فاسدان بسیار افراد باهوشی هستند. حدود شصت سال پیش در آلمان تحقیقی انجام داده بودیم که نشان می‌داد دزدی با هوش ارتباط مستقیمی دارد. آن‌هایی که فعالیت‌های حرفه‌ای در این موارد دارند بسیار افراد باهوشی هستند اما هوششان را در زمینهٔ بدی به‌کار برانده‌اند.

*** در چند سال اخیر یکی از آقا‌زاده‌ها قضیه ژن خوب را مطرح کرد. شما چه نقدی به این حرف دارید؟**

من درمورد شخص خاصی حرف نمی‌زنم اما بعضی از این آقا‌زاده‌ها می‌توانند دارای ژن خوب باشند یا زن خوبی گرفته باشند. برخی آقایان، زن خوب دارند نه ژن خوب. دو تا نقطه آن کم است!

*** در اداره‌های مهاجرت کشورهای توسعه‌یافته، مجموعه‌ای از افراد روان‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان و متخصصان ژنتیک وجود دارند که تشخیص می‌دهند به چه کسانی**

باید ویزا داده شود

*** چرا باید شرایط کار و محیط اجتماعی، نخبگان کشور را متواری کند؟**

*** نگران نسل آتی با همه‌گیری خسونت و ویرانگری هشتم**

است را به‌راحتی می‌توان به خارج فراری داد.

مهاجرت تمامی کسانی که از کشورهای مختلف خاورمیانه و آسیا به خارج رفتند از طریق لنج و قایق نبوده بلکه برای خیلی از آن‌ها به راحتی ویزایشان را صادر کردند تا از کشور خارج شوند. متفکران و نخبگان، نامهنگاری می‌کنند و درخواست پذیرش می‌دهند و رزومهٔ خود را می‌فرستند تا بتوانند مهاجرت کنند.

از یک مزرعهٔ بسیار بزرگ می‌توان میوه خوب و مناسب را چید

و کسی جلوی شما را نمی‌گیرد. شما اگر در همین مزرعه، هسته و بذر خوب و مناسب داشته باشید می‌توانید میوه خوب به‌عمل آورید. ژن هم همین‌گونه است و ژن‌های خوب و باهوش فرزندان باهوش تولید می‌کنند.داره‌های مهاجرت کشورهای توسعه‌یافته، مجموعه‌ای از افراد روان‌شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان و متخصصان ژنتیک وجود دارند که تشخیص می‌دهند به چه کسانی باید ویزا داده شود. مگر ما در تاریخمان دانشتیم که این‌سینا را می‌خواستند بدزدند و به دربار خود ببرند؟

آن‌ها زنی با ژن خوب گرفته‌اند و می‌گویند ما ژن خوب داریم.

*** به این موضوع از منظر تاریخی و سیاسی هم می‌توان نگاه کرد؟**

بله. وقتی داروین نظریات خودش را بیان کرد، شاخه‌ای از داروینیسم به‌وجود آمد به‌نام داروینیسم اجتماعی. در این حوزه گفته می‌شود که چه کسی در چه‌محیطی رشد می‌کند. جمله‌ای که داروین گفت «ماندگاری اصلح» نام دارد.

این که سیاستمداران می‌گویند شایسته‌سالاری و—درست هم می‌گویند، زیرا هر سیستمی باید شایسته‌سالاری داشته باشد، حتی در گروه‌های مقایسه‌ی هم شایسته‌سالاری هست—این سؤال را به‌وجود می‌آورد که شرایط و ضوابط آن شایستگی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد. در بستکیتال، شایسته‌سالاری این است که بازیکن، قد بلندی داشته باشد و گل بزند. زور گری‌ها باید گردن کلفت باشند. یعنی محیط کار و اجتماعی تعیین می‌کند که شرایط برای آن شایسته‌سالاری چه باشد.



ادامه از صفحه ۵-۴

* با چنین ایده‌ای مادر آینده نه چندان دور شاهد خواهیم بود که اکثریت جمعیت کشور را افراد متوسط با سطح هوشی رو به پایین تشکیل بدهند؟

البته این نگاه آن قدر هم تلخ و سیاه نیست، بالاخره نخبگان در هر کشوری ظهور می‌کنند. اما به تدریج شاهدیم که ظهور نخبگان بسیار کم‌رونق می‌شود و با چنین فضایی کشور در دست افراد کم‌هوش و جاه‌طلب می‌افتد و در فضای خلاء فکری قرار می‌گیرد. ما دیگر شاهد ظهور اختراعات و اکتشافات و فعالیت‌های علمی در مرزهای دانش جهانی نخواهیم بود و هر آن چه تولید می‌شود به عبارتی مونتاژ کاری یا مهندسی معکوس و بومی‌سازی است.

* سرانجام این وضعیت چگونه خواهد بود؟

تا مدت‌ها افراد نخبه و باهوش به عرصه عمومی نمی‌رسند و ما شاهد فروافتادن هستیم، مانند کسی که ناگهان فشار خونش می‌افتد. زمانی که کشوری که دچار فروافتادگی شود افراد پوپولیست جایی برای خودنمایی در آن می‌یابند. در موج اول فروافتادن، افراد متفکر خارج می‌شوند، سپس موج مهاجرت اقتصادی آغاز می‌شود که افراد پولشان را از کشور خارج می‌کنند و در موج سوم افرادی که کار سیاسی می‌کردند، پناهندگی سیاسی می‌گیرند.

باید تأکید کنم که در فرار ژن‌ها شاهد گسترش و تکثیر ژن‌های باهوش در مناطق توسعه‌یافته هستیم و تکثیر چنین ژن‌هایی می‌تواند باعث رشد افراد باهوش در آن منطقه شود.

* در بحث فرار ژن‌ها، چه پیش‌بینی نسبت به آینده هست؟

ایجاد آرامش و امنیت و زمینه اقتصادی سالم، زمینه تولید علم در جامعه و حفظ جایگاه و حرمت نخبگان.

دانشگاه‌های ما متأسفانه معلمانی را به وجود آورده‌اند که تولید علم نمی‌کنند و فقط اطلاعاتی را که فراگرفته‌اند به دانشجویان انتقال می‌دهند. فرایند مغزیشان این گونه نیست که تولید علمی صورت بگیرد. فضای دانشگاه‌های ما در حوزه حفظیات است نه فکریات؛ در حوزه تقلید است نه تدبیر؛ در صحنه پذیرش است نه انتقاد سازنده؛ جایگاه منقول است نه معقول.

* یکی از موضوعاتی که طی سال‌های اخیر بر روی آن کار شده بحث پروژه ژنوم است. این پروژه در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

این پروژه اکنون بسته شده است ولی کارها در همان راستا ادامه دارد. من هم سنگ کوچکی در این قصر بزرگ کار گذاشته‌ام. پروژه ژنوم انسان طرح نقشه‌برداری و تعیین توالی کل ژنوم انسان با استفاده از روش‌های علمی بود که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ عنوان شد. هدف این پروژه بین‌المللی تعیین توالی جفت باز (اجزای تشکیل دهنده دی‌ان‌ای) انسان از هر دو نظر فیزیکی و عملکرد بود.

تأمین قسمتی از بودجه این پروژه را دپارتمان انرژی آمریکا به عهده گرفت و در سال ۱۹۸۸ کنگره آمریکا رسماً اجرای پروژه ژنوم انسانی را از سال ۱۹۹۱ به مدت ۱۵ سال تصویب کرد. در این سال انستیتو بهداشت ملی آمریکا (NIH) نیز برای اجرای این طرح اعلام آمادگی کرد. کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان و ژاپن نیز به این پروژه پیوستند. در سال ۱۹۹۸ سازمان ژنوم انسانی (HUGO) ایجاد شد. اهداف اولیه پروژه ژنوم انسانی، تعیین نقشه دقیق ژنتیکی کروموزوم‌ها، تهیه نقشه فیزیکی کروموزوم‌های اورگانسم‌هایی که به عنوان مدل انتخاب شده‌اند، تعیین توالی کل ژنوم انسان و ایجاد شبکه‌های ارتباطی



فراست: محمد نجفی / اطلاعات

و بانک‌های اطلاعاتی بود.

این پروژه در سال ۲۰۰۱ به پایان رسید. اما هنوز بسیاری از ژن‌های انسان شناسایی نشده‌اند. این پروژه بزرگ‌ترین پروژه گروهی بشر بوده است که تاکنون محققان زیادی در آن شرکت کرده‌اند.

باید بگویم که ژن‌ها در این پروژه کشف شدند، اما موتاسیون‌های جدیدی هنوز هست. ما زمانی فکر می‌کردیم تالاسمی، سی یا چهل موتاسیون دارد، اما الان متوجه شدیم که حدود پانصد اَشصد چشم دارد. ما بیماری‌هایی داریم که موتاسیون‌های جدید آن باید شناسایی شوند. من در این پروژه یک بیماری و ژن آن را پیدا و اعلام کردم. این بیماری جوش خوردگی مادرزادی مفصل‌ها بود؛ افرادی بودند که در پنج نسل، مفاصل آن‌ها جوش خورده بودند و مفصل آرنجشان تکان نمی‌خورد.

* سؤالی را در انتهای گفتگویمان طرح می‌کنم. در برخی محافل از نامیرایی و اَبَر انسان گفته می‌شود، اگر چه بسیاری در رد آن صحبت کرده‌اند. آیا از نظر ژنتیکی این موضوع می‌تواند در آینده تحقق پیدا کند؟

این اتفاق نخواهد افتاد، با سبک زندگی سالم می‌توانیم طول عمر را بیشتر کنیم. می‌توان گفت اگر کسی تا شصت سال نمیرد، بعد از آن اگر فوت کند تقصیر خودش است که بد زندگی کرده.

بیماری‌های ژنتیکی مانند دیابت، سرطان و بیماری‌های قلبی-عروقی تا این سن خودشان را ظاهر می‌کنند. بعد از آن سبک زندگی است که باعث می‌شود انسان دچار لطماتی بشود و از بین برود.

البته در نهایت انسان هم مانند هر موجود دیگری دچار فرسایش می‌شود. تیر آهن را در بیابان بیندازید، پس از مدتی دچار خوردگی و پوسیدگی می‌شود و از بین می‌رود.

شکی نیست که سلول‌های بدن هر موجود زنده‌ای به تدریج از بین می‌روند و نمی‌توان جلوی آن را گرفت. اگر کسی را بخواهند مثلاً تا ۱۵۰ سالگی نگه دارند در نهایت بر اثر سرطان از بین می‌رود، چرا که سلول‌ها در خودشان دچار تکثیر می‌شوند.

ابدیت برای هیچ کس وجود ندارد و این که گفته‌اند به درد فیلم‌های علمی تخیلی می‌خورد.

* در پایان اگر نکته‌ای ناگفته باقی مانده است بفرمایید.

در حال حاضر حدود هشتاد درصد از بیماری‌ها و معلولیت‌ها و مرگ‌ومیرها که هزینه‌هایشان به جیب مردم و دولت تحمیل می‌شود، شامل چهار گروه هستند. اول بیماری‌های قلب و عروق، دوم بیماری‌های سرطانی، سوم متابولیک و چاقی و قند و در آخر هم بیماری‌های روانی. بیماری‌های روانی شاید متفاوت باشند، اما سه مورد دیگر به سبک زندگی بسیار مرتبطند. اگر سبک زندگی در کل جامعه تغییر کند این بیماری‌ها می‌توانند به نصف برسند.

خوردن خوراکی و خواب مناسب و شغل و مناسبات اجتماعی و در رأس همه آن‌ها رفع استرس از مواردی هستند که در سبک زندگی سالم باید اعمال شوند.

استرس البته در رأس تمامی این موارد قرار دارد، زیرا باعث ایجاد ناراحتی قلبی و سرطان و دیابت و بروز مسائل روانی می‌شود. زیاده‌طلبی، نخواستن، با موبایل کار کردن و ده‌ها مورد دیگر باعث ایجاد استرس می‌شود. سبک زندگی مردم ما ناسالم است.

* شما از منظر متخصص ژنتیک باور دارید که استرس‌ها بیماری‌ها را تشدید می‌کند و در خود ژن‌ها هم اختلال به وجود می‌آورد؟

بله، نه تنها من باور دارم، بلکه این موضوع از لحاظ علمی هم اثبات شده است. مبحثی به نام «اپی ژنتیک» وجود دارد که نشان می‌دهد یافته‌ها و عادت‌ها ژن‌ها را فعال می‌کنند.

به‌طور مثال فرهنگ از تمام زوایای آن وارد ژنتیک ما می‌شود. دروغ‌گویی، شجاعت، ترسو بودن، خشونت، مهربانی، میهن‌پرستی و محبت، همگی از مواردی هستند که به تدریج در اطلاعات ژنتیکی قرار می‌گیرند.

من دو کتاب در مورد مهربانی و خشونت نوشتم که چگونه این صفات می‌توانند به تدریج وارد زندگی مردم شوند. این‌ها جزو اطلاعات ژنتیکی انسان قرار می‌گیرند و بخشی از غریزه ما می‌شوند.

وقتی مردمی خشونت را ترویج می‌کنند این خشونت در ذاتشان قرار می‌گیرد و در نسل‌های بعدی تکرار می‌شود. الان در همین کشور ما گروه‌هایی با نام لات‌ها و گنده‌لات‌ها به وجود آمده‌اند که در حال زیاد شدن هستند. من به عنوان یک شهروند بیم آن دارم که رفتار و منش این گروه‌ها در سال‌های آتی گسترش پیدا کند و لطمات جدی به مردم و کشور بزند. لات‌بازی، پهلوانی نیست. پهلوانان اسطوره اخلاق و مهربانی بودند.

* نگاه یک متخصص ژنتیک به این آسیب‌ها چگونه است و چطور می‌توان راه حلی برایشان ارائه کرد؟

باید جامعه‌شناسان، رفتارشناسان، روان‌شناسان و دیگر متخصصان با یک کار تیمی و هماهنگ، راهکار ارائه دهند. به شکل انفرادی به هیچ عنوان به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. آن وقت من هم به عنوان یک شهروند نظر خود را می‌گویم که بتوانیم به یک راهکار برسیم. با این وضعیت من نگران نسل آتی با یک همه‌گیری خشونت (نه شجاعت) و ویرانگری هستیم.



طبیعت یا تربیت؟

• برندن اگبونو - مالیک بویکین

وقتی بحث سر چاقی باشد، آدم‌ها معمولاً دو دسته می‌شوند: عده‌ای می‌گویند چاقی در ژن آدم‌هاست و چاق‌ها استعداد چاقی دارند و دسته‌ای سفت و سخت می‌ایستند که چاقی ناشی از پر خوری و کم تحرکی است، پس اگر کسی چاق شده، تقصیر خودش است. همین را در موفقیت تحصیلی، ابتلائی به بیماری یا هر موضوع مثبت و منفی دیگری می‌توانید ببینید: کیستی ما حاصل ژن‌هایمان است، یا نحوه تربیت‌مان؟ دو متخصص برجسته، در دو کتاب جدید، این دعوا را وارد مرحله تازه‌ای کرده‌اند.

در سال‌های اخیر دعوی «طبیعت یا تربیت» در زیست‌شناسی را با تسلیحاتی پیشرفته‌تر از سر گرفته‌اند، اگرچه پرسش اصلی بدون تغییر مانده است: چیست که از ما انسان می‌سازد؟ چرا ما انسان‌ها با یکدیگر فرق داریم؟ تاکنون شاهد صدها مطالعه روی دوقلوها و فرزندخوانده‌ها بوده‌ایم که برآورد وراثت‌پذیری ده‌ها مورد از ویژگی‌های مرتبط با رفتار و سلامت انسانی را در دسترس‌مان گذاشته‌اند. به لطف همین بررسی‌ها توانسته‌ایم امضاهای ژنتیکی را با فهرست روبه‌رشدی از صفات جسمانی (مانند قد و رنگ پوست)، فیزیولوژیک (مانند احتمال ابتلا به دیابت نوع دوم و فشار خون) و رفتاری (مانند خطر ابتلا به افسردگی و اوتیسم) مرتبط کنیم. از سوی دیگر، همه‌گیرشناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی همچنان بیانگر انعطاف‌پذیری تجربه‌ی انسانی در بین انبوه مردم هستند و دانش ما درباره آن‌دسته از نیروهای اجتماعی که تفاوت‌های ژرفی در تجربه‌ی انسانی پدید می‌آورند روز به روز افزایش می‌یابد.

دو کتاب جدید که عنوان هر دو «الگو» است، کوشیده‌اند از فراز این غوغا درباره نقش ژنتیک در شکل بخشیدن به رفتار انسانی ادعاهای اصولی مطرح کنند، اگرچه شکافی عمیق بین روش‌شناسی این دو کتاب وجود دارد. تمرکز «اربرت پلومین» ژنتیک‌شناس بر این است که چرا انسان‌ها متفاوتند، اما «نیکلاس کریستاکس» پزشک و جامعه‌شناس در پی پاسخ به این پرسش است که چرا طبق برآورد او، بنی‌بشر تا این اندازه شبیه یکدیگرند.

رابرت پلومین در حوزه روان‌شناسی رفتاری، نام‌آور است و از اصلی‌ترین هواداران متعصب مکتب «قدرت مطلق ژن» است؛ مکتبی که وراثت‌باوری هم نامیده می‌شود. رابرت پلومین آوازه خود را از خلال ربع قرن کار برجسته در حوزه ژنتیک رفتاری، به‌ویژه مطالعه روی دوقلوها و خواهر و برادرها، کسب کرده است. وی اواخر سال ۲۰۱۸ کتابی با عنوان الگو منتشر کرد که پیرامون این پرسش است: «یا همه چیز در ژن‌های ما خلاصه می‌شود؟» مضمون واحدی که در سراسر کتاب جریان دارد این است که دی‌ان‌ای نه فقط عامل معنی‌داری در تعیین هویت ماست، بلکه باثبات‌ترین و پیشگوییانه‌ترین عامل در تعیین هویت ماست. نزد پلومین، علم ژنتیک، ابزار طالع‌بینی است و اگر دانش خواندن ژن‌ها را داشته باشیم، می‌توانیم از سرنوشت‌مان باخبر شویم.

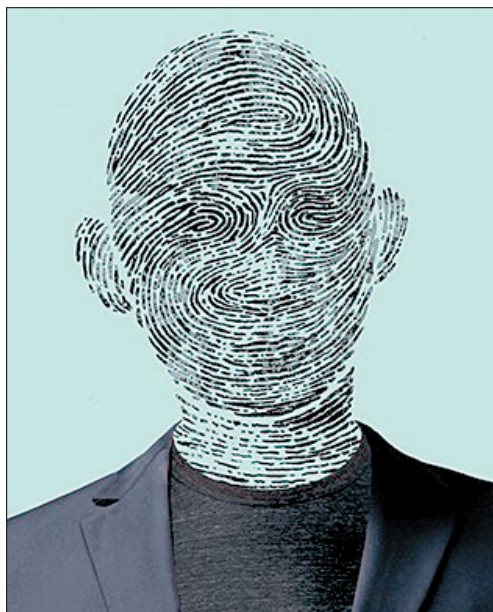
منتقدان پلومین، به انحای مختلف، بر اهمیت نیروهای محیطی -انواع نیروهای ساختاری و تجربی و تاریخی- بر سرنوشت افراد و جوامع تأکید کرده‌اند. پلومین گاهی این مخالفت‌ها را به‌شکلی تحقیرآمیز زورچیان کردن نوعی دستور کار «لوح سفید» (نظریه‌هایی که می‌گویند انسان‌ها مثل لوح سفیدی به دنیا می‌آیند که می‌شود هر چیزی رویش نوشت و کیستی و تفاوت‌های میان انسان‌ها را صرفاً عوامل محیطی و شیوه تربیت آن‌ها تعیین می‌کند) دانسته است.

منتقدان پلومین می‌گویند اگر همه رفتارهایمان را به ژن‌ها نسبت دهیم، بازگشتی به فلسفه جبرباوری خواهیم داشت و از تمام مسئولیت‌های فردی اعمالمان مبرا خواهیم شد. همچنین تقدیرباوری ژنتیکی می‌تواند توضیح و تفسیرهای اجتماعی یا ساختاری برای نابرابری را تضعیف کند. چنین طرز فکری می‌تواند بر تنوع جنسیتی در علوم طبیعی، تفاوت‌های مبتنی بر نژاد و طبقه در نمره آزمون‌های استاندارد و حتی بر مسأله محکومیت در نظام عدالت کیفری اثرگذار باشد.

مطالعات اخیر روی جمعیت‌ها در مقیاس بزرگ نشان داده است که امضاهای ژنتیکی بسیاری از صفات (از قبیل صفات جسمانی و روانی و رفتاری) حتی در میان جمعیت‌های همگنی که در محدوده‌ای وسیع مانند فلانند پراکنده‌اند یکپارچگی ندارد. علاوه بر این، بیشتر داده‌های مورد استفاده پلومین اغلب از کسانی با تبار اروپایی استخراج شده است، اما اکثریت جمعیت جهان از نژادهای غیراروپایی و درآمیخته تشکیل می‌شود. همچنین روایت ژنتیکی موجود در رابطه با بیماری‌هایی مانند دیابت نوع دوم در هم‌برهم است: امضاهای ژنتیکی وجود دارند، اما از فردی به فرد دیگر می‌توانند متفاوت باشند. این یافته‌ها حکایت از آن دارند که جهان زیستی واقعی، پیچیده‌تر و شگفت‌انگیزتر از جهانی است که رابرت پلومین مدافع آن است.

با وجود اهمیت بحثی که پیرامون وراثت‌باوری پلومین جریان دارد، علم ژنتیک فقط یکی از ابزارهایی است که در تبیین تصویری از طبیعت انسان که روز به روز پیچیده‌تر می‌شود، به کار می‌رود. ابزارهای دیگری که دانشمندان برای تعیین قواعد بیولوژی بشر استفاده می‌کنند در تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی ریشه دارند.

شاخه‌ی ارتجاعی این بحث یادآور خوشاوندش در علم ژنتیک است: تفاوت گروه‌های بشری بر نابرابری دلالت دارد و نابرابری به نوبه خود سلسله‌مراتب را پدید می‌آورد اما شاخه‌های پیش‌روتر مکتب مقایسه فرهنگی بر خصیصه‌هایی تکیه دارد که نشانه‌هایی جهان‌شمول و حتی برابر در جوامع مختلفند. درست است که تفاوت‌های بزرگ و مشهود و پراهمیتی بین جوامع بشری وجود دارد ولی اکثر این تفاوت‌ها نمی‌توانند درباره هیچ کدام از آن جوامع نکته‌ای اساسی آشکار کنند و چه‌بسا هیچ کدام از این تفاوت‌ها آشکارکننده هیچ واقعیت تغییرناپذیری نباشند. شاید این نکته مهم باشد که فوتبال در اروگوئه بیشتر از کوراسائو محبوبیت دارد اما اندیشه‌ای که محبوبیت فوتبال را به مسأله‌ای ذاتی و اساسی درباره مردم اوروگوئه یا کوراسائو پیوند بزند از جنس همان اندیشه‌های فاسدی است که در نژادپرستی و ناسیونالیسم و فاشیسم می‌بینیم.



الگوی نیکلاس کریستاکس ادعا دارد که همانندی‌های فرهنگی می‌تواند به ما بگوید که انسان بودن به چه معناست. او علوم سیاسی، انسان‌شناسی، نظریه شبکه و رشته‌های علمی دیگر را مرور می‌کند تا بحث اصلی خود را طرح کند: جوامع بشری دارای ویژگی‌هایی ذاتی‌اند که نشان می‌دهد انسان چگونه تکامل یافته است. برعکس پلومین، نظر کریستاکس این است که عامل تفاوت جوامع، فرهنگ است، نه ژنتیک. بی‌تردید تفاوت بین گروه‌های فرهنگی، در فهرست طولانی خصوصیات که انسان‌شناسان گرد آورده‌اند، ارتباط بسیار ناچیزی با ژنتیک دارد. ژنی برای جراحی یا بت‌پرستی وجود ندارد که بتواند توضیح بدهد چرا بعضی از جوامع بدن آدم‌ها را می‌پزدانند یا مجسمه خدایانشان را می‌ساخته‌اند. این اختلاف‌ها ریشه در فرهنگ دارد.

کریستاکس وقتی درباره جوامعی مانند قبیله هادزا در تانزانیا و قبیله تورکانا در غرب کنیا بحث می‌کند که ساختارهای مادی بسیار متفاوتی دارند، اهمیتی نمی‌دهد که چرا این جوامع متفاوتند، بلکه در پی شواهدی در این جوامع می‌گردد که نشان بدهد بسیاری از ویژگی‌های اصلی جوامع انسانی، حتی وقتی در قالب خصوصیات فرهنگی ریخته می‌شوند، جهانی‌اند. چرا مردم هادزا تک‌همسری و مردم تورکانا چندهمسری را ترجیح می‌دهند؟ کریستاکس در فصل مقابل آخر کتابش توضیح می‌دهد که تکامل فرهنگی چطور می‌تواند همچون تکامل زیستی عمل کند و فرهنگ چگونه می‌تواند بر بیولوژی تأثیر بگذارد.

کتاب کریستاکس هم حاشیه‌روی‌هایی از جنس حاشیه‌روی‌های پلومین دارد. بحث با طرح چند مثال محتاطانه راجع به تأثیر تغییرات فرهنگی بر تکامل زیستی آغاز می‌شود: قابلیت هضم لاکتوز در پاسخ به سبک زندگی روستایی (چون در جوامعی که حیوانات شیره پرورش می‌دهند هضم لاکتوز مفید است) و تحول کم‌خونی داسی شکل در واکنش به پرورش سیب‌زمینی شیرین (زیرا مزارع سیب‌زمینی شیرین زیستگاهی مناسب برای پشه‌ها هستند). کریستاکس تمایل دارد وارد قلمرو گمانه‌زنی شود و این

فرضیه را ارائه کند که چه‌بسا بشر در اثر شهرنشینی هوشمندتر خواهد شد. اظهار نظر بامزه‌ای است، دست‌کم به این دلیل که در جهت معکوس این هراس فراگیر است که می‌گویند در اثر زندگی در شهرهای بزرگ، روابط اجتماعی معنادار تضعیف شده‌اند و در اثر رونق شبکه‌های اجتماعی، همه ما محق‌تر شده‌ایم.

در ادامه با ابهام بزرگ‌تری مواجه می‌شویم. کریستاکس اشاره می‌کند که چه بسا ادیان بزرگ و نظام‌مند مغزهایی را انتخاب کرده‌اند که استعداد پذیرفتن حقایق مورد ادعایشان را داشته‌اند. موفقیت ادیان جهانی از قبیل اسلام و مسیحیت در مناطق مهاجرنشین و فرودست نمی‌تواند نتیجه اصلاح ژنتیکی باشد و به نظر می‌آید تشریح موفقیت این ادیان بدون توجه به جغرافیای سیاسی و روابط قدرت هم ناممکن و هم غیراخلاقی باشد. طبق گفته کریستاکس به نظر می‌آید همه مردم استعدادی (زیستی) دارند که در بعضی شرایط با آغوش باز پذیرای دین باشند و در بعضی شرایط دیگر از دین به کلی چشم‌پوشند.

گرچه الگوهای پلومین و کریستاکس فرق زیادی با یکدیگر دارند، اما هر دوی این کتاب‌ها در برابر بررسی دقیق آسیب‌پذیرند. انحراف‌های جزئی استدلال‌های پلومین به‌قدری در راستای نژادپرستی علمی کلاسیک قرار می‌گیرد که او لازم می‌بیند به این مسأله اشاره کند و از آن فاصله بگیرد. وقتی هم که به مسأله می‌پردازد، این نکته را فراموش می‌کند که یافته‌هایش در جهت توضیح تفاوت‌های گروه‌های جمعیتی است. درست است که پلومین اصرار دارد که نباید حاصل کارش را بسط بدهند و با تکیه بر آن تعصب [نژادی] را توجیه کنند، ولی اگر بسط منطقی نظریه‌هایش یک‌راست در چنین جهتی قرار بگیرد، اصرار پلومین تیرنه‌اش نمی‌کند. اگر باورمان این باشد که علم ژنتیک می‌تواند توضیح بدهد که چرا نمرات کلاس الف بهتر از کلاس ب است، همین کافی است تا توجیهی باشد برای این که بی‌معطلی و بدون تأمل اخلاقی در قبال این دو کلاس رفتار متفاوتی در پیش بگیریم و مثال روی بچه‌های کلاس ب سرمایه‌گذاری نکنیم.

پلومین (شاید ناخواسته) کم‌کم‌ان کرده تا پی ببریم چرا این جور تفسیرها گمراه‌کننده‌اند. پلومین در الگو خاطر نشان می‌کند که ویژگی کلیدی وراثت‌پذیری این است که «آن‌چه را که هست شرح می‌دهد، ولی پیش‌گویی نمی‌کند که چه خواهد شد». برای نمونه، وراثت‌پذیری اسکیزوفرنی می‌تواند راجع به کسانی که با معیارهای مطابقت دارند حرف بیشتری داشته باشد تا درباره افراد عادی. علاوه بر این، وراثت‌پذیری اسکیزوفرنی نمی‌تواند بگوید که جامعه در برابر سرنوشت تک‌تک افراد مبتلا به این بیماری چه کاری می‌تواند انجام بدهد. چه‌بسا فردا کشف جدیدی انجام شود و این وراثت‌پذیری تغییر کند. شاید دارویی کشف شود که احتمال ابتلا به اسکیزوفرنی را کاهش دهد یا شاید معلوم شود کمبود چیزی موجب افزایش احتمال ابتلا به آن می‌شود. این که ژن‌ها عامل بروز خصوصیاتی باشند به آن معنا نیست که فرهنگ یا نبوغ بشری نمی‌تواند همین فردا میزان استحکام این رابطه را تغییر بدهد.

ارتباط الگوی کریستاکس با تبعیض کمتر است، ولی ردپای رده‌بندی را در آن می‌توان یافت: حتی اگر باور داشته باشیم که تورکانا و هادزا تفاوت ذاتی ندارند، ممکن است این جوامع را بر مبنای میزان سازگاری با دیدگاه‌های خودمان درجه‌بندی کنیم. می‌توان «ژن» را برداشت و «فرهنگ» را جایش گذاشت و دوباره به همان تعصب‌های [قومی و نژادی] قدیمی رسید. اگر بخواهیم اندیشه اصلی هر کدام از این کتاب‌ها را در دانش‌ان متعصبانه قلمداد کنیم از دقت نظر به‌دور خواهیم ماند: می‌شود علت تفاوت انسان‌ها -از نظر جسمانی و فیزیولوژیک و روانی- را تا حد زیادی به عهده ژن‌ها گذاشت و همچنان بر این باور بود که تاریخ و شرایط، تأثیر عمیقی بر ساختار جامعه دارند. به همین ترتیب، می‌توانیم تفاوت‌های جوامع با یکدیگر را بپذیریم و از ارزش‌گذاری پرهیزیم و حکم ندهیم که کدام جامعه «بهتر» است.

مطالعه بشر و تفاوت‌های بشری نباید به نتایج جهان‌شمول ختم شود، اما اکنون و در سال ۲۰۱۹ چنین اتفاقی می‌افتد: در غرب، نژادپرستی ذات‌باورانه و بیگانه‌هراسی در قالب ابزار سیاسی حیاتی دوباره یافته است. به همین دلیل است که کار پلومین و کریستاکس و دیگران اهمیت دارد. باید نیروی دی‌ان‌ای را درک کنیم و بپذیریم که شرایط و فرهنگ -در گذشته و امروز و آینده- می‌توانند بر این نیرو غلبه کنند و جهان چندگانه‌ای پدید آورند که معرف تجربه هستی بشر است.

این مطلب را سی. برنرد اگبونو، استاد اکولوژی و زیست‌شناسی تکاملی در دانشگاه براون و سی. مالیک بویکین، محقق دوره پسادکتری در دانشکده علوم شناختی، زبان‌شناسی و روان‌شناسی دانشگاه براون نوشته‌اند و وبسایت ترجمان آن را با ترجمه حسین رحمانی منتشر کرده است.

امروز در تاریخ

شکست‌نهایی مروان از ابومسلم خراسانی

در جنگ دو روزه ۲۶ و ۲۷ ژانویه - سال ۷۵۰ میلادی که در کنار رودخانه «زاب» واقع در شمال عراق امروز میان نیروهای ابو مسلم خراسانی و لشکریان مروان دوم روی داد، مروان شکست خورد و به مصر گریخت و شش ماه پس از شکست زاب، در آنجا در ششم آگوست ۷۵۰ در منطقه اوسیر کشته شد.

سلطنت شاہ عباسی

شاه عباس یکم از دودمان صفویان که ۲۷ ژانویه ۱۵۷۱ به دنیا آمده بود در ۵۷ سالگی در ۱۹ ژانویه ۱۶۲۹ فوت شد. شاه عباس در زمانی بر جای پدر نشست که مداخله سران قزلباش در امورات دولتی و کشمکش‌های داخلی به اوج خود رسیده بود، دولت عثمانی که نام خلافت اسلام بر خود نهاده بود با استفاده از مسائل داخلی ایران و توطئه‌های بزرگان و شاهزادگان صفوی، بر غرب و شمال غربی ایران از گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، همدان، کردستان تا لرستان سلطه یافته بود، از یک‌ها دست اندازی به خراسان را آغاز کرده بودند و منطقه خلیج فارس جلوانگاه بر تعالی‌ها شده بود.

ژنرال انگلیسی، که به ایران لشکر کشید

ژنرال انگلیسي «پرسې ساپکس» د۷مېن ۱۲۹۴ هجري خورشيدی با چنډ واحد سرباز از هند وارد بندر عباس شد و از آنجا به کرمان رفت و مستقر شد. این ژنرال انگلیسي که بعداً به خاطر خدماتش به امپراتوری لندن، از دولت متبوع خود لقب «سِر» گرفت همان است که تا بهر ابر او با تاریخ افغانستان، آلتاف کړه داست.

«برنو» تفنگ ارتش ایران شد

هفتم بهمن ماه ۱۳۰۹ در پی یک بررسی طولانی، شاه وقت که فرمانده کل نیروهای مسلح بود موافقت کرد که «ماوزر» ساخت آلمان پس از یک دوره آزمایش چندساله، تفنگ رسمی ارتش ایران شود. این آزمایش روی ماوزرهای «وی. زی ۲۴ - VZ» یعنی ماوزر ساخت سال ۱۹۲۴ صورت گرفت و ستاد ارتش در سال ۱۳۱۳ به آن نه نه قبول داد.

دولت ایران که مشتری کمپانی «اشکودا» بود ترجیح داد که تفنگ‌های ماوزر ساخت شهر برنو Brno را خریداری کند و از آن پس در ایران نام «برنو» بر تفنگ‌های ماوزر گذارده شد که پنج تیر و تک تیر بودند.

www.iranianshistoryonthisday.com

قاب امروز



قرنطینه و وهان چین به دلیل شیوع و بروس کرونا/عکس از: مهر

سرایه

کس نیست که غم از دل ما داند برد
یا چاره کار عشق بتواند برد
گفتم که به شوخی ببرد دست از ما
زین دست که او پیاده می داند برد
سعدی

بزرگان

همه شکست‌های بشر از غفلت‌های او سرچشمه می‌گیرد.

مازالان

اگر می‌خواهی تو را فرزانه بدانند، زندگی صحیح را بیاموز.

و بحار دسون

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ (برای ۹ ربیع الاول ۱۴۰۰ و ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰) نقل شده است.

آخرین نتایج شمارش آراء در تهران و شهرستانها

شمارش آراء در ۱۲۰ شهر کشور را قبل از ظهر امروز به پایان رسیده است. یکی از اعضای ستاد انتخابات وزارت کشور در گفتگویی با اطلاعات ضمن اعلام خبر بالا افزود: احتمالاً شمارش آراء در ۴۵ شهر دیگر کشور نیز ممکن است تا امشب به پایان برسد. وی گفت: براساس آرائی که تاکنون به دست آمده است ابوالحسن بی صدر بالاترین تعداد رأی را بدست آورده است و مدنی و حبیبی به ترتیب در مقامهای دوم و سوم قرار دارند.

فروهر به بنی صدر تبریک گفت

«داریوش فروهر» در تلگرامی به دختر ابوالحسن بنی صدر پیروزی وی را در انتخابات ریاست جمهوری تبریک گفته است. متن تلگرام مزبور به شرح زیر است:

جناب آقای ابوالحسن بنی صدر افتخار بزرگی نصیب شما شده است، در نخستین گزینش ملی برای ریاست جمهوری اسلامی ایران در آستانه پیروزی قطعی قرار گرفته اید، این پیروزی راه شما نه تنها به گوی.

علت سقوط هلیکوپتر هو انیروز

مید یزد - اصفهان (خبرنگار اطلاعات): در پی سقوط یک فروند هلیکوپتر ۲۱۴ هواپیمای اصفهان، که در حین مأموریت عازم منطقه ایرانشهر در زاهدان بود، دیروز روابط عمومی مشترک نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی - انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مورد حادثه سقوط هلیکوپتر اطلاعاتی بدین شرح در اختیار خبرنگار روزنامه اطلاعات در اصفهان گذاشت: این هلیکوپتر از نوع ۲۱۴ بود و برای تعویض نفرا ت هلیکوپتر های دیگر که در منطقه کرمان و زاهدان بودند، روز پنجشنبه گذشته عازم این مناطق شد. تماس با هلیکوپتر در ساعت ۱۵ و ۲۰ دقیقه همان روز قطع شد. و بعدا در یافتیم که متأسفانه پس از سقوط در ارتفاعات بین نائین و یزد، همه سر نشینان آن که ۱۱ نفر بودند، کشته شدند.

۳۰۰ شخصیت جهانی به تهران می آیند

مهندس هاشم صباغیان نماینده شورای انقلاب و هماهنگ کننده مراسم هفته برگزاری جشن های یکهزار و چهارصدمین سال هجرت پیغمبر اکرم (ص) و سالگرد پیروزی انقلاب در گفتگویی با خبرنگار اطلاعات چگونگی برگزاری این جشنها را تشریح کرد و گفت: جشن از پانزدهم بهمن مصادف با هفدهم ربیع الاول که تولد حضرت رسول اکرم (ص) می باشد آغاز می شود و تا دوشنبه ۲۲ بهمن که مصادف با پیروزی انقلاب است ادامه خواهد داشت. وی افزود: حدود ۳۰۰ نفر از شخصیت های مذهبی علمی، محققین و روزنامه نگاران مسلمان و غیرمسلمان خارجी را که در جهت پیروزی انقلاب نقش داشته اند و مقالاتی به نفع انقلاب مانوشته اند، به این اردو دعوت کرد دایم.

از ورود تور بست های ایرانی به فرانسه جلوگیری می شود

براساس تلگرامی که سفیر ایران در پاریس به روزنامه اطلاعات فرستاده، پلیس فرانسه از ورود توریست‌های ایرانی به فرانسه جلوگیری می‌کند. متن تلگرام سفیر ایران در پاریس به این شرح است: خواهشمندم خبر ذیل را برای آگاهی هموطنان در آن جریده درج فرمایند که احیاناً ایرانیان در مسافرت به فرانسه دچار باتلکلیفی نشوند. اخیراً پلیس فرانسه از فرودگاه اورلی و شارل دوگل بایرانیانی که دارای گذرنامه توریستی می‌باشند اجازه ورود به پاریس را نمی‌دهد.

تظاهرات بر ضد یمن سادات و بگین

بیروت - آسوشیتدپرس - کشورهای عربی متماایل به چپ و سازمان آزادیبخش فلسطین: یروز با انجام تظاهرات و اعتصابات به عادی شدن روابط میان مصر و اسرائیل اعتراض کردند. در بیروت که مقر اصلی قدرت سازمان آزادیبخش فلسطین است، گریکهای فلسطینی صومر تکههای جیمی کارتر، ابر سادات و متابعیه بگین را آتش زدند.

لندن گرافٹریں شہر دنیا

لندن - آسوشیتد پرس - «تایمز مالی» نشریه اقتصادی چاپ لندن نوشت که لندن برای مسافران خارجی گران‌ترین شهرهای دنیا شده و به میزان یک سوم گران‌تر از نیویورک است. پس از لندن به ترتیب ریاض، پاریس، فرانکفورت و بروکسل قرار دارند.

جدول شرح در متن

[illegible]

سودو کو

						٤	١	٣
		٣	٢	٥				٩
								٧
	٢		٩		٨		٤	
٢		٤				٩		٥
	٣		٥		٢		٢	
١								
٥				٧	٢	١		
٣	٩	٢						

۴	۸	۶	۱	۵	۹	۷	۳	۲
۷	۳	۲	۴	۸	۶	۱	۵	۹
۱	۵	۹	۷	۳	۲	۴	۸	۶
۶	۴	۸	۹	۲	۱	۵	۷	۳
۵	۱	۷	۶	۴	۳	۹	۲	۸
۹	۲	۳	۸	۷	۵	۶	۴	۱
۳	۶	۴	۵	۹	۸	۲	۱	۷
۸	۷	۱	۲	۶	۴	۳	۹	۵
۲	۹	۵	۳	۱	۷	۸	۶	۴

حل ۲۶۶۸